

۴۳۲

کپه

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۱۴ تا ۲۰ مهرماه ۱۴۰۲ خورشیدی
سال چهارم - شماره ۱۸۹۸

تسانی

طالبان و جمهوری اسلامی
علیه افغان و ایرانی



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباحزاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما ، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton
Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684
e-mail:
ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال چهارم
کیهان شماره ۱۸۹۸ (۴۳۲)

جمعه ۱۴ ماه تا ۲۰ مهرماه ۱۴۰۲
۶ تا ۱۲ اکتبر ۲۰۲۳



مژده به هم میهنانی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند
می توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند
**نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی در
دسترس خواهد بود**

**سقوط
بهشت**

خاندان پهلوی و روزهای
پایانی ایران پادشاهی

اندر و اسکات کوپر
ترجمه رضا تقی زاده



KAYHAN LONDON
NEWS AND VIEWS FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN
COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم **حامد محمدی (اسر خان)**
برای نخستین بار ایجاد کرده محور نظامی و تاکتیکی های دخالتهای رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی
سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. علاقمندان می توانند این کتاب
را مستقیماً از طریق ناسی با کیهان لندن ads@kayhan.london
و با انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایران در اروپا و آمریکا به نشانی های
زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Rainsseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

درگذشت

بر سر تربیت ما چون گذری همت خواه
که زیارتگه زندان جهان خواهد بود



**جمشید
رضایی**

با اندوهی بیکران درگذشت نابهنگام استاد **جمشید رضایی**
همزمن سرشناس ایرانی در لندن را به اطلاع هم میهنان و
دوستان او می رسانیم.

شادروان **جمشید رضایی** در طول زندگی پربار اجتماعی خود
در غربت همواره با اجرای کنسرت های حرفه ای موسیقی و
خواندن ترانه های سنتی به گردهمایی های جوامع ایرانیان
در انگلستان و سایر کشورهای اروپایی روحی از شادی و
پاسداری از فرهنگ ملی می بخشید.

در این راستا او حتی تا آخرین لحظه و در بستر بیماری یکی
از اعضای ثابت قدم هیئت کانون ایران در انگلیس بود
و فقدانش جبران ناپذیر خواهد بود.

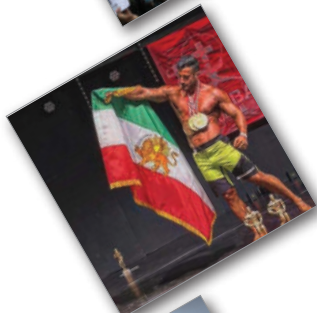
کانون ایران درگذشت این یار باوفا و همزمن ملی را به
اعضای خانواده و تسلیت گفته و برای آنها شکیبایی و
بهورزی آرزو دارد.

کیهان لندن درگذشت شادروان **جمشید رضایی** را به همه
بازماندگان، دوستان و علاقمندان آن روانشاد تسلیت می گوید.

کیشان

* فهرست مطالب *

۴	مقاله - یا با هم این کشتی توفان زده را به ساحل امن می‌رسانیم... / الا هه بقرات
۴-۵	تیبانی طالبان و جمهوری اسلامی علیه افغان و ایرانی... / حامد محمدی
۶-۷	آینده راهبردی صنعت انرژی کشور در مطالعات و برنامه «پروژه قنقوس ایران»... /
۷	شاهزاده رضا پهلوی: گلوله‌هایی که در جمعه خونین زاهدان به سر و تن... /
۸	واکنش بریتانیا به پر تاب ماهواره نظامی توسط جمهوری اسلامی... /
۹	سرکوبگران مردم زیر نورافکن؛ مشخصات و مستندات ۱۰۰ مقام و مسئول... /
۹	فواد پاشایی در گفتگو با کیشان لندن: حکومت از مردم که برای عدالت و... /
۱۰-۱۱	حجاب اجباری، «آلت قتاله»ی جمهوری اسلامی!... /
۱۱	قدس، قداست، قدسی، قدوسی مآب!... / خیراندیش (احمد/حرار)
۱۲-۱۳	آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه (۳۳) / د کتر هوشنگ نهاوندی
۱۴	روزنامه «بیلد»: عدنان طباطبایی مشاور وزیر خارجه آلمان به ملا خدمت می‌کرد... /
۱۵	نامه سناتورهای آمریکا درباره استخدام آرمین طباطبایی: به نظر می‌رسد پنتاگون... /
۱۶	ماده ۷۵ بر نامه هفتم توسعه؛ زندگی خصوصی شهروندان زیر رصد... /
۱۷	رئیس کانون سردفتران و دفتریاران: اتباع بیگانه اراضی و املاک کشور را... /
۱۸-۱۹	پیمان خضوعی برنده ۳ مدال طلای پرورش اندام... / محمدرضا حمیدی
۱۹	حجاب اجباری؛ رئیس حر است موزه سعد آباد با توهین و کنک به جان زن جوان... /
۲۰-۲۲	تناقضات ذاتی سخنرانی سید ابراهیم رئیسی (قاضی مرگ) با... / محمود مسانلی
۲۲-۲۳	سیستان و بلوچستان همچنان ملتهد؛ جو امنیتی و بازداشت شهروندان... /
۲۴-۲۵	روایت‌های باورناپذیر جمهوری اسلامی از وضعیت آرمیتا گراوند... /
۲۶	تلاش‌های مجدد ژاپن برای میانجیگری بین ملاحا و آمریکا... /
۲۷	پذیرش لوایح FATF توسط جمهوری اسلامی؟!... /
۲۸-۲۹	گزارش ویژه: «پناهجو» یا «مهاجر»؟!... / فیروزه نور دستروم
۲۹	جمهوری اسلامی با همکاری ونزوئلا برای رژیم سوریه پلایشگاهی می‌سازد... /
۳۰	«جمعه خونین زاهدان» تکرار شد؛ تیراندازی مأموران و مجروح شدن... /
۳۱	بازگشت مجدد سپاه پاسداران به «تنظیمات کارخانه‌ای» بعد از اخذی... /
۳۲-۳۳	کارزار رسانه‌ای حکومت علیه اپوزیسیون با استناد به «ابهامات مالی»... /
۳۳	علی خامنه‌ای: قمار عادی سازی روابط با اسرائیل شرط بندی روی... /
۳۴-۳۵	ارسال «سیگنال‌های جعلی» روی سیستم ناوبری هواپیمای مسافربری... /
۳۵	پایگاه خبری «هیل»: تاملها از اولین سلاح هسته‌ای خود رونمایی نکردند... /
۳۶-۳۷	تحقیر مضاعف کارگران و بازنشستگان از سوی دولت... /
۳۷	سختگوی وزارت خارجه دولت بایدن از پاسخ در مورد تهدیدات... /
۳۸	پرورنده فساد ۲۰ هزار میلیارد تومانی؛ بازداشت دوفرزند معاون اول قوه قضاییه... /
۳۹	دستگیری سارق کابل برق در شهرک صنعتی اصفهان به اتهام «خرابکاری»... /
۳۹	محمد اسلامی: حذف سه چهارم بازرسی آژانس عددی نیست!... /
۴۰	آرزوی فردوس کاویانی آزادی ایران و ملت ایران بود... /
۴۱	کمبود ۱۲ هزار یا ۵۰ هزار معلم ورزش در مدارس؟!... /
۴۲-۴۳	گفتگو با الهه امانی در مورد همایش «اقدام مشترک تشکل‌های مستقل زنان»... /
۴۳	چشم مهرگان: دل از داوری‌های پر داختند... / دکتر رضا سعیدی فیروز آبادی
۴۴-۴۵	لیلا رمضان، پیانیست موسیقی شوپرت و شعرهای مولانا... /
۴۶	آمریکاهمات و تسلیحات صادره شده از سپاه پاسداران رابه ارتش اوکراین... /
۴۶-۴۷	هشدار نماینده خامنه‌ای در سپاه به بسیجی‌ها و طلاب... /
۴۸	پشت جلد - عکس هفته / آرمیتا گراوند ۱۶ ساله



بازنشر

بازنشر

سرمقاله

یاباهم این کشتی توفان زده را به ساحل امن می‌رسانیم، یا جدا جدا غرق خواهیم شد!

در هفتم مهرماه ۱۳۹۹ شاهزاده رضا پهلوی در «پیمان نوین» نکاتی را که در سال‌های پیش از آن نیز بارها تکرار کرده بود، یکبار دیگر مطرح ساخت و همگان را به همبستگی برای نجات ایران فرا خواند.

«همگان» از یکسو مردم بی‌دفاع و دست خالی هستند که شمار زیادی از آنها در دوره‌های مختلف جمهوری اسلامی به امید گشایشی در مشکلات ملت و مملکت راه‌هایی را پیموده



آرمیتا گراوند / طرح از احمد بارکی‌زاده kayhan.london ©

و هربار به بن‌بست برخورده‌اند و شماری نیز از جان خود برای مقابله با فاشیسم مذهبی گذشته‌اند. «همگان» همچنین شامل جریان‌های سیاسی می‌شود که در داخل و خارج کشور برای آزادی و حقوق جامعه تلاش می‌کنند اما تا کنون نتوانسته‌اند به اقدام مشترک برای نجات ایران از شر جمهوری اسلامی برسند.

اکنون، یکسال پس از جنبش ملی ۴۰۱ که جمهوری اسلامی همچنان شمشیر خود را از رو بسته، می‌بایست در جریان خطایی که «اتحاد» و «ائتلاف» و «همبستگی» را در اشتباه تکراری تجمیع فیزیکی چند فرد می‌جست، یکبار دیگر به اندیشه‌ای رجوع کرد که در «پیمان نوین» مطرح شده و پیشینه‌ی آن به انقلاب ملی مشروطه می‌رسد.

این پیمان با رد هرگونه «حکومت فردی و ساختار هرمی قدرت» بر «برپایی حکومتی متکی بر خرد جمعی، مشارکت عمومی و مسئولیت‌پذیری شهروندی» تأکید می‌کند و «گام نخست برای رسیدن به چنین شرایطی را گذار از جمهوری اسلامی» می‌داند و به صراحت اعلام می‌کند «تنها آلترناتیو مقبول، حاکمیت مردم ایران است!» و «نظامی که در آن، قانون برآمده از رأی آزاد مردم، بالاترین مرجع حکومت است.»

شاهزاده رضا پهلوی در این پیمان نیز تکرار می‌کند: «من به همه نیروهای سیاسی دموکراسی‌خواه فارغ از گذشته و گرایش سیاسی‌شان دست یاری دراز می‌کنم و می‌خواهم با کنار گذاشتن اختلافات و خودبزرگ‌بینی و برتری‌جویی، روی یک هدف متمرکز شوم: نجات ایران!... تاریخ و آیندگان، شما را قضاوت خواهند کرد که در حساس‌ترین روزهای این خاک پاک، کدام طرف ایستادید؟» وی با تأکید بر «یک ملت یک پرچم» به ارتشی‌ها نیز یادآوری می‌کند: «وظیفه شما سرپازان وطن، دفاع از تمامیت ارضی میهن‌مان است؛ وظیفه شما بیش از هر زمانی، دفاع و حفاظت از ملت ایران در برابر رژیم سرکوبگر است.»

او با وجود ارائه چشم‌اندازی از «آینده‌ی روشن» اما نگرانی خود را پنهان نمی‌کند: «ما یا با هم این کشتی توفان زده را به ساحل امن می‌رسانیم، یا جدا جدا غرق خواهیم شد.»

تمام مسئله بر سر همین «ما، است!» «ما»یی که جمهوری اسلامی همواره تلاش کرده تا با «من»‌های خود آن را «جدا جدا» نگه دارد. اکنون بطور مشخص از جنبش ملی ۴۰۱ توپ در زمین جریان‌های ملی‌گرا و مدافع دموکراسی اعم از طرفداران جمهوری و پادشاهی به ویژه در خارج کشور است تا با فشردن «دست باری» پهلوی، نقشی در رساندن کشتی توفان‌زده ملت و مملکت به ساحل امن بازی کنند یا اینکه آن مردم همچنان زندگی را طوری بسر آورند که نه فقط از قیمت فردای نان و تخم‌مرغ بی‌خبرند بلکه اصلاً نمی‌دانند زنده به خانه برخواهند گشت یا نه!

تیر هفته

تبانی طالبان و جمهوری اسلامی
علیه افغان و ایرانی

● در شرایطی که موضوع سرانزیر شدن غیرقانونی افغان‌ها به ایران مطرح است، شماری از کارشناسان می‌گویند، این پناهجویان «سازمانده‌ی شده» و براساس اهداف چندمنظوره‌ی حکومت به ایران سرانزیر شده‌اند ضمن اینکه مقامات ترجیح می‌دهند بار روانی آن را هم برای افکار عمومی تشدید کنند.

در ایران هفته‌هاست گزارش می‌شود که صدها پناهجوی افغان با عبور از مرزهای شرقی از بیراهه‌های خشک و بی‌آب و علف وارد استان‌های خراسان و سیستان و بلوچستان می‌شوند و با گذر از مسیرهای سخت بیابانی خود را به شهرهای بزرگتر و مناطق مرکزی ایران می‌رسانند.

پس از بیش از چهار دهه جنگ داخلی و بی‌ثباتی در افغانستان، تخمین زده می‌شود که ۲۸/۳ میلیون افغان (دو سوم جمعیت) از جمله زنان و دختران به کمک‌های بشردوستانه و حفاظتی نیاز دارند.

بر اساس گزارش کمیساری عالی پناهندگان سازمان ملل بیش از ۱/۶ میلیون افغان از سال ۲۰۲۱ تا کنون از این کشور گریخته‌اند. تعداد کل افغان‌ها در کشورهای همسایه به بیش از ۸ میلیون نفر رسیده که یکی از بزرگترین بحران‌های انسانی مربوط به پناهندگی در جهان به شمار می‌رود. تقریباً اغلب آنهایی که افغانستان را ترک کرده‌اند به کشورهای همسایه پناه برده‌اند. کشورهایی مثل ایران و پاکستان با اقتصادهای بحران‌زده که اتفاقاً شهروندان آنها نیز زیر سلطه‌ی حکومت‌های فاسد و ناکارآمد قرار دارند. چنین حکومت‌هایی نمی‌توانند میزبان‌های قابل اعتمادی برای پناهجویان باشند.

سوء استفاده از افغان‌ها در مأموریت‌های نظامی

در شرایطی که موضوع سرانزیر شدن غیرقانونی افغان‌ها به ایران مطرح است، شماری از کارشناسان می‌گویند، این پناهجویان «سازمانده‌ی شده» و براساس اهداف چندمنظوره‌ی حکومت به ایران سرانزیر شده‌اند ضمن اینکه مقامات ترجیح می‌دهند بار روانی آن را هم برای افکار عمومی تشدید کنند.

آمار دقیق از افغانستانی‌های پناهجو یا مهاجر ساکن ایران که با وعده دریافت کارت اقامت، مجوز کار، اهدای مسکن یا حق تحصیل برای فرزندان‌شان به «سپاه قدس» پیوسته‌اند وجود ندارد. این تعداد در جنگ ۱۲ ساله سوریه بین ۱۵ تا ۱۸ هزار نفر تخمین زده می‌شود. برخی منابع این رقم را بین هفت تا هشت هزار نفر می‌دانند. اغلب این افراد کسانی هستند که در ایران با دستمزد پایین و بدون داشتن حق بیمه در مشاغل بسیار سخت کارگری می‌کردند و تنها گزینه پیش روی آنها برای داشتن کورسوی امید به تغییر در وضعیت زندگی‌شان پیوستن به سپاه پاسداران بود. افغان‌های عضو «سپاه قدس» در لشکر «فاطمیون» پشتیبان ماشین جنگی بشار اسد در جنگ داخلی سوریه بودند و همچنان مأموریت آنها ادامه دارد.

در شرایطی که هزاران نفر از افغان‌های ساکن ایران با تطبیح یا از سر ناچاری و یا با انگیزه‌های ایدئولوژیک جذب سپاه پاسداران شده‌اند، برای مردم اهمیت دارد بدانند که چرا جمهوری اسلامی چشم به روی ورود انبوهی از افغان‌ها به ایران تحت عنوان «مهاجر» و یا «پناهجو» بسته است. در فروردین سال ۱۳۹۴ یکی از افغان‌های عضو «سپاه قدس» در مصاحبه با کیهان لندن گفته بود، «هم چهار

می‌کنیم و هم کمک مالی می‌شویم و هم ما را از ایران بیرون نمی‌کنند». این مصاحبه یکی از اولین مصاحبه‌های رسانه‌های ایرانی با نیروهای موسوم به «مدافع حرم» بود. آن زمان مقامات جمهوری اسلامی حضور نظامی در سوریه را انکار می‌کردند.

تعداد دقیق تلفات لشکر «فاطمیون» در سوریه مشخص نیست اما بسیاری از کشته‌شدگان جوانانی بودند که به سوریه رفتند تا شاید حکومت امتیازی برای آنها قائل شود و در ایران بمانند. گزارش در مورد سوء استفاده از زنان یا فرزندان افغان‌های کشته شده در سوریه نیز کم نیست. در این میان شمار زیادی از اعضای «فاطمیون» بعد از آنکه از سوریه بازگشتند ارتباط خود را از طریق بسیج مناطق و یا هیأت‌های مذهبی با سپاه پاسداران حفظ کردند.

دکتر امیر حمیدی کارشناس حوزه «تئوریسم بین‌المللی» به کیهان لندن می‌گوید «جمهوری اسلامی و طالبان هم‌خواب‌اند. حکومت به ویژه بعد از شروع حرکت‌های انقلابی در ایران که اوج آن خیزش‌ها بعد از کشته شدن مهسا امینی بود برای سرانزیر کردن افغان‌ها به ایران انگیزه کافی دارد. قانع کردن نیروهای امنیتی به ادامه سرکوب در بلندمدت کاری دشوار است. حکومت می‌داند با بحران روبروست. ریزش در بین نیروهای امنیتی زیاد شده و حالا به این فکر افتاده که هرطور هست این خلاء را جبران کند.»

وادار کردن افغان‌ها به پشتیبانی از یگان‌های سرکوبگر

در مواقعی حکومت از افغان‌ها به عنوان سپاهی‌لشکر برای پرتعداد نشان دادن راهپیمایی‌های حکومتی در مناسبت‌های انقلابی سوء استفاده کرده است. در بعضی مواقع آنها تدارک‌ناچی مناسبت مذهبی و فرهنگی می‌شوند. چنانکه تعداد زیادی از موکب‌های «اربعین» برای پذیرایی از زائران با کمک افغان‌ها در مسیرهای منتهی به کربلا و نجف برپا می‌شود. در مواقعی هم به تعدادی از آنها مأموریت دادند که در سرکوب اعتراضات ضدحکومتی پشتیبان بسیج و لباس شخصی‌ها باشند.

نگرانی‌های ایرانی‌ها از سیل مهاجران افغان به ایران آنجا تشدید می‌شود که جسته و گریخته گزارش می‌شود که حکومت با انگیزه‌های ضد‌مردمی از جمله تقویت ماشین سرکوب آنها را بطور سازمانیافته به ایران وارد می‌کند.

اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۳۹۶ و مرداد ۱۳۹۷ در فضای سیاسی جدید اولین چالش جدی حکومت بعد از اعتراضات سال ۸۸ به نتایج انتخابات ریاست جمهوری اسلامی بود. وسعت این اعتراضات حکومت را وادار به اقداماتی کرد که تا پیش از آن کمتر مواردی از آن گزارش شده بود. یکی از این اقدامات استفاده از «فاطمیون» برای سرکوب اعتراضات در برخی شهرها از جمله در زاهدان، ورامین، کرج، مشهد و «خمینی‌شهر» (همايون‌شهر) اصفهان بود. با آرام‌تر شدن فضا در آن مقطع حجت‌الاسلام موسی غضنفرآبادی رئیس دادگاه‌های انقلاب تهران اواسط اسفند ۱۳۹۷ در ←

در اینباره امیر حمیدی کارشناس امنیتی معتقد است: «موضوع پناهجویان افغان ساخته جمهوری اسلامی است. آنها به حد کافی توان کنترل مرزها را دارند اما قصدی برای مقابله با ورود آنها را ندارند. اما اگر قصد مقابله دارند، با

ملی به صراحت گفت، «بخش بزرگی از کسانی که وارد ایران می‌شوند جزو ارتش افغانستان بوده‌اند.» وی همچنین تأکید کرد که «گویا پشت این مهاجرت‌ها یک سیستم وجود دارد که بلافاصله جای خواب و شغل آنها مشخص می‌شود.»

جمع طلاب حوزه علمیه قم با صراحت تهدید کرد، «اگر ما انقلاب را یاری نکنیم، حشدالشعبی عراقی، فاطمیون افغانی، زینبیون پاکستانی و حوثی‌های یمنی خواهند آمد و انقلاب را یاری خواهند کرد!»



تشیع بقایای جنازه یکی از اعضای «شکر فاطمیون» به نام «محمد جعفری» که بر اساس گزارش خبرگزاری‌های جمهوری اسلامی ۳۱ فروردین ۱۳۹۴ در سوریه کشته شده بود/ تهران / ۱۱ خرداد ۱۴۰۲

این وضعیت باید نتیجه گرفت نیروهای نظامی و انتظامی دیگر توان و عرضی کنترل مرزها را ندارند! به نظر آنها بطور سازماندهی‌شده راه این این افغان‌ها را به ایران باز می‌کنند و موازی با آن وضعیت را با تشدید تبلیغات برجسته می‌کنند. هدف‌شان هم ترساندن مردم است. می‌خواهند بگویند نیروی کافی برای نجات نظام داریم. از طرف دیگر این پیام را هم به اروپا می‌دهند که اگر فشار به جمهوری اسلامی زیاد شود سیل پناهنده‌ها به سوی اروپا جاری خواهد شد.»

اینهمه در حالیست که مصیبت‌های مردم افغانستان بعد از اشغال دوباره آن کشور توسط گروه طالبان، پس از خروج آمریکا از این کشور در اوت ۲۰۲۱، بیشتر شد. زندگی در سرزمینی که تروریست‌ها بر آن حکم می‌رانند فاجعه‌بار است. سابقه نشان داده جمهوری اسلامی با وجود دریافت بودجه‌های قابل توجه از سازمان ملل یا سایر دولت‌ها نه تنها اراده و توانی برای بهبود وضعیت پناهجویان افغان در ایران ندارد بلکه بسیاری از این آنان را برای اهداف غیرانسانی مورد سوء استفاده قرار داده است.

یکی از ابزار حکومت در جنگ روانی و هدایت افکار عمومی در کشور، نشر شایعه و ایجاد کانون‌های خبری جدید با هدف انحراف از مشکلات و همچنین وحشت‌آفرینی در جامعه جهت جلوگیری از اعتراضات است. اینکه نشر ویدیوها و گزارش‌ها در مورد «هجوم افغان‌ها» به ایران برای حکومت ابزار «جنگ روانی» باشد دور از ذهن نیست. به ویژه آنکه بخش عمده این فیلم‌ها و خبرها و گزارش‌ها و گفتگوها درباره آن در رسانه‌های خود جمهوری اسلامی منتشر می‌شوند بدون آنکه مورد اعتنای دولت و مقامات قرار بگیرند.

حامد محمدی

پرورش اینست که مقامات حکومت با اینکه تأکید می‌کنند «مسئله جدی و نگران کننده است»، چرا اقدامی نمی‌کنند؟!

نفوذی‌های طالبان در ایران

ترس بخشی از مردم ایران به احتمال ورود عوامل تروریستی در پوشش «مهاجر» و «پناهجو» برمی‌گردد. تابستان ۱۴۰۲ وقتی جدال میان مقامات جمهوری اسلامی و مقامات طالبان بر سر آب بالا گرفت، در درگیری‌های مرزی تعدادی از سربازان و مرزبانان ایرانی توسط نیروهای طالبان کشته شدند. در همان مقطع شبکه «فاکس نیوز» گزارش داد طالبان در زمان تنش با ایران دو هزار مپیگذار انتحاری و ۲۰ هزار جنگجو به مرز فرستاده بود. در شرایطی که بسیاری از شهروندان اعتمادی به نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ندارند نگرانی آنها از ورود تروریست‌ها به داخل کشور اصلاً عجیب نیست. در همان زمان مقامات طالبان نیز تهدید کردند «دو روزه اصفهان را می‌گیریم!» هرچند این تهدید بیش از بلوف و رجزخوانی نبود اما بار روانی آن افکار عمومی را تحت تأثیر قرار داد.

تبانی حکومت با طالبان

در همین ارتباط روزنامه «جمهوری اسلامی» هشتم مهرماه در یک مقاله نسبت به مهاجرت غیرمعمول افغانستانی‌ها به ایران هشدار داد و با اشاره به طالبان نوشت «علی‌رغم تمام امتیازات بیجایی که گرفته‌اند از ما طلبکار هستند.» در این گزارش تأکید شده «مشکل اصلی اینست که استراتژی نظام جمهوری اسلامی در برابر طالبان اشتباه است... برخلاف تصور آندسته مقامات که خیال می‌کند طالبان یک جنبش ضدآمریکایی است اما آنها مهره‌های آمریکا و اسرائیل‌اند.»

نیروی کار ارزان

برخی معتقدند حکومت افغان‌ها را به عنوان نیروی کار وارد ایران می‌کند. در همین ارتباط یک منبع آگاه در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به کیهان لندن می‌گوید: «طبق قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین، قرار بود در زمینه‌های مختلف از کارگران چینی استفاده شود اما از آنجا که حکومت از مردم می‌ترسد، قرار شده بجای کارگران چینی از افغانستانی‌ها در پروژه غارت ایران بهره ببرند.»

همین منبع در ارتباط با گروه دیگری از مهاجران افغان در ایران به «نظامی‌ها» اشاره و تأکید کرد «مهاجران نظامی عمدتاً آنهایی هستند که طی بیست سال پس از سقوط طالبان، توسط ارتش آمریکا در افغانستان آموزش دیده‌اند و توان نظامی آنها از نیروهای خود جمهوری اسلامی بهتر است. بیشترشان هم از شیعیان افغانستانی هستند.»

اظهارات ضد و نقیض مقامات

آنچه در این میان قابل توجه است، اظهارات متناقض مسئولان جمهوری اسلامی است. شماری از آنها صورت مسئله را بطور کل پاک کردند و مدعی شدند «ویدیوهای مربوط به ورود افغان‌ها به ایران قدیمی است.» اما پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور مسئله را جدی خواند و گفت «اتباع غیرقانونی باید به کشور خود بازگردانده شوند.»

این قضیه آنقدر اهمیت داشت که به کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی نیز کشیده شد. در همین ارتباط فداحسین مالکی از اعضای این کمیسیون تأیید کرد «ورود زیاد مهاجران، که بعضاً هم غیرقانونی وارد می‌شوند، نگرانی‌هایی را برای مردم ما به وجود آورده، که نگرانی‌های

بحقی هم هست.»

حشمت‌الله فلاحت پیشه رئیس پیشین کمیسیون امنیت

آینده راهبردی صنعت انرژی کشور در مطالعات و برنامه «پروژه ققنوس ایران»



ایران به دلیل شرایط متنوع اقلیمی، ظرفیت‌های گسترده و طبیعی برای استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی و باد دارد

متخصصان ایرانی در سراسر جهان، برنامه راهبردی صنعت انرژی کشور را تا سال ۲۰۵۰ میلادی تهیه کرده و بطور مداوم آنرا مورد بازبینی قرار می‌دهد تا بر اساس نیازهای کشور و تحولات جهانی آنرا به روز گرداند. مطالعات گروه انرژی اندیشکده ققنوس ثابت می‌کند که در سال‌های باقیمانده تا سال ۲۰۵۰ میلادی چهره صنعت انرژی کشور را می‌توان هم‌تراز با کشورهای پیشرفته جهان متحول نمود و ایران را مجدداً در زمره کشورهای تاثیرگذار در صنعت انرژی مطرح نمود. مقیاس و عمق تحولات در صنعت انرژی کشور بی‌سابقه و دشوار است ولی شواهد تاریخی کشور قویاً تایید می‌کند که با رهبری و مدیریت متعهد به منافع ملی و رفاه و بهروزی مردم ایران و نیز همت و تلاش تمامی ایرانیان هیچ اقدامی در این جهت برای ایران ناممکن نیست. ایران با تکیه به عزم ملی ایرانیان و دانش متخصصان ایرانی بار دیگر می‌تواند بازیگری قدرتمند و متعهد به صلح جهانی در عرصه بین‌المللی باشد.

اصول پایه‌ای در برنامه‌ریزی راهبردی صنعت انرژی کشور در سه اصل خلاصه می‌شوند:

۱- قابلیت اطمینان زیرساخت‌های حساس انرژی کشور باید به بالاترین حد استانداردهای جهانی برسد. این به معنای کمترین وقفه در تولید، انتقال و توزیع انرژی مورد نیاز در تمامی شرایط و فصول سال در سراسر کشور است. نظر به خاموشی‌های برق، کمبود نفت و فرآوردهای نفتی و گازی در کشور، تامین بدون وقفه انرژی برای تقاضای داخلی نخستین اولویت برنامه راهبردی صنعت ←

از سوخت‌های فسیلی را به سرعت متوقف یا به شدت محدود کند. اقدامات بزرگ کنونی در جایگزین کردن تولیدکننده‌های گازهای گلخانه‌ای با انرژی‌های پاک تحولی است که سال‌ها، بلکه دهه‌ها ایران از آن عقب مانده است. در حال حاضر شتاب این تغییر در کشورهای پیشرفته بیشتر شده بطوری که برای جلوگیری از فاجیح انسانی جبران‌ناپذیر، این جایگزینی می‌بایست تا میانه قرن میلادی حاضر پایان بگیرد. کاری که امکان انجام آن برای کشورهای صنعتی و پیشرفته که بزرگترین تولیدکننده‌های گازهای گلخانه‌ای هستند، میسر به نظر می‌رسد.

اما در ایران به عنوان یکی از بزرگترین تولیدکننده‌های گازهای گلخانه‌ای جهان، قدم در خوری برای متحول کردن صنعت انرژی صورت نگرفته و عدم توجه به تاثیر مخرب گازهای گلخانه‌ای در کشور، مسبب بسیاری از مصائب و دشواری‌های محیط زیستی نیز شده است. خسارات جبران‌ناپذیر بر اقتصاد و زیرساخت‌های کشور به همراه تهدیدهای امنیتی کم‌آبی و مهاجرت‌های گسترده حاصل بی‌توجهی عمیق و عدم درک صحیح رهبران فعلی کشور از تاثیر تولید بی‌وقفه گازهای گلخانه‌ای بر تندرستی مردم و محیط زیست کشور است. با توجه به تاثیرات عمیق و مخرب گازهای گلخانه‌ای، صنعت انرژی کشور هرچه سریع‌تر باید اقدام به تحولات زیربنایی کند تا از تخریب بیشتر اقتصاد، زیرساخت‌ها و محیط زیست و مهمتر از همه خسارات جانی این تهدیدها جلوگیری کرده و نیز با توقف روند تخریب، بازسازی و مدرن‌سازی این صنعت را در اولویت قرار دهد.

گروه انرژی اندیشکده ققنوس با تکیه بر تجربه و دانش

● گروه انرژی اندیشکده ققنوس با تکیه بر تجربه و دانش متخصصان ایرانی در سراسر جهان، برنامه راهبردی صنعت انرژی کشور را تا سال ۲۰۵۰ تهیه کرده و بطور مداوم آنرا مورد بازبینی قرار می‌دهد تا بر اساس نیازهای کشور و تحولات جهانی آنرا به روز گرداند.

● اصول پایه‌ای در برنامه‌ریزی راهبردی صنعت انرژی کشور در سه اصل خلاصه می‌شوند: رساندن زیرساخت‌های انرژی کشور به سطح استاندارد جهانی، تأمین انرژی ارزان قیمت برای مصرف داخلی، و رشد صنعت انرژی و تولید انرژی مورد نیاز برای حمایت از رشد اقتصادی کشور.

● برنامه راهبردی صنعت انرژی در سه مرحله کشور را تا سال ۲۰۵۰ میلادی متحول نموده و ایران را با پیشرفته‌ترین کشورهای جهان همگام خواهد نمود.

هم‌اکنون صنعت انرژی در جهان در حال تجربه یکی از مهم‌ترین دوره‌های گذار فناوری خود در ۱۵۰ سال گذشته است. استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و محدود کردن یا توقف کامل استفاده از سوخت‌های فسیلی از اهداف این گذار به شمار می‌رود.

گزارش‌های تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد و هزاران مقاله و تحقیقات علمی در دو دهه گذشته از مراکز علمی و موسسات تحقیقی معتبر جهان تردیدی باقی نگذاشته است که تولید دی‌اکسید کربن و گازهای گلخانه‌ای توسط بشر سبب بالا رفتن دمای اتمسفر زمین و تغییرات اساسی در الگوهای شناخته شده اقلیمی در جهان شده است. برای کنترل این تغییرات اقلیمی، صنعت انرژی به عنوان بزرگترین تولیدکننده گازهای گلخانه‌ای می‌بایست استفاده

شاهزاده رضا پهلوی: گلوله‌هایی که در جمعه خونین زاهدان به سر و تن بی‌پناه فرزندان ایران شلیک شد، تمامیت ایران را هدف گرفته بود



خانم‌های است، و همانگونه که رهبران دینی اهل سنت ایران نیز گفته‌اند، او نمی‌تواند از این مسئولیت شانه خالی کند. در سالگرد کشتار مردم شجاع زاهدان، بار دیگر همدردی عمیق خود را با خانواده‌های جاویدنامان جانباخته اعلام می‌دارم. این خانواده‌ها و همه آسیب‌دیدگان و زخمی‌های آن جمعه خونین، اطمینان داشته باشند که به پرونده این جنایت در یک دادگاه ملی که شفافیت حداکثری بر آن حاکم باشد، رسیدگی خواهد شد و آمران و عاملان کشتار فرزندان ایران با مجازات لازم، قانونی و منصفانه روبرو خواهند شد. این مجازات لازم، قانونی و منصفانه روبرو خواهند شد. این وعده‌های ملی و خلیل‌ناپذیر است.

● **جمعه خونین زاهدان انتقام یک رژیم ضدایرانی از ملت ایران بود.** در هشتم مهرماه سال گذشته، ایران در زاهدان خلاصه شده بود و تک‌تک گلوله‌هایی که به سر و تن بی‌پناه‌ترین فرزندان ایران شلیک شد، گلوله‌هایی بود که تمامیت ایران را هدف گرفته بود.

● **به پرونده این جنایت در یک دادگاه ملی که شفافیت حداکثری بر آن حاکم باشد، رسیدگی خواهد شد و آمران و عاملان کشتار فرزندان ایران با مجازات لازم، قانونی و منصفانه روبرو خواهند شد.** این وعده‌های ملی و خلیل‌ناپذیر است.

در آستانه‌ی هشتم مهرماه ۱۴۰۲ که یک سال از «جمعه خونین زاهدان» می‌گذرد، شاهزاده رضا پهلوی در پیامی ضمن اعلام دوباره‌ی همدردی عمیق با خانواده‌های جانباختگان در آن روز سیاه، به آنها اطمینان داد که پرونده این جنایت نیز سرانجام در یک دادگاه ملی بررسی خواهد شد.

متن کامل پیام شاهزاده رضا پهلوی از این قرار است:
 جمعه خونین زاهدان انتقام یک رژیم ضدایرانی از ملت ایران بود. در هشتم مهرماه سال گذشته، ایران در زاهدان خلاصه شده بود و تک‌تک گلوله‌هایی که به سر و تن بی‌پناه‌ترین فرزندان ایران شلیک شد، گلوله‌هایی بود که تمامیت ایران را هدف گرفته بود. بیراه نیست که مردم زاهدان و هم‌میهمان بلوچ ما در تمام یک سال گذشته، هر جمعه یک ایران را فرا خوانده‌اند، و تا همین امروز، مشعل انقلاب ملی ما را فروزان نگه داشته‌اند.
 بی‌تردید آمر و مسئول اصلی این کشتار، شخص علی

۲- تامین انرژی ارزان قیمت برای مصرف داخلی اولویت بعدی برنامه راهبردی کشور است. تولید، انتقال و توزیع انرژی در سراسر کشور باید بر اساس اصول اقتصادی حاکم بر صنعت انرژی باشد تا امکان رقابت محصولات صنعتی و کشاورزی کشور را در بازارهای جهانی فراهم کند. هزینه بالای انرژی، نه تنها امکان رشد اقتصادی کشور را محدود می‌کند بلکه روند بهبود اقتصاد زندگی آحاد مردم جامعه را کند کرده و فشار اقتصادی مضاعف و غیرضروری بر جامعه وارد می‌کند.

۳- رشد صنعت انرژی و تولید انرژی مورد نیاز برای حمایت از رشد اقتصادی کشور سومین اولویت برنامه راهبردی صنعت انرژی است. رشد صنعت انرژی هماهنگ با رشد اقتصادی کشور امکان اجرایی شدن طرح‌های بازسازی، نوسازی و مدرن‌سازی کشور را در دهه‌های پیش رو فراهم می‌کند. از این رو هماهنگی رشد صنعت انرژی و رشد اقتصادی کشور برای ورود مجدد کشور به گروه کشورهای مرفه جهان ضروریست.

برنامه راهبردی صنعت انرژی در سه مرحله کشور را متحول نموده و ایران را با پیشرفته‌ترین کشورهای جهان همگام خواهد نمود.

مرحله اول که تا سه سال به طول خواهد انجامید، اقداماتی از قبیل ارزیابی نیازهای انرژی کشور، بهینه‌سازی زیرساخت‌های موجود انرژی در حد ممکن، شروع مطالعات گسترش، نوسازی و مدرن‌سازی صنعت انرژی را شامل خواهد شد.

در **مرحله دوم** با مشخص شدن نیازهای کشور طی یک سرمایه‌گذاری ده ساله، زیرساخت‌های فرسوده بازنشسته شده، زیرساخت‌های قابل ترمیم، بهینه‌سازی می‌شوند، و زیرساخت‌های جدید متناسب با اهداف درازمدت برنامه راهبردی ساخته خواهند شد. سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در این مرحله با هدف راه‌اندازی صنایع کشور و تامین مصرف داخلی با ضریب اطمینان بالا در حد استانداردهای بین‌المللی صورت خواهد گرفت.

در **مرحله سوم** حجم و مقیاس سرمایه‌گذاری‌ها در صنعت انرژی بطور چشمگیری افزایش خواهد یافت تا صنعت انرژی کشور از مرحله بازسازی به مرحله مدرن‌سازی گذر کند. در مرحله مدرن‌سازی که تا ۱۵ سال می‌تواند طول بکشد، میزان تولید انرژی و مصرف سرانه در حد کشورهای پیشرفته و صنعتی جهان افزایش یافته و امکان حضور پررنگ و تعیین‌کننده کشور در بازارهای جهانی را فراهم می‌آورد. تا پایان سال ۲۰۵۰ امکان توقف مصرف داخلی سوخت‌های فسیلی نیز فراهم شده و کشور که هم‌اکنون یکی از بزرگ‌ترین کشورهای تولیدکننده گازهای گلخانه‌ای است، به یکی از بزرگ‌ترین کشورهای تولیدکننده انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر تبدیل خواهد شد. حجم سرمایه‌گذاری برای این گذار بسیار بالا بوده و قابل مقایسه با یکسال تولید ناخالص ملی است.

این حجم سرمایه‌گذاری نه تنها منجر به رونق اقتصادی بالای کشور می‌شود بلکه برای بهبود درآمد تمام آحاد مردم ضروریست.

توقف استفاده از سوخت‌های فسیلی برای مصرف داخلی، یک لطف از طرف ایران به جهان نخواهد بود بلکه ضرورتی ناگزیر برای نجات کشور از بحران‌های عظیمه‌ای است که ادامه استفاده از سوخت‌های فسیلی برای کشور ایجاد کرده است.

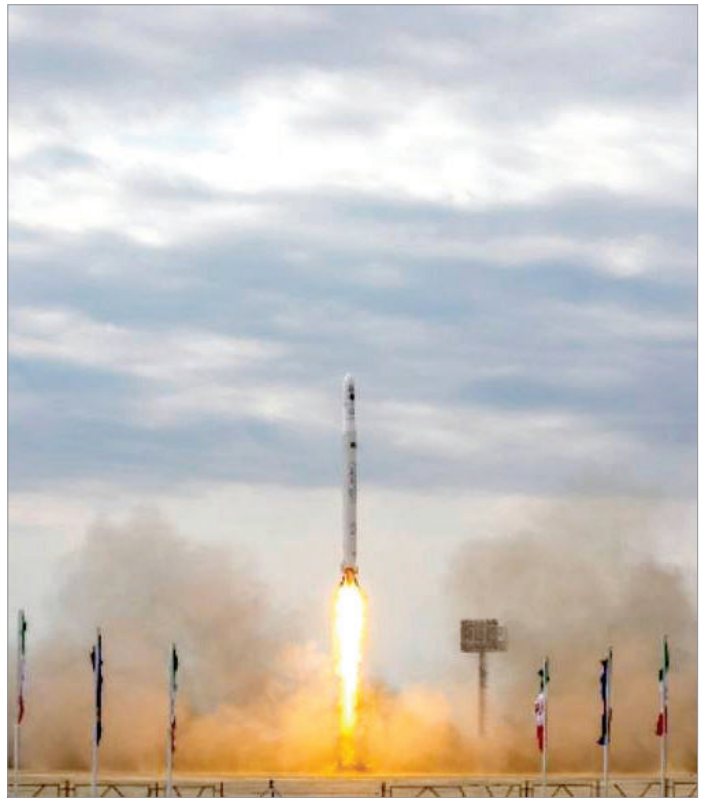


Reza Pahlavi
 @PahlaviRe...
 دسال کردن

جمعه خونین زاهدان انتقام یک رژیم ضدایرانی از ملت ایران بود. در هشتم مهرماه سال گذشته، ایران در زاهدان خلاصه شده بود و تک‌تک گلوله‌هایی که به سر و تن بی‌پناه‌ترین فرزندان ایران شلیک شد، گلوله‌هایی بود که تمامیت ایران را هدف گرفته بود. بیراه نیست که مردم زاهدان و هم‌میهمان بلوچ ما... نمایش موارد بیشتر

۳:۲۵ بعدازظهر ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۳

واکنش بریتانیا به پرتاب ماهواره نظامی توسط جمهوری اسلامی سپاه پاسداران: «نور ۳» هدایت موشک‌های بالستیک است



پرتاب ماهواره «نور ۳» / مهرماه ۱۴۰۲

پاسداران می‌گویند «نور ۳» به دوربین‌های با کیفیت برای شناسایی مجهز شده و مأموریت آن «شناسایی» است و برای اشراف اطلاعاتی و هدایت تجهیزات هدایت‌پذیر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

منظور از «هدایت تجهیزات هدایت‌پذیر» موشک‌ها و پهپادهایی است که بُردهای متوسط و بلند در اختیار سپاه پاسداران و ارتش قرار دارد.

وزارت دفاع جمهوری اسلامی رسماً اعلام کرده موشک «اسرائیل‌زن» در اختیار دارد. رضا طلائینیک سخنگوی وزارت دفاع جمهوری اسلامی دوم مهرماه ۱۴۰۲ در یک سخنرانی در همدان تهدید کرد، «رسماً اعلام می‌کنیم موشک حاج‌قاسم موشک اسرائیل‌زن است.» وی تهدید کرد هدف از تولید این موشک‌ها در وهله اول سرزمین‌های اشغالی است! دسترسی رژیم‌های حامی تروریسم به فناوری‌های فضایی یکی از تهدیدات رو به افزایش صلح و امنیت بین‌المللی است.

در سال‌های اخیر رهبران دولت‌های غربی و شرکای بین‌المللی آنها از جمله رهبران «گروه هفت» و «گروه ۲۰»، دولت‌های اروپایی، انگلیس، کانادا، استرالیا، اتحادیه کشورهای عربی منطقه و همچنین اعضای شورای امنیت به صورت جداگانه یا گروهی خواستار توقف فعالیت‌های موشکی جمهوری اسلامی به ویژه در تولید و آزمایش موشک‌های بالستیک و همچنین پهپادهای انتحاری شده‌اند اما همچنان بی‌نتیجه مانده است.

سازمان ملل برای توقف برنامه موشکی بالستیک خود، انجام داده است.»

وزارت خارجه بریتانیا همچنین تأکید کرده است که «اقدامات ایران یکبار دیگر نادیده گرفتن محدودیت‌های بین‌المللی را ثابت می‌کند و تهدید جدی رژیم برای امنیت جهانی را آشکار می‌سازد.»

با اینهمه وزارت خارجه بریتانیا مخالف قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی است.

پیش از این ماتیو میلر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز در مورد اقدام سپاه پاسداران در پرتاب ماهواره «نور ۳» ابراز نگرانی کرده و گفته بود: «ما مدت‌هاست که نگرانی خود را درباره آزمایش‌های موشکی ایران که راه را برای توسعه سیستم موشکی دوربرد هموار می‌کند، به روشنی ابراز کرده‌ایم.» او نیز تأکید کرد «ماهواره‌برها به فناوری شبیه موشک بالستیک مجهز هستند.»

میلر همچنین گفت که ادامه گسترش برنامه‌های موشکی بالستیک ایران تهدیدی برای امنیت منطقه و جهان به‌شمار می‌رود و آمریکا به استفاده از ابزارهایی مانند تحریم، برای مقابله با آن ادامه می‌دهد.

اینکه تحریم‌های غرب با توجه به نادیده گرفتن آن به ویژه از سوی دولت بایدن تا چه اندازه توانسته عامل مهار تهدیدات موشکی و پهپادی رژیم ایران باشد از عملکرد جمهوری اسلامی در این حوزه پیداست!

پاسدار جعفرآبادی فرمانده فضایی نیروی هوافضای سپاه

● وزارت خارجه بریتانیا اعلام کرد جمهوری اسلامی با نادیده گرفتن درخواست‌های شورای امنیت با استفاده از یک سامانه موشکی بالستیک دوربرد این ماهواره را پرتاب کرده است.

● پاسدار جعفرآبادی فرمانده فضایی نیروی هوافضای سپاه می‌گویند «نور ۳» به دوربین‌های باکیفیت برای شناسایی مجهز شده و مأموریت آن «شناسایی» است و برای اشراف اطلاعاتی و هدایت تجهیزات هدایت‌پذیر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

وزارت خارجه بریتانیا سه‌شنبه سوم اکتبر (۱۱ مهرماه)، با یک هفته تأخیر در بیانیه‌ای به پرتاب ماهواره «نور ۳» توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی واکنش نشان داد و گفت که رژیم ایران با نادیده گرفتن هشدارهای سازمان ملل با استفاده از یک سامانه موشکی بالستیک دوربرد این ماهواره را پرتاب کرده است.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ماهواره «نور ۳» را پنجم مهرماه با موشک بالستیک «قاصد» از کویر مرکزی ایران به مدار زمین فرستاد.

در این بیانیه آمده «در ۲۷ سپتامبر، ایران اعلام کرد که ماهواره نور ۳ را با موفقیت با استفاده از پرتابگر فضایی قاصد که از فناوری محوری برای توسعه سامانه موشکی بالستیک دوربرد استفاده می‌کند، پرتاب کرده است. ایران این اقدام را با وجود درخواست‌های مکرر شورای امنیت

سرکوبگران مردم زیر نورافکن

مشخصات و مستندات ۱۰۰ مقام و مسئول و عامل جمهوری اسلامی در کشتار جنبش ملی ۴۰۱



«اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) به تازگی مشخصات و مستنداتی را درباره ۱۰۰ تن از مقامات و مسئولان سرکوبگر نظام جمهوری اسلامی منتشر کرده است.

نوید مجبی در رشته روابط بین‌الملل و خاورمیانه و مسائل امنیتی در دانشگاه‌های واشنگتن و ماساچوست تحصیل کرده و در همین زمینه نیز اشتغال داشته و کارهای تحقیقاتی انجام داده است. وی در حال حاضر مدیر سیاست‌گذاری «نوفدی» است.

افرادی که در گزارش «نوفدی» از آنها با عکس و مشخصات نام برده شده، شامل فرمانداران و استانداران و معاونان آنها، رؤسای دادگستری، رؤسای دادگاه‌های انقلاب، دادستان‌های عمومی و انقلاب و معاونان آنها، مشاوران دادگاه‌های مربوطه، رؤسای پلیس امنیت، فرماندهان و معاونان انتظامی، فرماندهان نظامی قرارگاه‌های عمدتاً سپاه، رؤسا و معاونان سیاسی امنیتی نهادهای مختلف مثل استانداری و فرمانداری تا وکلای مورد تأیید قوه قضاییه و تسخیری و اعضای مقاومت بسیج و برخی رؤسای شعب دادگاه‌های عمومی و انقلاب را در استان‌های مختلف کشور در بر می‌گیرد.

نکته قابل توجه اینکه این صد نفر همگی مذکر هستند. در آبان ۹۸ برای نخستین بار از یک مقام زن جمهوری اسلامی که دستور شلیک مستقیم علیه مردم داد روحانی شد: لیلا واتقی فرماندار «شهر قدس» یا قلعه حسن‌خانه که در روسیه تحصیل

کرده و در مهر ۹۸ به این مقام منصوب شد و در آبان ۹۸ دستور شلیک به شهروندان معترضان را صادر کرد. وی هم از سوی دولت وقت، دومین دولت حسن روحانی، و هم از طرف یک مقام زن دیگر، معصومه ابتکار از اشغالگران سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۹۸ که مقام مسئول در دو دولت روحانی و در دو دولت خاکی نیز بوده، مورد تشویق و تحسین قرار گرفت. الهه بقرات در ارتباط با این مستندات با نوید مجبی گفتگو کرده است.

کرده و در مهر ۹۸ به این مقام منصوب شد و در آبان ۹۸ دستور شلیک به شهروندان معترضان را صادر کرد. وی هم از سوی دولت وقت، دومین دولت حسن روحانی، و هم از طرف یک مقام زن دیگر، معصومه ابتکار از اشغالگران سفارت آمریکا

فواد پاشایی در گفتگو با کیهان لندن:

حکومت از مردم که برای عدالت و آزادی بپاخاسته‌اند بیش از تهدید خارجی وحشت دارد



فواد پاشایی دبیرکل حزب مشروطه ایران (لیبرال دموکرات) به کیهان لندن می‌گوید هرچه فقر و فساد در حکومت بیشتر می‌شود اعتراضات اجتماعی نیز بیشتر می‌شود. در استان سیستان و بلوچستان به علت فقر و تبعیض فشار زندگی بیشتر است بنابراین اعتراضات مداوم‌تر است. به گفته وی، «رژیم آنقدر که از خشم مردم در استان‌های محروم وحشت دارد از تهدیدات مرزی و خارجی وحشت ندارد. حکومت برای بقای خودش می‌جنگد و بخشی از تلاش‌های آن ایجاد چنددستگی در بین ایرانیان خارج کشور است. در این چند سال اخیر کسانی را به بیرون ایران فرستاده که مأموریت‌شان فقط انداختن اختلاف بین مردم است.» پاشایی در ارتباط با سیاست دولت‌های غربی می‌گوید که آنها ترجیح می‌دهند خودشان را وارد دعوی اپوزیسیون نکنند. حمله‌هایی که بیرون ایران اپوزیسیون نسبت به هم دارند در داخل ایران بین مردم وجود ندارد. وی می‌افزاید «پیش از انقلاب مخالفان نظام که در خارج از ایران فعال بودند سرشان در آخور [دولت‌های] خارجی بود. پول می‌گرفتند در کشورهای مختلف آموزش می‌دیدند و دستور می‌گرفتند. دستور می‌آمد که باید متحد بشوند و سر سفره بنشینید و وقتی خمینی علم شد دستور آمد که باید از او تبعیت کنند. کسی فکر نمی‌کرد از توبره او چنین حکومتی بیرون بیاید با وجود اینکه گروه‌های مختلف هیچ اشتراکی با هم نداشتند اما متحد شدند تا یک قدرت را پایین بکشند.» در ارتباط با همین مسائل، حامد محمدی با فواد پاشایی گفتگو کرده است.

حجاب اجباری، «آلت قتاله»ی جمهوری اسلامی! «افت فشار» آرمیتا گراوند و خودکشی فاطمه حطمی



صحنه‌ای از فیلم مداربسته مترو که خبرگزاری دولتی ایرنا پخش کرده است / سه‌شنبه ۱۱ مهرماه ۱۴۰۲

دقایقی بعد آرمیتا به بیمارستان منتقل می‌شود. مادر آرمیتا با اشاره به اینکه کادر درمان برای رسیدگی به وضعیت فرزندش همکاری خوبی داشته‌اند از مردم خواسته است برای شفای دخترش دعا کنند. پدر وی نیز با صدایی لرزان می‌گوید: «صبح با دو نفر از دوستانش سوار مترو می‌شوند که ناگهان بیهوش می‌شود که وی را به بیرون قطار آورده و پس از تماس با اورژانس به بیمارستان منتقل می‌شود.»

او در ادامه می‌گوید دخترش بیمار نبوده و هیچ دارویی مصرف نمی‌کرده است. در ادامه‌ی این ویدئو فردی که به عنوان «یکی از بستگان» آرمیتا معرفی می‌شود، اعلام می‌کند که «همه فیلم‌های مترو را دیده‌اند، حادثه پیش آمده یک اتفاق بوده و مردم حاشیه درست نکنند!»

از سوی دیگر مسعود درستی مدیرعامل شرکت بهره‌برداری مترو تهران در گفتگو با خبرگزاری دولتی ایرنا ضمن تأیید این واقعه، احتمال «برخورد عوامل اجرایی» شرکت مترو با این دختر را رد کرده است.

به گفته مدیرعامل مترو تهران، ساعت ۷ صبح دپوز نهم مهر ۱۴۰۲ «یک دختر دانش‌آموز ۱۶ ساله در خط ۴ مترو میدان شهدا وارد قطار شده که به دلیل افت فشار، بیهوش شد.»

مسعود درستی اضافه می‌کند: «این دختر توسط دوستان خودش و یک مسافر دیگر قطار که احتمالاً پزشک بوده به بیرون از قطار منتقل می‌شود.»

به گفته او، عوامل اجرایی مترو همزمان با درخواست از اورژانس تهران، اقدامات اولیه درمانی را بر روی این دختر انجام داده و او را به بیمارستان منتقل می‌کنند.

این در حالیست که بر روی تصاویر منقطعی که ایرنا از دوربین‌های مداربسته مترو منتشر کرده زمان دقیق این اتفاق نیز نامشخص است.

با وجود این گزارش‌ها از سوی رسانه‌های حکومتی، اما با توجه به پنهانکاری و حضور شدید مأموران امنیتی در بیمارستان و عدم اجازه ملاقات، افکار عمومی به شدت نگران تکرار قتل حکومتی مهسا امینی هستند آنهم در حالی که تازه چند روزی از نخستین سالگرد جان باختن وی می‌گذرد.

پیش از این، بارها تصاویری از متروها در شبکه‌های

منبع آگاه، این دانش‌آموز در کما است. اینهمه در حالیست که از زمان رسانه‌ای شدن وضعیت آرمیتا گراوند تمامی رسانه‌های حکومتی بدون افشا کردن نام و مشخصات این دختر نوجوان، ضرب و جرح وی را تکذیب کرده و مقامات حکومتی نیز ادعا می‌کنند که هیچ‌گونه برخورد فیزیکی صورت نگرفته است.

این ادعاها به استناد یک ویدئویی کوتاه بریده شده از زاویه خارج از قطار مطرح می‌شوند و تا این لحظه تصاویر کامل ضبط شده دوربین‌های مداربسته ایستگاه متروی شهدا منتشر نشده است.

از سوی دیگر، پس از گذشت دو روز امروز خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، با انتشار بخش کوتاهی از فیلم مداربسته مترو «میدان شهدا» بدون نام بردن از هویت این نوجوان و نام بیمارستان محل بستری شدن وی، ویدئوهایی از والدین و یک فرد دیگر که از «بستگان» آرمیتا معرفی شده اعلام کرد که در حال حاضر این دانش‌آموز بستری است.»

خبرگزاری ایرنا اما فیلم مربوط به لحظه ورود و قبل از آن را منتشر نکرده و مدیرعامل مترو در پاسخ به سوال خبرنگار می‌گوید فیلم‌های لحظه ورود به مترو هم بررسی شده و درگیری نبوده است. سازمان حقوق بشری «هنگاو» نوشته است که پدر و مادر وی بهمن گراوند و شهین احمدی هستند و زیر کنترل شدید امنیتی برای جلوگیری از هرگونه اطلاع‌رسانی قرار گرفته‌اند. در ویدئوی منتشر شده از سوی خبرگزاری دولتی ایرنا، مادر آرمیتا با لکنت زبان و با صدایی لرزان با اشاره به افت فشار خون دخترش می‌گوید دخترش «با اورژانس به بیمارستان منتقل شده است.»

مادر آرمیتا در این ویدئو با اشاره به اینکه فکر نمی‌کند چیزی که مردم می‌گویند درست باشد می‌گوید: «دخترم با دوستانش برای رفتن به مدرسه در مترو شهدا قرار گذاشته بود که پس از ورود به قطار دچار افت فشار شد که پس از بهم خوردن تعادلش سر وی با لبه قطار برخورد می‌کند.»

او در ادامه تأکید می‌کند دخترش توسط دوستانش به بیرون منتقل می‌شود و بلافاصله با عوامل اورژانس تماس گرفته و

● امروز سه‌شنبه ۱۱ مهرماه، سازمان حقوق بشری «هنگاو» پس از گذشت دو روز هویت قربانی ۱۶ ساله در مترو تهران را افشا کرد. وی آرمیتا گراوند نام دارد و به نوشته «هنگاو» در ارتباط با حجاب و پوشش اجباری مورد حمله فیزیکی قرار گرفته است.

● امروز خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، با انتشار بخش کوتاهی از فیلم دوربین‌های مداربسته مترو «میدان شهدا» بدون نام بردن از هویت این نوجوان و نام بیمارستان محل بستری شدن وی، ویدئوهایی از والدین و یک فرد دیگر که از «بستگان» آرمیتا معرفی شده اعلام کرد که در حال حاضر این دانش‌آموز بستری است.»

● همزمان در خبری دیگر، نجات بهرامی روزنامه‌نگار با انتشار تصویری از زهرا حطمی و مقنعه خونی او، از خودکشی این دختر نوجوان کلاس هشتم خبر داد که در مدرسه تحت فشار قرار گرفته و بجای رفتن به خانه خود را از بلندی پرت کرده و جان باخته است.

طی چند روز گذشته انتشار دو خبر هولناک پس‌لرزه‌های اجرای لایحه حجاب و عفاف در مدارس را به نمایش گذاشت: در یکی زهرا حطمی دانش‌آموز کلاس هشتم مدرسه نرجس در وحیدیه شهبیار، پس از اخراج از مدرسه به دلیل لاک ناخن، خودکشی کرد و جان باخت. دیگری، انتشار ویدئوی انتقال یک دختر دانش‌آموز ۱۶ ساله بدون حجاب در خط ۴ مترو «میدان شهدا»ی تهران به بیمارستان. خبرگزاری‌های داخلی اعلام کردند این دختر به دلیل افت فشار بیهوش شده است. برخی منابع مطلع خبر داده‌اند که او اکنون در کما بسر می‌برد.

امروز سه‌شنبه ۱۱ مهرماه، سازمان حقوق بشری «هنگاو» پس از گذشت دو روز هویت قربانی ۱۶ ساله در مترو تهران را افشا کرد. وی آرمیتا گراوند نام دارد و در ارتباط با حجاب و پوشش اجباری مورد حمله فیزیکی قرار گرفته است.

آرمیتا گراوند؛ افت فشار خون با ضرب و جرح به خاطر حجاب؟!
بر اساس گزارش «هنگاو» پیش از ظهر روز یکشنبه ۹ مهرماه ۱۴۰۲ آرمیتا گراوند ۱۶ ساله اهل کرمانشاه و ساکن تهران در مترو «شهدا»ی تهران به دلیل آنچه عدم رعایت حجاب اجباری خوانده شده توسط مأموران مورد حمله فیزیکی قرار گرفته و بنا بر برخی اطلاعات در اثر وارد شدن صدمات شدید بیهوش و در نتیجه با آمبولانس به بیمارستان منتقل شده است.

این دختر ۱۶ ساله از دو روز پیش بر اثر ضرب و جرح مأموران ویژه حجاب اجباری در مترو تهران، به حالت کما رفته و در «بیمارستان فجر» نیروی هوایی تهران تحت تدابیر شدید امنیتی قرار دارد. «هنگاو» نوشته است: «بنا بر اظهارات یک منبع مطلع، در حال حاضر به دلیل حضور گسترده نیروهای امنیتی در بیمارستان فجر، هیچ‌گونه ملاقاتی با این دختر نوجوان حتی برای خانواده وی ممکن نیست.»

روز گذشته نیز مریم لطفی خبرنگار روزنامه شرق که برای تهیه گزارش به این مرکز درمانی مراجعه کرده بود از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و چند ساعت بعد پس از رسانه‌ای شدن موضوع آزاد شد.

پیشتر «ایران وایر» خبر داده بود که این نوجوان با علائم «ضربه به سر» و آثار آشکار ضرب و جرح به بیمارستان «فجر» نیروی هوایی در خیابان «پیروزی» منتقل شده و به گفته دو



قدس، قداست، قدسی، قدوسی مآب!

خیراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۰۳۳) آبان ۱۳۸۳



می آمد، در پاریس بر سر ماترک رهبر در حال نزع فلسطین بین ورثه سیاسی عرفات و متعلقه نومسلمان او، سهی خانم جنگ مغلوبه بود.

روز دوشنبه هشتم نوامبر قرار بود احمد قریع و محمود عباس و نبیل شعث به پاریس سفر کنند و از «ابوعمار» در بیمارستان نظامی «پرسی» در حومه پاریس عیادت به عمل آورند. در حقیقت آنها می خواستند بدانند «رئیس» در چه حال است. زنده است یا مرده و اگر هنوز نمرده است تا چه حد می توان به زنده ماندنش امید داشت. از روزی که عرفات در بیمارستان بستری شده بود «ابوعلا» و «ابوماذن» و دیگران از حال و روز او خبر درستی نداشتند زیرا «سهی» یا «سوها» خانم نه اجازه می داد کسی با شوهرش دیدار کند و نه اجازه می داد راجع به بیماری شوهرش چیزی اظهار شود. پزشکان هم طبق مقررات مکلف بودند اسرار پزشکی را مادام که این مادام اجازه نمی داد، پنهان نگاهدارند.

مادام عرفات وقتی شنید احمد قریع و محمود عباس قصد سفر به پاریس دارند داد و قال راه انداخت که آنها می خواهند «رئیس» را زنده زنده به گور بسپارند. حتی شهادت داد که عرفات بیمار نیست و مسموم شده است و چون «کاندالیزا رایس» چند هفته پیش از آن گفته بود وقت آن است که عرفات از صحنه خارج شود این شایعه قوت گرفت که آمریکا و اسرائیل با دستبازی اطرافیان عرفات او را مسموم کرده اند و حالا که رئیس، یک بار دیگر جان سختی به خرج داده و بر اثر مسمومیت غرده است، مرگ سیاسی او را به بهانه از کار افتادن مغزش تدارک دیده اند. این شایعات موجب شد که حضرات ابتدا فسخ تصمیم و بالاخره عزم رحیل کنند و سه شنبه به پاریس برسند. همان روز، «فیگارو» روزنامه صبح پاریس نوشت «در حالی که عرفات همواره در کمال سادگی می زیست، نامش از سوی مجله Forbes با ثروتی بالغ بر سیصد میلیون دلار در رده ششم ثروتمندترین پادشاهان و رهبران سیاسی جهان به ثبت رسیده است و اینکه که رهبران فلسطین می خواهند این ثروت را به حسابهای الفتح انتقال دهند با اتهام توطئه برای زنده دفن کردن عرفات از سوی همسرش روبرو شده اند. زنی که از ۹ سال پیش در پاریس اقامت گزیده و سه سال است دیداری با شوهر خود نداشته».

خوشبختانه آیت الله رفسنجانی که اعلام کرده است از مال دنیا چیزی جز یک قطعه زمین در قم ندارد می تواند فارغ از این دغدغه ها، با خیال راحت عزرائیل را دیدار کند. اگر این بوش ملعون بگذارد!

امسال هم، مطابق مرسوم سنواتی، در آخرین جمعه ماه رمضان راهپیمایی روز قدس صورت گرفت و با نمک ترین سخنران این گونه مراسم - حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی - منبر رفت و آسمان و ریسمان به هم بافت و ضمن روضه خوانی برای ملت ستم دیده فلسطین، گریزی هم به صحرای کربلا زد و از اتم گفت و مذاکرات اتمی و این که اروپا و آمریکا اگر بر سر عقل بیایند متوجه خواهند شد بهترین راه برای امن کردن جهان و پایان دادن به تروریسم و خوابیدن با خیال راحت، بی دغدغه از گروگان گیری و مہبگذاری و هر نوع شرّ و شور مشابه، کنار آمدن با رژیم تهران و رفاقت با آقایان علماست. کدخدا را ببین، ده را بچاپ!

یکی از علما نقل می کرد که وقتی در جریان اصلاحات ارضی، آیت الله خمینی تعرضات خود را علیه دولت و دستگاه شروع کرد، از دامادش مرحوم اشراقی در خلوت پرسیدم مقصود پدر زنت از این غوغاگری چیست؟ گفت حاج آقا می خواهد با شاه رفیق شود. تو که با دربار رفت و آمد داری به شاه بگو راه اصلاحات از قم می گذرد، اگر می خواهد غوغا بخواهد و کارها پیش برود باید با علمای قم رفاقت کند.

شاه البته این پیام را نگرفت و با قم کنار نیامد. در نتیجه، چیزی نگذشت که سخنان آتشین در مخالفت با اصلاحات ارضی و آزادی زنان و غیره، به آتش زدن سینماها و مہبگذاری در اماکن عمومی و غارت بانکها و درگیر شدن با سربازان و بالاخره انقلاب شکوهمند اسلامی انجامید.

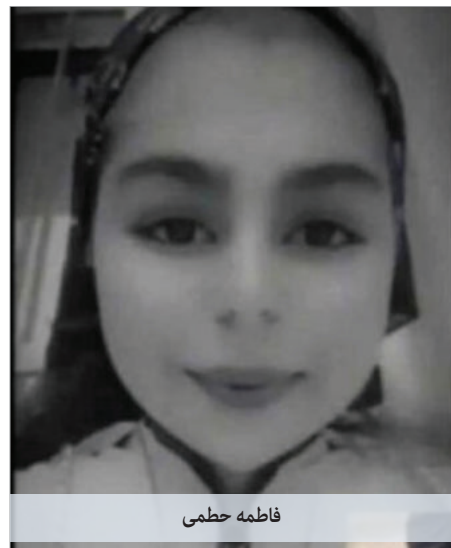
باری، تظاهرات روز قدس هم از ستنهایی است که حضرت امام بر جای نهاد. حضرتش پیش از آنکه رو به جانب بغداد بیاورد عزم تسخیر بیت المقدس را داشت و می پنداشت راه بغداد از قدس می گذرد. بدین لحاظ در سال ۱۳۵۸ آخرین جمعه ماه رمضان را روز قدس نام گذاشت و از آن تاریخ، راهپیمایی روز قدس هرساله انجام می شود ولی از آن شور و هیجان سالهای اول دیگر خبری نیست و تعطیل روز قدس بهانه ای است برای دراز کشیدن تا لنگ ظهر و تظاهرات روز قدس وعده گاهی برای خنده و تفریح.

من برای دیدن یارم به مسجد می روم ورنه پندارم که آخوند از منار افتاد و مرد

تصادفاً امسال در همان حال که تظاهرکنندگان در تهران آزادی قدس را فریاد می زدند و در یک سوی میدان آزادی، قدوسی مآب آیت الله رفسنجانی داد سخن می داد و در سوی دیگر میدان از داوطلبان جهاد انتحاری در راه آزادی قدس و آزادی بغداد و کشتن سلمان رشدی ملعون ثبت نام به عمل

اجتماعی و رسانه های حکومتی ایران منتشر شده که در آنها دیده می شود ماموران و نیروهای لباس شخصی زن و مرد به زنان بدون حجاب تذکر می دهند و اغلب این تذکرات به درگیری های لفظی و فیزیکی بین این افراد و شهروندان منجر شده است.

زهر حطمی؛ خودکشی به خاطر لاک ناخن!



فاطمه حطمی

همزمان در خبری دیگر، نجات بهرامی روزنامه نگار با انتشار تصویری از زهر حطمی و مقنعه خونی او، از خودکشی این دختر نوجوان کلاس هشتم خبر داد که در مدرسه تحت فشار قرار گرفته و بجای رفتن به خانه خود را از بلندی پرت کرده و جان باخته است. زهر حطمی دانش آموز کلاس هشتم مدرسه نرجس در وحیدیه شهریار به دلیل داشتن لاک ناخن به مدت سه روز از مدرسه اخراج شده بود.

این دختر نوجوان روز یکشنبه ۹ مهرماه ۱۴۰۲ پس از تهدیدهای مدیر مدرسه از ترس برخوردهای پدر و خانواده، به خانه نمی رود و خود را از ساختمان نیمه کاره ی نزدیک مدرسه به پایین پرت می کند و جان خود را از دست می دهد. به گفته نجات بهرامی، امسال بچه ها در مدارس به شدت تحت فشارند. دستورات عملی و فشارهای طاقت فرسایی روی مدارس هست تا بچه ها را در منگنه قرار دهند.

او در پستی نوشته است: «در شرایط عادی، مرگ غم انگیز زهر حاطمی [حطمی] باید آموزش و پرورش و حکومت را مجبور به عقب نشینی از سیاست های طالبانی خود در مدارس می کرد، اما ظاهراً هیولای ولایت فقیه از خوردن بچه های ایران سیر نمی شود!»

در لایحه حجاب و عفاف که بررسی و تصویب آن به تازگی در مجلس شورای اسلامی به پایان رسیده اما هنوز در شورای نگهبان تصویب نشده نیز برای تشدید محدود ساختن فضای مدارس پیش بینی هایی شده است. گزارش ها از مدارس نیز از تشدید فضای امنیتی و زیر فشار قرار داشتن دانش آموزان و آموزگاران حکایت دارند. جنبش دانش آموزی در خیزش ملی سال ۱۴۰۱ مانند جنبش دانشجویی فعالیت زیادی در همصدایی با شهروندان معترض داشت و عکس ها و ویدئوهای بسیاری از دانش آموزان در مخالفت آنها با نظام جمهوری اسلامی و فشارهایی مانند حجاب اجباری در سراسر جهان پخش شد. حالا امسال رصد دانش آموزان و امنیتی کردن فضای مدارس به شدت افزایش یافته تا از تکرار اعتراضات سال پیش جلوگیری شود. برای نمونه در مدرسه «فرزانگان» واقع در منطقه ۶ آموزش و پرورش تهران حتی در سرویس های بهداشتی نیز دوربین نصب شده است.

تاجدار بر صندلی چرخدار، در سرزمین بیگانه

در پایگاه هوایی تگزاس، شاه و شهبانو را مثل دو زندانی در اتاقی که پنجره‌هایش میله آهنی داشت و درش از درون دستگیره نداشت جای دادند

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آذر ۱۳۸۳ تا شهریور ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۳۳ تا ۱۰۷۱)

بازنشر

آخرین روزها
پایان سلطنت و
درگذشت شاه
(۳۳)



دکتر هوشنگ نهاوندی

اساس رویدادها و حوادث واقعی زندگی انسانها نوشته می‌شود. برای نوشتن این کتاب، نویسنده از کمکهای بی دریغ و سخاوتمندانه اردشیر زاهدی، دکتر اصلاان افشار، شجاع‌الدین شفا، پروفیسور عباس صفویان و دکتر داریوش شیروانی بهره‌مند بوده است. این شخصیتها که در ماههای آخر سلطنت محمدرضا شاه تاس روزانه با او داشتند، اطلاعات، خاطره‌ها و به‌یادمانده‌های خود را در اختیار نویسنده قرار داده‌اند. نویسنده ضمناً از دکتر هادی هدایتی، دکتر کاظم ودیعی و بیژن خلیلی مدیر شرکت کتاب سپاسگزاری کرده است. کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» دارای ۱۵ فصل است و با یک پی‌نوشت کوتاه و احساسی به‌پایان می‌رسد. کیهان بخشهایی از این کتاب را با موافقت نویسنده و ناشر، از این شماره به چاپ می‌رساند.

اتومبیلهای پلیس به سوی فرودگاه به‌راه افتاد. همین رفتار در «بیکام پلیس» با شهبانو (که در آنجا مانده بود) تکرار شد. شاه اندکی پس از آگاهی از «پیشنهاد» کارتر، شهبانو را آگاه کرد که می‌بایست نیویورک را ترک کنند. حتی در اتومبیل شهبانو، مأموران امنیتی را نشاندهند. اتومبیلهای پلیس پیرامونش را محاصره کردند. سر و صدا و هیاهو، شاهدخت لیلای کوچولو را که در آن زمان نه‌ساله بود - او آخرین فرزند شاه، و می‌گویند سوگلی پدرش بود - بیدار کرد. مادرش، هنگامی که او در خواب بود، رفته بود. به‌دنبال مادر می‌گشت، فریاد می‌زد و گریه می‌کرد. صحنه دلخراشی بود.

هر دو کاروان اتومبیلها به سوی «لاگاردیا» رفتند. یک هواپیمای DC۹ ارتشی که در حلقه گروه بزرگی از مردان مسلح به تبربار و جلیقه‌های ضد گلوله به‌تن بود، انتظارشان را می‌کشید. زوج سلطنتی را بی آن که احترام ویژه‌ای برایشان قائل شوند، وارد هواپیما کردند که فوراً به سوی تگزاس به پرواز درآمد.

در پایگاه «لاکلند»، در آن پگاه، شمار مأموران امنیتی چشمگیر بود. زوج سلطنتی را با خشونت به درون یک آمبولانس کهنه بسیار ناراحت هل دادند و آمبولانس به‌سرعت به سوی بیمارستان روانی پایگاه رفت. شاهزاده رضا پهلوی بعدها مسیر و رنجهای آن روز پدر و مادرش را بیان کرد: «هر دو، در شرایط بسیار نامناسب و ناراحتی نشسته بودند. شاه و ملکه به دلیل رانندگی شتابان راننده در راههای پر دست‌انداز، به‌شدت به این سو و آن سو پرتاب می‌شدند. سربازان به یکدیگر می‌خورد. چگونه بیماری را که تازه جراحی شده بود، در آن شرایط می‌بردند؟»

اعلیحضرتین را در اتاقی که پنجره‌هایش میله‌های آهنی داشت و کاملاً بسته بود، گذاشتند. کرکره‌ها را هم بسته بودند که جلو آمدن روشنایی به درون را می‌گرفت. در، از درون دستگیره نداشت. در اتاق مجاور، زنجیرها و لباسهای دیوانگان آماده بود که اگر «پهلوی‌ها» بخواهند سر و صدا راه بیندازند و مخالفت کنند... دولت آمریکا فکر همه چیز را کرده بود.

سر کلاس می‌رفت و هیچگاه کار تدریس را رها نکرد و به‌مدد همین سوابق دانشگاهی بود که پس از مهاجرت به فرانسه ۱۷ سال به‌عنوان استاد در دانشگاه پاریس تدریس کرد.

نهاوندی در سالهای ۱۳۵۰ گروه بررسی مسایل ایران را بنیان گذاشت به امید آنکه پیشنهادات این گروه راهگشای اصلاحاتی در ساختار آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران شود. نهاوندی برای جمع آوری مطالب کتاب پانصد صفحه‌ای خود، مختصری از حافظه معروفش و مقدار زیادی از یادداشتهای روزانه یا شبانه‌اش سود جسته است.

کتاب از آغاز تا پایان، سرشار است از حوادث پرهیجان و اخبار دست اول که بیشتر اوقات نویسنده شخصاً درگیر آن بوده است و به همین دلیل محتوای کتاب شبیه رمانهای جذابی است که بر

ترجمه فارسی کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» نوشته دکتر هوشنگ نهاوندی از سوی شرکت کتاب در لس‌آنجلس منتشر شده است.

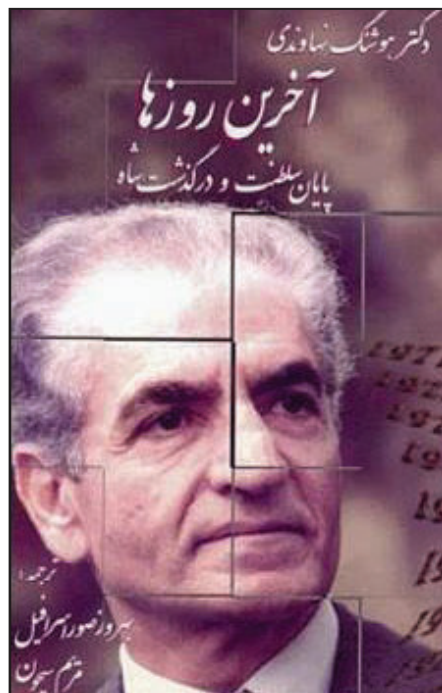
پهروز صوراسرافیل و مریم سیحون مترجمان این کتاب، به‌خوبی از عهده برگرداندن آن از زبان فرانسه به فارسی برآمده‌اند.

دکتر نهاوندی در دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی وزارت آبادانی و مسکن و علوم و آموزش عالی و ریاست دانشگاههای پهلوی و تهران را به‌عهده داشت. وی مدتی نیز رئیس دفتر علیاحضرت شهبانو و چندی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی بود. اما در تمام این سالها وی بیشتر با محافل روشنفکری، علمی و دانشگاهی نشست و برخاست داشت تا با دولتیان. نهاوندی در دوران ریاستش بر دانشگاههای پهلوی و تهران هفته‌ای چند ساعت

با این حال، هزاران نامه و کارت، نه‌تنها از ایرانیان بلکه از آمریکاییها دریافت می‌کرد که همگی مهر خود را به او ابراز می‌کردند، کارهایش را می‌ستودند، به‌خاطر همه خدماتی که به کشورش کرده بود به تحسینش می‌پرداختند و برایش آرزوی سلامتی می‌نمودند. صدها سبد گل برایش فرستاده می‌شد. شمار آنها آنقدر زیاد بود که پلیس هم نمی‌توانست جلویش را بگیرد. چند نامدار هم به دیدارش رفتند و در میانشان «دیوید راکفلر»، «هنری کیسینجر»، «جووانی آتیلی» صاحب شرکت «قیات»، «فرانک سیناترا» که در برابر همگان رفتار دولت آمریکا را نسبت به شاه نکوهش کرد و از او دعوت نمود که به منزلش در «پام اسپرینگ» برود و در آنجا اقامت کند. «رونالد ریگان» هم که نامزد ریاست جمهوری بود و قبلاً به تهران رفته بود، پیام مهر برایش فرستاد.

در پایان نوامبر، بیماری شاه آنقدر بهبود یافته بود که بتواند به کوئوناواکا بازگردد. «مارک مورس» دستیار «آرمانو» مأمور آماده کردن ویلای گلهای سرخ برای بازگشت تبعیدیان شد. ولی دولت مکزیک، «آرمانو» را آگاه کرد که مقدم محمدرضا شاه دیگر در مکزیک گرمی نیست. ظاهراً جیمی کارتر از این امر خشمگین بود، برای رفتن شاه بیتابی می‌کرد و وا نمود می‌کرد که اگر او برود، کمکی به آزاد شدن گروگانها خواهد بود.

بار دیگر، شاه نمی‌دانست به کجا رود. بر آن بود که موقتاً نزد خواهرش اشرف به خانه‌ای که او در «بیکام پلیس» داشت برود، دوره ناهفتش را در آنجا بگذراند و سپس به کوئوناواکا بازگردد. در صورتی که مکزیکی‌ها او را در کشورشان نمی‌خواستند. از همه بدتر، وزارت خارجه آمریکا، رسماً به‌آگاهی او رساند که اقامتش در نیویورک امکانپذیر نیست. یکی از مشاوران کارتر فوراً نزد شاه فرستاده شد که به او پیشنهاد کند هرچه زودتر به پایگاه هوایی «لاکلند» در تگزاس برود. به شاه گفته شد در آنجا بیمارستان بسیار مجهزی هست، بنابراین از تظاهرات مخالفان در امان و از نظر امنیتی کاملاً محفوظ خواهد بود و می‌تواند در انتظار آن که کشور دیگری او را بپذیرد، در آن پایگاه بماند.



محمدرضا شاه چاره‌ای جز پذیرفتن آن راه حل نداشت. شهبانو را آگاه کرد. شبانه رفتند تا با رویداد نامنتظری روبرو نشوند.

شاه بر صندلی چرخدار

کمی پس از نیمه‌شب، یعنی در نخستین ساعات روز اول دسامبر، مأموران امنیتی، شاه را بر صندلی چرخدار در راهروهای تاریک و خالی بیمارستان، سپس در زیرزمینی که دیوارهای خاکستری و کثیف داشت و درگوشه و کنارش صندلیها و میزهای شکسته، یا سطهای زباله قرار داشت، به پیش می‌راندند. در گزارش صندلی چرخدار را که پیرامونش را ده‌ها مأمور تا دندان مسلح «اف.بی.آی.» گرفته بودند، به درون آمبولانسی بردند که آژیرکشان و در محاصره

همه کشورهای عادی درهای خود را به روی او بسته بودند و فقط چند کشور آمریکای مرکزی باقی مانده بود.

«عمر توریخوس» دیکتاتور چپ‌گرای پاناما، دوست «فیدل کاسترو» و مطیع کارتر که پیمان خروج از آبراه را امضا کرد، به‌ویژه بیم آن داشت که ماجرای گروگانها باعث به‌قدرت رسیدن جمهوریخواهان آمریکایی شود، محرمانه به وزارت خارجه آمریکا، پیشنهاد پذیرش تبعیدیان را داد. «هامیلتون جوردن» رئیس اداره کاخ سفید که مورد اعتماد کارتر بود نزد رئیس جمهوری پاناما فرستاده شد و او نیز دعوت را تأیید کرد.

به‌دستور جیمی کارتر، جوردن به‌همراه دو مقام بلندپایه آمریکایی به لاکلند رفتند که شاه را راضی کنند. نخستین واکنش او منفی بود. گفت که برای یاری به رهایی گروگانها آماده است به‌سرعت آمریکا را ترک کند، ولی فرصت خواست.

پس از پایان شرفیابی، به‌هنگام خروج از اتاق، جوردن به شاهدخت اشرف، خواهر دوقلوی شاه برخورد که سه روز پیش پسرش را کشته بودند و برای دیدن برادرش آمده بود. فرستاده کارتر دست خود را به سوی والا حضرت دراز کرد، ولی اشرف با او دست نداد و فقط نگاهی خشمگین و تحقیرآمیز به او انداخت. شاه پس از آن که ضمانت گرفت در صورت لزوم خواهد توانست از بیمارستان نظامی ارتش آمریکا در منطقه آبراه استفاده کند، رضایت خود را برای رفتن به پاناما اعلام کرد.

هامیلتون جوردن، روبرت آرماتو و سرهنگ جهان‌بینی مأمور یافتن محلی برای سکوت زوج سلطنتی در پاناما شدند. آنان، خانه‌ای متعلق به «گابریل لوئیس» سفیر پاناما در واشنگتن را برگزیدند که مجهز بود و در جزیره «کونتادورا» قرار داشت. مکانی دلپذیر و سرسبز بود رو به اقیانوس آرام، در پنجاه کیلومتری «پاناماسیتی» و فرودگاه بین‌المللی اش. اعلیحضرتین و گروه کوچک همراهانشان، روز ۱۵ دسامبر - نه در آن فرودگاه، بلکه در پایگاه نظامی آمریکا - فرود آمدند و از آنجا به هلیکوپتر به جزیره «کونتادورا» رفتند. در ابتدا، اقامت بر کرانه اقیانوس آرام، مزایایی داشت. حال شاه کمی بهتر شد. گردش می‌کرد و حتی یک بار تنیس بازی کرد. بسیار کتاب و نوشته خواند، و شاید هم چنین واغمو می‌کرد تا مزاحمش نشوند.

ژنرال عمر توریخوس چندین بار به ملاقات زوج سلطنتی رفت، در حضور شاه، بسیار ملاحظه می‌کرد. ولی او را «سینور شاه» می‌خواند و این بسیار شاه را خشمگین می‌کرد. اما هنگامی که اندک اندک از گفتگوهای پنهان میان تهران و واشنگتن پیرامون سرنوشت شاه آگاه شد، رفتارش دیگرگون شد. بیایای دلالان املاک و مستغلات را معرفی می‌کرد که یکی از دیگری ناباب‌تر و حقه‌بازتر بودند و به این وسیله می‌خواست از شاه، پول بکشد. آزمندی و پستی او به همین جا پایان نیافت. برای شهبانو گل فرستاد و کوشید او را به شام دعوت کند. چیزی نگذشت که ژنرال «نوریه‌گا» مرد نیرومند دیگر کشور، مأمور «سی.آی.ای.» و قاچاقچی مشهور و نامدار مواد مخدر هم به‌زودی همین راه را پیش گرفت. همان گونه که می‌دانیم، او پس از مرگ توریخوس در یک تصادف اتومبیل، جان‌شین او شد و اکنون نیز در یک زندان فدرال آمریکا به جرم فروش مواد مخدر، پشت میله‌هاست!

زوج سلطنتی همه این دگرگونیهای ناگوار را با تلخ‌کامی احساس می‌کردند و شرایط زندگیشان از اوایل ۱۹۸۰، غیر قابل تحمل شد. (ادامه دارد)

در تهران شده است. گروهی دیگر، از حزب جمهوریخواه و آنان که می‌توان آمریکاییان راستین خواندشان، از ضعف او خرده می‌گرفتند و متهمش می‌کردند که ایران را در دست آیت‌الله‌ها رها کرده و باعث شده در آن کشور، حکومتی بنیادگرا که بازپچه دست مسکوست، برقرار شود.

در پایان سال، اشغال افغانستان به وسیله ارتش سرخ، موجب شد که هدف اصلی گروگانگیری در تهران، مورد توجه و اندیشه قرار گیرد؛ درگیر کردن آمریکا در بحرانی بی پایان، که آنان نتوانند وارد صحنه دیگری شوند. چند روزنامه‌نویس آمریکایی، حتی آشکارا از شاه خواستند خود را تحویل رژیم ایران دهد تا گروگانها آزاد شوند. چندان به‌درازا نکشید که محمدرضا شاه پاسخ داد: «به من هر گونه لقب و نامی داده‌اند، اما هرگز احمق نگفته‌اند.»

به‌سوی پاناما

اندیشه بازپس دادن شاه به ایران و مبادله او با گروگانهای آمریکایی که در تهران زندانی شده بودند، گویا در همین زمان در پاره‌ای محافل واشنگتن، زاده شد. ولی فقط گفتند در حال حاضر باید هر چه زودتر آن کشور را ترک کند، زیرا مزاحم است.

مصر، رسماً و با رأی‌گیری در مجلس آن کشور، دعوت از شاه و شهبانو و پذیرفتن محرمانه آنان را تجدید کرد. ولی شاه تردید داشت. او گرفتاریهای رئیس جمهوری «سادات» را از زمان انعقاد قرارداد کمپ دیوید و حملاتی را که از



شهریار شفیق

سوی کشورهای افراطی عرب به او می‌شد، می‌دانست و نمی‌خواست برای او درد سر تازه‌ای بیافریند. دست‌کم موقتاً راه حل سفر به مصر را رد کرد. آفریقای جنوبی هم حاضر بود او را بپذیرد. ولی شاه نمی‌خواست. چند تن از نزدیکانش به او شیلی و تایوان را پیشنهاد کردند. به آنها نیز چندان تمایلی نداشت. این سه کشور، از دیدگاه چپ و از منظر اندیشه غالب، کشورهای خوشنامی نبودند، ولی در حقیقت کشورهای امنی بودند و از نظر پزشکی نیز نقاط مناسبی برای رسیدگی به وضع شاه در ماههای آخر زندگانش به‌شمار می‌آمدند. سپس دعوت نامتنظری رسید: رومانی، که غیر قابل پذیرش بود. شاه از چائوشسکو سپاسگزاری و پیشنهادش را رد کرد. همانند زمان نیکلای دوم و خانواده‌اش،

در زوج سلطنتی این احساس به‌وجود آمده بود که آنها را درزده‌اند، یا زندانی هستند تا کارتر آنها را تحویل خمینی دهد. شاه، با وقار و پر از درد، واژه‌ای به زبان نمی‌آورد. شهبانو بالاخره از خشم ترکیب و اعتراض کرد. به او گفتند که آن اتاق، امن‌ترین جای پایگاه است.

ساعتها گذشت تا به شهبانو اجازه دادند تلفن کند. او با دوستان آمریکاییش در نیویورک، خلاصه‌ای از شرایط نگهداریشان را گفت. دست‌کم در خارج بالاخره دانستند آنها کجا هستند. همین، خود دست‌کم نشانی از امنیت داشت. دخالت دوستان آمریکایی زوج سلطنتی، سریع و کارا بود. فردای آن روز، آنان را در ویلای کوچکی با سه اتاق و اثاثی اندک، جای دادند. نیمکتی پلاستیکی، نشستگاه اصلی اتاق نشیمن بود. ژنرال «اکر» فرمانده پایگاه، با این درخواست که اعلیحضرت خود را در بیرون نشان ندهند، آنان را به‌شام دعوت کرد. چندین بار از شرایط اقامتشان عذر خواست، و محرمانه، مخالفت خود با سیاست رسمی دولت را ابراز کرد.

خلبانان ایرانی بسیاری در «لاکلند» آموزش دیده بودند و در آنجا دوستانی داشتند. بسیاری از افسران آمریکایی پایگاه، در ایران خدمت کرده بودند و خاطرات بسیار خوشی از آن کشور داشتند. هر یک که شاه را می‌دیدند برایش کف می‌زدند و به او ابراز احترام می‌کردند. حتی از مسائل هواپیمایی و نظامی با او گفتگو می‌کردند. شاه، افسران آمریکایی را با آگاهیهای گسترده‌اش شگفت‌زده می‌کرد و می‌پذیرفت با آنان عکس ببیندازد و برایشان امضا کند. شهبانو هم یکی دو بار تنیس بازی کرد. زندگی کم و بیش سیر طبیعی یافت، ولی بحران هنوز بر جا بود. به کجا بروند؟ کاخ سفید، بالاخره مأموری به‌نام «استیو اوکسمن» را فرستاد تا با شاه پیرامون جایی که زوج سلطنتی می‌توانند بروند و زندگی کنند، گفتگو کند

ترور شهریار شفیق

روز ۷ دسامبر در پاریس، ناخدا شهریار شفیق، خواهرزاده شاه و افسر بسیار برجسته‌ای که در نیروی دریایی شاهنشاهی محبوبیت فراوان داشت، در برابر «ویلا دوپون» محل زندگی در بن‌بست خیابان «پرگولز» در محله شانزدهم پاریس، با دو گلوله کشته شد. او داشت عملیاتی نظامی را بر ضد رژیم و برای بازگشت به ایران سازمان می‌داد. در پاریس، سخنانی پیرامون طرحهای او گفته شده بود که درز کرده و رژیم انقلابی ایران از آن آگاه شده بود. دو آدمکش را به پاریس فرستادند و آنان پس از اجرای دستور و کشتن شهریار شفیق، به‌آسانی به تهران بازگشتند. تهران، رسماً مسؤولیت قتل را برعهده گرفت و دولت فرانسه و این را شنید، اما حتی اعتراض نکرد. دیرتر، رسماً دانسته و نوشته شد که ارتشبد فرودست کذایی، این قتل را برنامه‌ریزی کرده و به فرانسه آمده بود تا بر انجامش نظارت کند.

شاه با شنیدن این خبر، گویی دچار برق‌گرفتگی شده، در سکوت فرو رفت. او، خواهرزاده‌اش را دوست می‌داشت و به او احترام می‌گذاشت. مادرش شاهدخت اشرف که همواره تلاش می‌کردند به حیثیت او لطمه بزنند، با وقار فراوان با آن مصیبت روبرو شد و به مطبوعات گفت: «امروز، پسری را که عزیزم بود، از دست دادم. او ملی‌گرایی راستین، افسر فداکار نیروی دریایی و بسیار کارآمد بود. او به اهتزاز پر افتخار پرچم ایران یاری رسانده بود.»

کاخ سفید شتاب زیادی داشت که تکلیف شاه را روشن کند. اما رویکرد آمریکاییان به این امر، یکدست نبود. برخی کارتر را ملامت می‌کردند که چرا کسی را که چنین درد سر آفرین بوده، پذیرفته و موجب گروگان گرفته شدن آمریکاییان

روزنامه «بیلد»: عدنان طباطبایی مشاور وزیر خارجه آلمان به ملاها خدمت می‌کرد؛ «باید روشن شود پول‌هایی که گرفته کجا خرج شده!»



عدنان طباطبایی پسر صادق طباطبایی و فامیل روح‌الله خمینی و سیدموسی صدر در کنار آنالنا بربوک وزیر خارجه آلمان

مشاوره‌های خود افتخار کرده است. طباطبایی همچنین اخیراً در مصاحبه‌ای اعلام کرد که با کارمندان وزارت خارجه آلمان درباره «تحولات جاری» و «ارزیابی‌ها» از وضعیت کنونی تبادل نظر می‌کند.

در پایان این مقاله پرسش شده «با این اوضاع آیا طباطبایی همچنان سیاست آلمان در قبال جمهوری اسلامی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آیا همچنان توسط کارمندان وزارت خارجه از او مشورت گرفته می‌شود؟»

وزارت خارجه آلمان ادعا می‌کند در جریان اعلام وفاداری و روابط طباطبایی با مقامات جمهوری اسلامی نبوده است. در همین ارتباط «رناتا آلت» رئیس کمیته حقوق بشر پارلمان آلمان به «بیلد» گفت: «اتهامات مطرح‌شده علیه عدنان طباطبایی جدی هستند... وزارت خارجه و بربوک وزیر خارجه باید فوری روشن کنند که آیا او واقعاً به وزارت خارجه ایران خدمت کرده و با آن همکاری داشته یا نه.»

وی می‌افزاید: «مبالغ هنگفت پول نمی‌تواند برای افرادی خرج شود که با ملاها ارتباط دارند و با آنها کار می‌کنند... وزارت خارجه باید از خودش بپرسد که از همکاری قبلی با آقای طباطبایی چه سودی نصیب آن شده است؟»

نکته قابل توجه اینکه همه می‌دانند عدنان طباطبایی پسر سیدصادق طباطبایی و فاطمه صدرعاملی خواهرزاده سید موسی صدر مؤسس مجلس اعلا شیعیان لبنان و «جنبش امل» در آن کشور است. پدرش، صادق طباطبایی از چهره‌های شاخص مدافع انقلاب اسلامی و فامیل و همراه روح‌الله خمینی در جریان انقلاب اسلامی بود. بعید است که دولت آلمان بدون اطلاع از سوابق و رابطه خانوادگی عدنان طباطبایی از مشاوره‌های وی که به سود جمهوری اسلامی انجام می‌گرفته بی‌خبر بوده باشد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد حتی پس از توافق اتمی، طباطبایی و زهرانی ارتباطات تنگاتنگ خود را حفظ کردند.

در پاییز ۲۰۱۸ «مؤسسه تحقیقاتی» طباطبایی به نام «کارپو» سمیناری در برلین برگزار کرد که نقطه شروع پروژه «تفاهم» بود؛ همان پروژه‌ای که طباطبایی مشاور و وزارت خارجه آلمان مسئول آن بود و یک میلیون و ۴۰۰ یورو بودجه داشت!

طباطبایی این کارشناس به‌ظاهر مستقل، «تصمیم‌گیرندگان سیاسی» از جمهوری اسلامی را برای شرکت در این سمینار به آلمان دعوت کرد. مصطفی زهرانی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز به‌عنوان نماینده رژیم ایران به برلین آمد. طباطبایی روز ۲۳ اکتبر ۲۰۱۸ با خرسندی از زهرانی تشکر کرد و نوشت: «سلام دکتر زهرانی بسیار گرمی! اجازه بدهید از صمیم قلب از شما به خاطر شرکت در سمینار هفته گذشته در برلین تشکر کنم.»

«بیلد» در ادامه می‌نویسد وزارت خارجه آلمان به‌استفاده از خدمات طباطبایی در حالی ادامه داد که او همزمان خدماتش را به مقامات ارشد رژیم ایران نیز ارائه می‌داد که آنها را از وفاداری وی به جمهوری اسلامی مطمئن می‌ساخت.

وزارت خارجه آلمان سال ۲۰۱۹ پژوهشی را به طباطبایی سفارش داد که با ۳۶ هزار یورو تأمین مالی شد. در مجموع تا کنون دست‌کم دو میلیون و ۳۰۰ هزار یورو از وزارت خارجه به جیب «کارپو» سرزیر شده است.

البته وزارت خارجه آلمان دیگر نمی‌خواهد از طباطبایی به عنوان مشاور آن یاد شود. این وزارتخانه به «بیلد» گفته «نه او و نه کارپو قرارداد مشاوره با وزارت خارجه نداشتند.» با اینهمه طباطبایی بارها در مصاحبه‌ها و سمینارها، به

● روزنامه «بیلد» نوشته مکاتبات در ایمیل‌هایی که بین طباطبایی و مقامات بلندپایه رژیم ایران رد و بدل شده نشان می‌دهد تحلیلگر و مشاور به‌ظاهر مستقل وزارت خارجه آلمان تا چه اندازه با رژیم ایران ارتباط نزدیک دارد. ● وزارت خارجه آلمان سال ۲۰۱۹ پژوهشی را به طباطبایی سفارش داد که با ۳۶ هزار یورو تأمین مالی شد. در مجموع تا کنون دست‌کم دو میلیون و ۳۰۰ هزار یورو از وزارت خارجه به جیب «مؤسسه تحقیقاتی» طباطبایی به نام «کارپو» سرزیر شده است.

● وزارت خارجه آلمان ادعا می‌کند در جریان اعلام وفاداری طباطبایی و روابط وی با مقامات جمهوری اسلامی نبوده است آنهم در حالی که عدنان طباطبایی پسر سیدصادق طباطبایی فامیل و همراه روح‌الله خمینی در انقلاب اسلامی است!

روزنامه آلمانی «بیلد» ۲۹ سپتامبر (هفتم مهرماه) در گزارشی با اشاره به افشای «شبکه لایبرگان جمهوری اسلامی» در آمریکا و اروپا به این نکته پرداخته که چرا عدنان طباطبایی شهروند آلمانی- ایرانی که نامش در گزارش اخیر مؤسسه «سمافور» به عنوان یکی از مهره‌های مرتبط با رژیم ایران مطرح شده مشاور وزیر خارجه آلمان است! در این گزارش آمده برخلاف دیگر «عوامل نفوذی» که صحت ایمیل‌های افشاشده را رد نکردند، عدنان طباطبایی ابتدا ادعا کرد که ایمیل منتسب به او جعلی است.

با این حال، بیلد نوشته مکاتبات در ایمیل‌هایی که بین طباطبایی و مقامات بلندپایه رژیم ایران رد و بدل شده نشان می‌دهد تحلیلگر و مشاور به‌ظاهر مستقل وزارت خارجه آلمان تا چه اندازه با رژیم ایران ارتباط نزدیک دارد.

در یک نمونه، طباطبایی ۲۴ ژانویه ۲۰۱۵ به مصطفی زهرانی از مقامات ارشد وزارت خارجه جمهوری اسلامی و از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایمیل زده است.

در این گزارش آمده «ایمیل‌های جدید وزارت خارجه (آلمان) را تحت فشار می‌گذارم» که از قرار معلوم «مشاور بربوک با آخوندها مراد داشته است.»

در یکی از ایمیل‌های افشا شده، او کارهایی را که انجام داده به محمدجواد ظریف اطلاع داده و گفته او و دیگر کارشناسان می‌توانند متونی را برایش بنویسند که سپس این مطالب را با اسامی دیگری منتشر خواهد کرد!

کمی قبل از آن، زهرانی کنفرانسی را در تهران با عنوان «جهان علیه خشونت و افراتی‌گری» برگزار کرد و طباطبایی پیشنهاداتی را برای برگزاری آن ارائه داد.

به‌گفته طباطبایی، این پیشنهادات نشانه‌های دل‌بستگی به زهرانی و «وطن عزیز» (ایران) است. طباطبایی ادعا کرده، هر موقع زهرانی به ایده‌های او یا «هر نوع پشتیبانی دیگری» نیاز داشته باشد، می‌تواند روی او حساب کند و اظهار داشته «با کمال میل در خدمتم.»

دو روز بعد، طباطبایی دوباره با زهرانی تماس گرفته و با اشاره به جلساتی که در مورد مذاکرات برگزار می‌شود می‌نویسد: «من واقعاً باور دارم که حضور شما و تیم‌تان در این جلسه حیاتی است؛ به‌خصوص به‌خاطر ماه‌های بسیار مهمی که در پیش داریم.»

نامه سناتورهای آمریکا درباره استخدام آراین طباطبایی: به نظر می‌رسد پنتاگون در حال «لاپوشانی یک اشتباه امنیتی» است!



آرین طباطبایی (راست) و دینا اسفندیاری (چپ)

با اینهمه تقریباً تمام افرادی که در این گزارش به آنها اشاره شده بود با همان روش قبلی از طریق مصاحبه و مقاله‌نویسی یا سخنرانی در سمینارها به دنبال نفوذ و تأثیرگذاری در تصمیمات مقامات دولتی آمریکا در جهات منافع جمهوری اسلامی فعالیت می‌کنند.

از سوی دیگر تعدادی از اعضای جمهوریخواه مجلس نمایندگان آمریکا در نامه‌ای به وزارت دفاع آمریکا خواستار شفاف‌سازی درباره وضعیت آراین طباطبایی و احتمال همکاری و ارتباطات وی با حکومت ایران شدند.

البز استفانیک به همراه تعداد دیگری از قانونگذاران کنگره، ضمن ابراز خشم از استخدام آراین طباطبایی در وزارت دفاع در نامه‌ای به لوید اوستین وزیر دفاع نوشته‌اند که «این تکان‌دهنده و غیرقابل قبول است که وزارت دفاع، شخصی را به کار می‌گیرد که با رژیم ایران همکاری نزدیک داشته و در تشکیلاتی حاضر بوده که توسط رژیم ایران به عنوان ابزاری برای گسترش نفوذ خود در جریان مذاکرات برجام استفاده می‌شد.» آنها خواستار تعلیق فوری مجوزهای آراین طباطبایی شدند و تأکید کردند: «وزارت دفاع باید به مردم آمریکا پاسخ دهد که چرا آنها از پول مالیات‌دهندگان برای استخدام یک عامل جمهوری اسلامی ایران استفاده می‌کنند که برای پیشبرد روایات بدخواهانه تهران در داخل آمریکا و مشروعیت بخشیدن به برنامه هسته‌ای آن در صحنه جهانی فعالیت می‌کرده است.» وزارت دفاع آمریکا قبلاً گفته بود که آراین طباطبایی یک متخصص در امور هسته‌ای است و به استخدام او افتخار می‌کند!

اما در حالی که پنتاگون از روند استخدام آراین طباطبایی دفاع کرده بود، کریس مایر دستیار وزیر دفاع ششم مهرماه در اظهاراتی در نشست توضیحی کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا گفت پنتاگون در حال بررسی این است که آیا همه قوانین و خط‌مشی‌ها در روند استخدام طباطبایی رعایت شده یا نه. در نامه سناتورها به وزیر دفاع آمریکا آمده واکنش اولیه پنتاگون در دفاع از طباطبایی نشان می‌دهد که وزارت دفاع ممکن است در حال «لاپوشانی یک اشتباه امنیتی» باشد. در بخشی از این نامه آمده «نگرانی در مورد خانم طباطبایی موضوع جدیدی نیست. در مارس ۲۰۲۱ اندکی پس از انتصاب خانم طباطبایی به عنوان مشاور ارشد در معاونت کنترل تسلیحات و امنیت بین‌الملل وزارت امور خارجه، مخالفین (اپوزیسیون) ایرانی به سابقه طولانی خانم طباطبایی در انعکاس صحبت‌های رژیم جمهوری اسلامی اشاره کردند. در آوریل ۲۰۲۱ چند تن از اعضای مجلس خواستار بازنگری در مجوز امنیتی خانم طباطبایی شدند. در پاسخ، دولت بایدن این اتهامات را رد کرد و آن را تهمت و افترا خواند.»

ماتیو میلر سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در واکنش به گزارش‌ها درباره «نفوذ یک شبکه از عوامل جمهوری اسلامی به نهادهای سیاسی» آن کشور موضوع را مربوط به ۱۰ سال قبل دانست و گفته بود که «بیشتر افراد نامبرده در این گزارش، دیگر مسئولیتی در دولت آمریکا ندارند و یک نفر از آنها که اکنون برای وزارت دفاع آمریکا کار می‌کند، تحت یک بررسی پیشینه کامل برای دریافت مجوز امنیتی قرار گرفته است.»

● در شرایطی که احزاب آمریکا خود را برای رقابت‌های انتخاباتی ریاست جمهوری سال ۲۰۲۴ آماده می‌کنند بحران رسوایی نفوذ شبکه دل‌ال‌ها و لایب‌گران رژیم ایران در دولت اوپاما و بایدن به اهرم قدرتمند جمهوریخواهان علیه دموکرات‌ها بدل می‌شود.

● سناتورها از پنتاگون خواسته‌اند مجوز امنیتی طباطبایی را تعلیق کند تا سابقه وی مورد بررسی قرار گیرد.

● در نامه سناتورها به وزیر دفاع آمریکا آمده واکنش اولیه پنتاگون در دفاع از طباطبایی نشان می‌دهد که وزارت دفاع ممکن است در حال «لاپوشانی یک اشتباه امنیتی» باشد. این سناتورها تأکید کردند نگرانی‌ها درباره آراین طباطبایی موضوع جدیدی نیست.

به نظر می‌رسد افشای شبکه نفوذ جمهوری اسلامی در آمریکا از جمله شماری از ایرانیان مثل علی واعظ عضو «گروه بین‌المللی بحران»، آراین طباطبایی عضو سابق تیم رابرت مالی در وزارت خارجه آمریکا، عدنان طباطبایی، الی گرافامیه، دینا اسفندیاری و چند نفر دیگر در حال تبدیل شدن به یک بحران بزرگ برای دولت بایدن است. در آمریکا ۳۱ سناتور از جمله اعضای کمیته‌های اطلاعات، روابط خارجی و نیروهای مسلح، در نامه‌ای به وزیر دفاع ژنرال لوید اوستین درباره رسوایی نفوذ شبکه لایب‌گران جمهوری اسلامی در وزارت دفاع و حضور آراین طباطبایی در این نهاد دولتی حساس به عنوان منشی دفتر معاون وزیر دفاع هشدار داده‌اند.

پایگاه خبری «واشنگتن فری‌پیکن» ۲۹ سپتامبر (هفتم مهرماه) گزارش داد قانونگذاران جمهوریخواه در کمیته نیروهای مسلح سنا تحقیقات رسمی را در مورد استخدام آراین طباطبایی با مجوز امنیتی فوق محرمانه توسط دولت بایدن آغاز کرده‌اند. طبق گزارش مؤسسه «سمافور» طباطبایی متهم است از طریق یک شبکه نفوذ تحت مدیریت رژیم ایران به پیشبرد سیاست‌های جمهوری اسلامی در میان سیاست‌گذاران واشنگتن کمک کرده است. در شرایطی که احزاب آمریکا خود را برای رقابت‌های انتخاباتی ریاست جمهوری سال ۲۰۲۴ آماده می‌کنند، بحران رسوایی نفوذ شبکه دل‌ال‌ها و لایب‌گران رژیم ایران در دولت اوپاما و بایدن به اهرم قدرتمند جمهوریخواهان علیه دموکرات‌ها بدل می‌شود.

سناتورها از پنتاگون خواسته‌اند مجوز امنیتی طباطبایی تعلیق کند تا سابقه وی مورد بررسی قرار گیرد. پای آراین طباطبایی به دولت بایدن وقتی باز شد که رابرت مالی به عنوان نماینده وزارت خارجه منصوب شد. رابرت مالی دو ماه پیش از این به اتهام سوء استفاده از اطلاعات طبقه‌بندی شده از سمت خود برکنار شده بود. سناتورها خطاب به دولت نوشتند: «ما این را خلاف وجدان می‌دانیم که یک مقام ارشد وزارتخانه با وجود اتهام همکاری در عملیات اطلاعاتی حکومت ایران همچنان در سمتی حساس باقی مانده است.» پنتاگون در پاسخ به فری‌پیکن از آراین طباطبایی دفاع کرد و مدعی شد که وی «به عنوان شرط استخدامش در وزارت دفاع به درستی بررسی شده است.»

ماده ۷۵ برنامه هفتم توسعه؛ زندگی خصوصی شهروندان زیر رصد جمهوری اسلامی



قوه قضاییه تنظیم و به دولت ارسال شد. هیئت دولت نیز اوایل بهار امسال پس از تأیید این لایحه، آن را برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارسال کرد.

در مجلس شورای اسلامی جریانی شامل نمایندگان اصولگرا بررسی این لایحه را به کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس سپرده و سپس رفتن آن زیر اصل ۸۵ قانون اساسی را مطرح کردند. اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز در نشست علنی روز یکشنبه ۲۲ مرداد، با بررسی لایحه بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی موافقت کردند.

بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند در موارد ضروری صلاحیت وضع قوانین آزمایشی را به کمیسیون‌های خویش تفویض کند که در اینصورت بررسی و تصویب قانون به دور از چشم افکار عمومی انجام می‌شود. بررسی و تصویب لایحه «حجاب و عفاف» در حالی پشت درهای بسته و توسط ۱۰ عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی با اعتراضات زیادی همراه بود اما جریان غالب در مجلس شورای اسلامی با محوریت سردار پاسدار محمد قالیباف از بررسی آن در صحن علنی جلوگیری کرد. نمایندگان حامی طرح و حجاب اجباری همه توان خود را به کار گرفتند که دست‌کم اجرای آزمایشی این طرح تا آغاز سالگرد اعتراضات ۱۴۰۱ آغاز شود. این طرح با بستن فضای اجتماعی و اعطای اختیاراتی گسترده به نیروی انتظامی و لباس شخصی‌ها برای برخورد با شهروندان در سطح جامعه و همچنین تشدید برخوردهای قضایی به بهانه حجاب حتی علیه دختران زیر ۱۸ سال، طرحی علیه شهروندان و حقوق شهروندی و روند زندگی اجتماعی مردم است.

در نهایت نمایندگان مجلس شورای اسلامی آخر شهریورماه امسال به اجرای آزمایشی سه ساله لایحه «عفاف و حجاب» رأی مثبت دادند. با اینکه این طرح هنوز از سوی شورای نگهبان تصویب نشده اما از مدت‌ها پیش اهداف آن با صدور بخشنامه و شیوه‌نامه در مدارس، دانشگاه‌ها، ادارات و وزارتخانه‌ها پیش رفته و به اجرا درآمده است.

هم معتقد است که «افرادی با نوع نگاه خاص خود عطف شدید برای ورود به حریم شخصی افراد و نقض حریم خصوصی آنها دارند؛ در حالی که سرک‌کشیدن به حریم شخصی افراد مذموم و غیرقانونی است.»

معین‌الدین سعیدی نماینده چابهار نیز گفته که «بر اساس قانون اساسی حق نداریم به حریم شخصی افراد وارد شویم. بنده نه تنها بابت چنین موضوعی متحیرم؛ بلکه بسیار متأسفم و امیدوارم نمایندگان نسبت به حذف این ماده اقدام کنند.» پیش از این باقر انصاری عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه «بهشتی» نیز در انتقاد از ماده ۷۵ در به روزنامه «دنیای اقتصاد» گفته که «یکی از مشکلاتی که این لایحه دارد این است که بخش خصوصی باید داده‌های خودش را به اشتراک گذاشته و در دسترس دیگران قرار دهد. باز گذاشتن دست دولت در دسترسی به اطلاعات کاربران در لایحه برنامه هفتم توسعه در حالی یکی از قسمت‌های به شدت مشکل‌آفرین این لایحه درباره زندگی آنلاین شهروندان است که پس از اعتراضات سال گذشته تشدید محدود ساختن فضای جامعه و رصد شهروندان به اشکال مختلف در دستور کار جمهوری اسلامی قرار گرفته است.

برای نمونه ماده ۷۵ لایحه برنامه هفتم توسعه با طرح «صیانت» در زمینه رصد و پردازش داده‌ها و محتوای فضای مجازی نیز دارای نقاط مشترکی است. بر اساس ماده ۱۵ طرح صیانت نیز «ذخیره‌سازی و پردازش داده‌های کاربران ایرانی مطابق مصوبات شورا و ضوابط و مقررات مربوط» باید اجرا شود. بخش دیگری از محدود ساختن فضای جامعه و رصد شهروندان نیز با طرح «حجاب و عفاف» در حال اجرا است. طرح «حجاب و عفاف» اواخر سال گذشته توسط قوه قضاییه تدوین شد و پس از تصویب فوری در هیئت دولت برای بررسی و تبدیل شدن به قانون به مجلس شورای اسلامی ارسال شد.

لایحه «حجاب و عفاف» یکی از پرحاشیه‌ترین طرح‌های اخیر جمهوری اسلامی بوده که اواخر سال گذشته توسط

● بر اساس ماده ۷۵ قانون توسعه، جزئی‌ترین مسائل شخصی تک تک کاربران، اعم از رفت و آمدهای درون و بیرون شهری و حتی غذا و محصولات که از سوپرمارکت سفارش می‌دهند، مورد رصد قرار می‌گیرد.

● جلال رشیدی کوچی نماینده مجلس شورای اسلامی: این کار دیگر سرک‌کشیدن در حریم شخصی افراد نیست چون وقتی آن را کنار برخی تکه‌های پازل در جاهای دیگر قرار می‌دهم متوجه می‌شوم برخی قصد دارند همه شئون زندگی خصوصی مردم را رصد کنند.

● پس از اعتراضات سال گذشته، تشدید محدود ساختن فضای جامعه و رصد شهروندان به اشکال مختلف در دستور کار جمهوری اسلامی قرار گرفته است.

در پی تشدید محدود ساختن فضای اجتماعی و رصد زندگی شهروندان، در ماده ۷۵ برنامه هفتم توسعه پیش‌بینی‌هایی برای زیر نظر گرفتن خصوصی‌ترین ابعاد زندگی مردم از ترددها تا حتی خریدهای سوپرمارکتی، توسط جمهوری اسلامی شده است.

بر اساس ماده ۷۵ برنامه هفتم توسعه قرار است سامانه‌ای با نام «برخط» توسط وزارت ارشاد اسلامی فعال شده و گسترش یابد و همه پلتفرم‌های داخل کشور موظف هستند کلیه اطلاعات و داده‌های خود در مورد شهروندان را در آن ثبت کنند.

بر اساس این ماده از برنامه هفتم توسعه، پلتفرم‌های داخلی مورد استفاده مردم موظف می‌شوند جزئی‌ترین مسائل شخصی تک تک کاربران خود را، اعم از رفت و آمدهای درون و بیرون شهری، هر وسیله‌ای که خرید یا فروش می‌کنند و حتی غذا و محصولات را که از سوپرمارکت سفارش می‌دهند، به صورت مستمر به این سامانه گزارش کنند. روزنامه «شرق» در گزارشی با عنوان «سیاست ۹ مهر ۱۴۰۲ ۱۳:۳۱ قانون سرک‌کشیدن به زندگی خصوصی مردم در آستانه تصویب در مجلس!» به این ماده از برنامه هفتم توسعه پرداخته و نوشته که ماده ۷۵ برنامه هفتم توسعه که تعدادی از نمایندگان مجلس آن را سرک‌کشیدن به حریم شخصی مردم و رصد همه جزئیات زندگی خصوصی آنها می‌داند، همراه با دیگر مواد برنامه هفتم در آستانه تصویب در مجلس قرار دارد. هدف از این ماده سنجش میزان دینداری و اخلاق مردم اعلام شده است.

قرار است این اقدام با راه‌اندازی سامانه‌ای از سوی وزارت ارشاد انجام شود. اطلاعات و داده‌های مورد نیاز آن نیز باید از داده‌های مرکز آمار ایران و اطلاعات کاربران در سکویهای داخلی تأمین شود. در متن ماده ۷۵ آمده است: «دستگاه‌های اجرایی و دارندگان پایگاه‌های داده موضوع این بند مکلف هستند نسبت به ارائه مستمر و جامع داده‌ها به این سامانه به صورت برخط اقدام کنند.»

جلال رشیدی کوچی در اینباره به «شرق» گفته که «ماده ۷۵ برنامه هفتم نگران‌کننده است، چون اسم این کار دیگر سرک‌کشیدن در حریم شخصی افراد نیست؛ چون وقتی آن را کنار برخی تکه‌های پازل در جاهای دیگر قرار می‌دهم، متوجه می‌شوم برخی قصد دارند همه شئون زندگی خصوصی مردم را رصد کنند.»

غلامرضا نوری قزلبچه دیگر نماینده مجلس شورای اسلامی

رئیس کانون سردفتران و دفتریاران: اتباع بیگانه اراضی و املاک کشور را به راحتی با سند عادی خرید و فروش می‌کنند



● رئیس کانون سردفتران و دفتریاران: «تحركات برخی از بیگانگان در نقاط مختلف مرزی کشور در حال حاضر که گاهاً تا مرکز کشور هم کشیده شده، نشان‌دهنده این مهم است که اتباع بیگانه، اراضی و املاک کشور را به راحتی با سند عادی خرید و فروش می‌کنند، در حالی که سند رسمی دارای تشریفات قانونی ویژه است و به راحتی نمی‌شود به آن تعرض کرد.»

● در مردادماه سال جاری حشمت‌الله فلاحت پیشه رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در گفتگو با وبسایت «فراز» گفته بود: «بیش از یک و نیم میلیون از کسانی که سابقه فعالیت نظامی در افغانستان داشته‌اند پس از روی کار آمدن مجدد طالبان به ایران آمده‌اند.»

به گفته رئیس کانون سردفتران و دفتریاران، اتباع بیگانه اراضی و املاک کشور را به راحتی با سند عادی خرید و فروش می‌کنند، در حالی که سند رسمی دارای تشریفات قانونی ویژه است و به راحتی نمی‌شود به آن تعرض کرد.

شنبه ۸ مهرماه علی خدانی در دومین «همایش تبیین فرمان رهبر جمهوری اسلامی» در خصوص سلب اعتبار از اسناد عادی در معاملات اموال غیرمنقول با اعلام این مطلب افزود: «در دوران جنگ، حفظ و صیانت از نظام جمهوری اسلامی و حوزه جغرافیایی کشور محور اصلی بود، الان هم ممکن است کشور به شکل دیگری در معرض تعرض باشد که هست، تحركات برخی از بیگانگان در نقاط مختلف مرزی کشور در حال حاضر که گاهاً تا مرکز کشور هم کشیده شده، نشان‌دهنده این مهم است که اتباع بیگانه، اراضی و املاک کشور را به راحتی با سند عادی خرید و فروش می‌کنند، در حالی که سند رسمی دارای تشریفات قانونی ویژه است و به راحتی نمی‌شود به آن تعرض کرد.»

در همین ارتباط وبسایت رکتا، به نقل از محمدرضا جمشیدی دبیر کانون بانک‌ها و مؤسسات اعتباری خصوصی در مورد نحوه افتتاح حساب اتباع خارجی نوشت: «هر فرد خارجی که بطور رسمی وارد کشور شده باشد، می‌تواند حساب پس‌انداز قرض‌الحسنه افتتاح کند.»

به گفته این مقام مسئول، همچنین هر فرد خارجی که مجوز اقامت دارد، می‌تواند حساب کوتاه‌مدت افتتاح کند و آنهایی که مجوز اشتغال دارند نیز می‌توانند حساب جاری افتتاح کنند.

دبیر کانون بانک‌ها و مؤسسات اعتباری خصوصی در پاسخ به این سؤال که آیا اتباع افغان فاقد پاسپورت می‌توانند حساب بانکی افتتاح کنند، گفت: دولت در دوره‌ای اعلام کرد که همه اتباع افغان و آنها که فاقد پاسپورت هستند و به اسم پناهنده وارد کشور شده‌اند و حتی آنها که مجوز اقامت داشتند، برای شناسایی ثبت نام کنند و بدین ترتیب اغلب اتباع افغان چه آنها که واجد مجوز بودند و چه آنها که فاقد مجوز بودند، ثبت نام کردند و شماره آمایش گرفتند.

به گفته جمشیدی در حال حاضر اتباع افغان با شماره آمایش می‌توانند به بانک‌ها مراجعه کنند و درخواست افتتاح حساب کنند اما حساب جاری فقط مخصوص اتباعی است که مجوز اشتغال و اقامت در ایران دارند.

در همین ارتباط عباس جوهری معاون سیاسی و اجتماعی استانداری تهران با اعلام اینکه موضوع «اتباع» چالش بزرگی

سیستماتیک در عدم جلوگیری از ورود مهاجران به کشور وجود دارد. یعنی عده‌ای در ایران و افغانستان از انتقال این افراد به ایران سود می‌برند. مثلاً در خاک افغانستان برای ورود هر فرد و برای هر بار عبور ۵۰۰ دلار از او مطالبه می‌شود.

وی تاکید کرده است: «در ورود مهاجران غیرقانونی افغانستانی به ایران، مافیایی را تشکیل داده‌اند و می‌دانند هر امری در هر کشوری تبدیل به مافیا شود مقابله با آن سخت و دشوار خواهد بود چرا که مافیا ریشه می‌دواند و مانع شکل‌گیری از روند اجرای قانون می‌شود. مانند مافیای تحریم، مافیای قاچاق، مافیای مواد مخدر و یا حتی مافیای مهاجرت.» در همین ارتباط پیرمحمد ملازهی کارشناس مسائل افغانستان در گفتگو با وبسایت «انتخاب» با بیان اینکه ایران سیاست روشنی نسبت به افغانستان ندارد، با اشاره به «یک رویداد کاملاً ضدملی» گفته بود: «ما یکسری مسائل مرزی با طالبان داریم. ما اشتباهی با کشیدن دیوار مرزی در زایل کردیم و بخشی از زمین‌های کشاورزی مردم ایران آن طرف دیوار قرار گرفته و طالب معتقد است مرز همان دیوار است؛ بنابراین به کشاورزان ایرانی اجازه نمی‌دهند که کشاورزی کنند و زمین‌ها را تصاحب کرده‌اند. این مشکل ما بود، ما اگر می‌خواستیم دیوار بکشیم باید روی مرز می‌کشیدیم. یعنی بخشی از خاک ایران به دست طالب افتاده است.»

در فروردین ماه ۱۴۰۱ جواد هدایتی مدیرکل دفتر ترانزیت و حمل و نقل بین‌المللی سازمان راهداری کشور اعلام کرده بود که: «ورود افغان‌ها به کشورمان از مرزهای رسمی پس از به روی کار آمدن طالبان به روزانه حدود ۵۰۰۰ نفر رسیده در حالی که این رقم قبل از تحولات افغانستان چیزی بین ۷۰۰ و ۸۰۰ نفر در روز بود.»

پیشتر شورای پناهندگان نروژ در گزارشی که منتشر شد اعلام کرده بود که از زمان تسلط گروه طالبان بر افغانستان روزانه بین ۴ تا ۵ هزار پناهجوی افغان وارد ایران می‌شوند و انتظار می‌رود با توجه به وخیم‌تر شدن اوضاع در افغانستان این تعداد افزایش نیز پیدا کند.

است که تهدیدها و ظرفیت‌هایی به همراه دارد گفته است: «۲ و نیم میلیون نفر جمعیت اتباع در غرب استان قابل توجه است و هزینه‌هایی به ویژه در حوزه آموزش و پرورش به همراه دارد.»

در ۱۸ شهریورماه نیز مدیرکل امور اتباع و مهاجرین خارجی استانداری فارس جمعیت فعلی اتباع بیگانه در فارس را بسیار بالا دانسته و اعلام کرده بود: «بر اساس آخرین آمار، در حال حاضر ۳۵۸ هزار اتباع افغانی در فارس حضور دارند که از این تعداد حدود ۱۲۰ هزار نفر طی دو سال گذشته وارد این استان شده‌اند.»

به گفته این مقام مسئول در استانداری فارس برای این افراد بطور موقت مجوز اسکان در استان صادر شده و هنوز تصمیم خاصی در مورد آنها گرفته نشده است.

وی اضافه کرده بود: «علاوه بر اتباع بیگانه مجاز و دارای مجوز حضور، پیش‌بینی می‌شود که ۵۰ تا ۱۰۰ هزار اتباع بیگانه غیرمجاز نیز در استان حضور داشته باشند.»

در مردادماه سال جاری حشمت‌الله فلاحت پیشه رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در گفتگو با وبسایت «فراز» گفته بود: «بیش از یک و نیم میلیون از کسانی که سابقه فعالیت نظامی در افغانستان داشته‌اند پس از روی کار آمدن مجدد طالبان به ایران آمده‌اند.»

به گفته وی «همین حالا که این گفتگو در حال انجام است روزانه ۱۰ هزار نفر به آمار مهاجرین در ایران افزوده می‌شود. وی افزود «مهاجران افغانی [افغان/افغانستانی] به صورت موج به کشور ما می‌آیند و در برخی از شهرها هم دست به تغییر بافت جمعیتی منطقه مورد نظر زده‌اند.»

فلاحت پیشه همچنین توضیح داده است که «در خوشبینانه‌ترین حالت از هر ۵ نفر جمعیت افغانستان یک نفر در ایران حضور دارد. از سوی دیگر به ازای هر ۷/۵ تا ۸ نفر شهروند ایرانی یک نفر مهاجر افغانستانی نیز در کشورمان زندگی می‌کند. این آمارها واقعی هستند.»

به گفته این نماینده سابق مجلس شورای اسلامی یک فساد

پیمان خضوعی برنده ۳ مدال طلای پرورش اندام: جمهوری اسلامی، ایران را به زندانی بدون دیوار تبدیل کرده است



این فعالیت نه تنها به او اجازه داد تا بهبود کامل پیدا کند، بلکه عشق به بدنسازی که همچنان در دل او وجود داشت وی را بطور قاطع به خود جذب کرد. بدنسازی برای او به یک سبک زندگی تبدیل شد.

علاوه بر این، شغل دولتی خود را در شهرداری تهران حفظ کرد و به تحصیل در دانشگاه در رشته روابط عمومی ادامه داد. این ترکیب بین ورزش، کار، و تحصیل به او امکان می‌داد تا جایگاه شغلی و اجتماعی خود را ارتقا دهد.

در دوره تحصیلی، وی به دلیل نظرات مخالف با رژیم جمهوری اسلامی و اعتقادات شخصی با مخاطرات و تهدیدهایی مواجه شد. اما اینهمه نه تنها تصمیم‌های او را تغییر نداد، بلکه به وی برای تحصیل و تعهد به اهداف شخصی و انسانی‌اش الهام بیشتری می‌بخشید.

داستان این ورزشکار نشان‌دهنده تعهد برای رسیدن به اهداف فردی و ترکیب بین ورزش، کار و تحصیل است. زندگی‌اش نشان می‌دهد که عشق به ورزش می‌تواند یک انگیزه و تعهد برای دنبال کردن آرزوهای زندگی باشد و این اختلاط می‌تواند به ارتقاء جایگاه اجتماعی و حرفه‌ای کمک کند.

در اوایل سال ۲۰۱۸ (۱۳۹۷) پیمان به دلیل مخالفت با دستورات کاری که در حیطه شغلی او نبود مانند جاسوسی با دوربین عکاسی از تجمعات اعتراضی و تهدیدات مداوم، با وجود تمام چالش‌ها و دشواری‌های مهاجرت و دوری از عزیزان و ادغام اجباری با یک فرهنگ و زبان جدید، تصمیم به ترک میهن گرفت و پس از عبور از چندین کشور به سوئیس رسید.

او با تفکری پر انرژی و تعهد به ورزش، به خود گفت: «با تمام بی‌عدالتی‌های روزگار، دنیا جای خیلی قشنگی نیست اما هنوز ارزش جنگیدن را دارد.»

در سال ۲۰۲۱، پیمان در پی کوشش فراوان و مسیر حرفه‌ای‌تر به کمک و راهنمایی‌های مربی برجسته‌ای ←

تمرین مداوم، رتبه سوم در وزن ۵۵ کیلوگرم استان تهران در پاورلیفتینگ را به خود اختصاص داد.

زندگی پیمان پر از چالش بود. پس از دو سال، در سن ۱۸ سالگی به سربازی اعزام شد. در اواسط خدمت وظیفه، پدرش دچار مشکلات مالی و سپس سکت قلبی شد. او به عنوان یک فرزند مسئول، باید همزمان کار می‌کرد تا مراقبت از پدر را نیز به عهده بگیرد. پس از سه سال پدرش را از دست داد. این تجربه ناراحت‌کننده و دلسردکننده بود، اما ورزش که همواره به او انرژی و آرامش می‌بخشید، به او تسلی داد و دوباره به باشگاه‌های ورزشی بازگشت.

پیمان از سن ۲۲ سالگی به ورزش MMA (Mixed Martial Arts) هنرهای رزمی ترکیبی علاقمند شد و به صورت حرفه‌ای به مدت ۶ سال بطور مداوم در این رشته فعالیت کرد. وی تحت نظر بهترین مربیان مشت‌زنی، کاراته و جوجیتسو و با چند قهرمان پرورش اندام و همچنین تیم ملی جوجیتسو در ایران تمرین می‌کرد.

نزدیک به مسابقات آسیایی جوجیتسو، او که با اهداف بلندمدت و آرزوهای بزرگ در حال آماده شدن برای این رقابت‌ها بود، در حین تمرینات به دلیل آسیب جدی در آرنج و دنده، از شرکت در این رویداد ورزشی بزرگ باز ماند. بعد از دوره نقاهت، به باشگاه هنرهای رزمی بازگشت اما به علت آسیب‌های جدی در آرنج و دنده از ادامه تمرینات ورزش‌های مقاومتی محروم ماند. ورزش به یک نیاز غذایی اساسی در زندگی پیمان تبدیل شده بود و نمی‌توانست آن را بطور دائم کنار بگذارد. به همین دلیل، تصمیم به شروع تمرینات آرام گرفت و دوباره فعالیت در باشگاه بدنسازی را آغاز کرد.

با پیشرفت در تمرینات پرورش اندام و بهبود در وضعیت سلامتی خود، بیش از پیش به این ورزش علاقمند شد. هر چه بیشتر وارد دنیای بدنسازی می‌شد، ذوق و شغف‌اش بیشتر می‌شد و دیگر نتوانست آن را رها کند.

● برنده ۳ مدال طلای پرورش اندام: «ایرانیان مقیم سوئیس برای برگزاری تظاهرات ضد رژیم ضحاک هنگام سفر امیرعبداللهیان به ژنو آماده می‌شوند.»

● «دژخیمان جمهوری اسلامی، بهترین دوستم را هنگام شرکت در تظاهرات ضد حکومت با شلیک هشت گلوله کشتند.»
● « دنیا جای خیلی قشنگی نیست اما هنوز ارزش جنگیدن را دارد.»

محمدرضا حمیدی - در یک داستان پر از تلاش، عزم و تحمل، پیمان خضوعی، ورزشکار مدال‌آور ایرانی، به قهرمانی در مسابقات پرورش اندام سوئیس دست یافت. این گزارش به روایت تجربیات زندگی ورزشی و شخصی او پرداخته و نشان می‌دهد که با تصمیم و اراده، می‌توان بر هر مشکلی پیروز شد.

در دنیای ورزش و مسابقات بدنسازی، شاهد داستان‌های الهام‌بخشی از ورزشکارانی هستیم که با تلاش، اراده و پشتکار به اوج موفقیت می‌رسند. یکی از این چهره‌های کوشا و موفق، پیمان خضوعی است که تا کنون مسیری پر پیچ و خم و جذاب را در دنیای ورزش و زندگی پیموده است. پیمان خضوعی در سال ۱۳۶۶ در تهران متولد شد. تحصیلات خود را با گرفتن دیپلم در رشته کامپیوتر به پایان رساند و به بازار کار وارد شد. اما او علاقمند به ادامه تحصیل بود و در رشته روابط عمومی در سطح کارشناسی وارد دانشگاه شد.

با اینهمه زندگی پیمان همواره تنها از تحصیل و کار تشکیل نشده بود. از سن ۱۲ سالگی وی در ورزش کیوکشین کاراته فعالیت خود را آغاز کرد و پس از دو سال با دریافت کمر بند قهوه‌ای، به مقام سوم استان تهران رسید. او به سرعت به عنوان برجسته‌ای در این استان دست پیدا کرد.

سپس در سن ۱۵ سالگی علاقه و اشتیاق وافر به فیزیک بدنسازان و پاورلیفتینگ وی را به این رشته‌ها کشاند و با

حجاب اجباری؛ رئیس حراست موزه سعدآباد با توهین و کتک به جان زن جوان باردار افتاد!



یورش بردند. سپس با تهدید، خواهر آن خانم باردار را وادار کردند که آن فیلم را از تلفن همراهش پاک کند.

به گفته این فرد، در حال حاضر خواهر این زن جوان باردار علیه حراست مجموعه سعدآباد شکایتی تنظیم کرده و مراحل حقوقی این شکایت در حال انجام است. در ضمن بعد از وادار کردن آنها به پاک کردن فیلم، مأموران امنیتی به آنان هشدار داده بودند که حق ندارید در این مورد با هیچ رسانه‌ای صحبت کنید.

«مبارزه با بی‌حجابی» اسم رمز محدود ساختن بیش از پیش شهروندان و تحت کنترل درآوردن بخش خصوصی گردشگری در کشور شده است.

برخوردهای قهرآمیز و توهین‌آمیز با شهروندان از سوی مأموران رسمی و لباس‌شخصی‌های زن و مردی که به عنوان «آمر به معروف» شناخته می‌شوند هم بخشی از محدودیت‌ها و عذابی است که برای شهروندان به ویژه زنان ایجاد شده است.

همچنین یک سال است که ده‌ها واحد گردشگری به بهانه «رعایت نکردن شئونات و حجاب» پلمپ شده و زیان گسترده‌ای به این بخش وارد شده است.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی روز چهارشنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۲ با ۱۵۲ رأی موافق، ۳۴ رأی مخالف و ۷ رأی ممتنع با اجرای آزمایشی لایحه «عفاف و حجاب» به مدت سه سال موافقت کردند.

در ماده ۵۰ این لایحه تأکید شده است که «هر شخصی در انتظار یا امکان عمومی یا معابر اقدام به برهنگی یا نیمه‌برهنگی نماید یا با پوششی ظاهر شود که عرفاً برهنگی محسوب می‌شود»، بلافاصله توسط ضابطان «بازداشت» و به مرجع قضائی تحویل می‌شود.

ماده ۴۹ این لایحه «هرکس در انتظار یا امکان عمومی یا معابر مرتکب بدپوششی شود در مرتبه اول معادل حداکثر جزای نقدی درجه شش و در مراتب بعدی به جزای نقدی درجه پنج» محکوم می‌شود. ممنوعیت خروج از کشور و ممنوعیت از فعالیت عمومی در فضای مجازی از شش ماه تا دو سال از دیگر مجازات‌های در نظر گرفته شده برای زنان در این لایحه است.

یک شاهد عینی به کیهان لندن می‌گوید: «همان موقع خواهر این زن جوان باردار با استفاده از تلفن همراه خود از فحاشی و کتک‌کاری مدیر حراست این مجموعه، فیلمی در تلفن خود ضبط کرد. مدیر حراست که دید فیلم کتک زدن یک زن باردار که شکم‌اش کاملاً بزرگ بود ممکن است او را بی‌آبرو کند همان موقع تلفن زد و نزدیک به ۱۰-۱۲ نفر نیروی امنیتی به آنجا یورش بردند. سپس با تهدید، خواهر آن خانم باردار را وادار کردند که آن فیلم را از تلفن همراهش پاک کند.»

بر اساس خبری که یکی از شاهدان عینی در اختیار کیهان لندن قرار داده است، اواخر هفته پیش رئیس حراست مجموعه تاریخی فرهنگی کاخ سعدآباد پس از مشاهده یک زن جوان باردار که ناخواسته روسری از سرش افتاده بود او را با کتک و توهین از این مجموعه به بیرون راند.

یکی از شاهدان عینی که نخواست نامش فاش شود با اعلام این خبر به کیهان لندن گفت: «اواخر هفته پیش حوالی ظهر بود که به صورت تصادفی متوجه مشاخره لفظی یک زن جوان و دو زن دیگر با مامور حراست شدم؛ بعد از رفتن مامور حراست در بیرون مجموعه با آنها صحبت کردم؛ یکی از آنها زن جوان بارداری بود که همراه با خواهر کوچکتر و مادرشان به بازدید کاخ سعدآباد آمده بودند. در آن ساعت روز، محوطه خلوت بوده و ظاهراً روسری خانم باردار بی‌هوا از سرش افتاده بود و آنها داشتند بر روی چمن‌ها عکس یادگاری می‌گرفتند که ناگهان رئیس حراست از راه می‌رسد و با آنها درگیر می‌شود.»

وی در ادامه توضیح می‌دهد: «خانم جوان باردار با شجاعت در مقابل قلدری‌های رئیس حراست مجموعه سعدآباد ایستاده بود و می‌گفت حواسم نبوده و روسری سهواً از سرم افتاده اما مدیر حراست در واکنش، او را به باد کتک گرفت!» به گفته این شاهد عینی، همان موقع خواهر این زن جوان باردار با استفاده از تلفن همراه خود از فحاشی و کتک‌کاری مدیر حراست این مجموعه، فیلمی در تلفن خود ضبط کرد. مدیر حراست که دید فیلم کتک زدن یک زن باردار که شکم‌اش کاملاً بزرگ بود ممکن است او را بی‌آبرو کند همان موقع تلفن زد و نزدیک به ۱۰-۱۲ نفر نیروی امنیتی به آنجا

در ایران، که به دلایل امنیتی نام او را فاش نمی‌کند، از طریق فضای مجازی برای مسابقات زیبایی اندام NPC ایتالیا آماده شد و مدرک مربیگری درجه ۳ کلاس A از سازمان IFBB گرجستان و مدرک مربیگری بین‌المللی از سازمان IFBB اسپانیا را کسب کرد و در کنار آموزش به دیگران، برای رقابت‌های پرورش اندام NPC ایتالیا آماده شد. در آخرین لحظات اما به دلایل شخصی نتوانست در این مسابقات شرکت کند که تصمیم ناگواری برایش بود، اما نشان داد تا زمانی که زنده است، تسلیم نخواهد شد و به پیشرفت و بهبود در این ورزش پرتفردار ادامه خواهد داد. پیمان به تمرینات ورزشی خود ادامه داد و خود را در دنیای ورزش پر از آرامش و بهبودی یافت و پس از یک سال تمرین، مصمم به رسیدن به مقام قهرمانی شد. او اینبار به شکل حرفه‌ای‌تری به تمرینات ورزشی پرداخت و مهارت‌های خود را به عنوان یک بدنساز حرفه‌ای و با اراده‌ای قوی‌تر به پرورش اندام ادامه داد و در مسابقات قهرمانی سوییس در دو گروه Muscular Physique و Men's physique موفق به کسب مقام چهارم در هر دو گروه گردید. اما با تصمیم برای بهبود موقعیت ورزشی خود، با تمرینات سخت‌تر، برای مسابقات سال بعد آماده شد.

این داستان از مهاجری که با اراده و تعهد به هدف‌هایش دست یافت، نمایانگر اهمیت و توانمندی انسان‌ها در تغییر سختی‌های زندگی است و پیمان یک نمونه‌ی الهام‌بخش برای دیگران شناخته می‌شود.

در کشاکش این تلاش‌ها، انقلاب «زن، زندگی، آزادی» در ایران آغاز شد و دوست نزدیک و صمیمی پیمان، عرفان نظری که از مخالفان حکومت جمهوری اسلامی بود، در تظاهرات اعتراضی، برای حقوق انسانی و شهروندی خود به خیابان‌ها آمد. او برای حقوق عادلانه و برابر برای جوانان ورزشکار ایرانی مبارزه می‌کرد. اما مورد خشم دژخیمان جمهوری اسلامی قرار گرفت و هشت بار از نزدیک بطور ناجواهدانه بسوی او شلیک شد و جان باخت.

در همان زمان، پیمان، مصمم به پیوستن به نرد عرفان نظری برای حقوق اساسی مردم ایران گرفت و در صفحه اینستاگرام خود شروع به صحبت‌های انتقادی از حکومت کرد. وی با شجاعت و صدای بلند به انتقاد علیه رژیم سرکوبگر ولایت فقیه پرداخت.

از اوایل سال ۲۰۲۳، پیمان تمرینات ورزشی خود را برای حضور در رقابت‌های پرورش اندام در سوییس با جدیت بیشتری ادامه داد. هدف او نمایان‌تر کردن نام ایران و افزایش پرچم شیروخورشید در رقابت‌های بین‌المللی، نه تنها برای خودش بلکه به عنوان نماینده‌ای از سوی ملت ایران بود. پیمان پس از تلاش‌های سخت و خستگی‌ناپذیر، در ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۳، در مسابقات پرورش اندام سوییس به عنوان نماینده ملت ایران به موفقیت‌های بزرگ دست پیدا کرد. او توانست سه مدال طلا و یک نقره در دو گروه Men's physique و Muscular Physique را از آن خود کند و دو تندیس Overall هم به عنوان بهترین ورزشکار در هر دو سطح را به خود اختصاص دهد. وی به آرزوی دیرینه‌اش که اهتزاز پرچم راستین ایران در سکوی قهرمانی بود نیز دست یافت. پیمان خضوعی با تلاش و تصمیمات جسورانه اش ثابت کرد که با اراده و کوشش می‌توان به اهداف بلندپروازانه رسید. او نه تنها به نام خود بلکه برای ایران و ایرانیان در جهان ورزش افتخار آفریده است.

وی نمونه‌ای از اراده و پشتکار در تحقق اهداف ورزشی و نیز صدای انتقاد و آزادی از سوی جامعه ایران است که به امید موفقیت‌های بیشتر و تغییرات مثبت در کشورش، همچنان به مبارزه برای حقوق ایرانیان ادامه خواهد داد.

تناقضات ذاتی سخرنانی سیدابراهیم رئیسی (قاضی مرگ) با قوانین حقوق بین‌الملل معاصر

● جمهوری اسلامی که در صحن علنی مجمع عمومی سازمان ملل متحد سخن از عدم تفرقه می‌گوید و جهانیان را به آن فرا می‌خواند، در همان سخرنانی ایالات متحده آمریکا را تهدید می‌کند: «جمهوری اسلامی ایران با استفاده از همه ابزارها و ظرفیت‌ها برای اجرای عدالت و محاکمه عاملین و مباشرین این تروریسم دولتی تا حصول نتیجه قطعی از پای نخواهد نشست».

● در حالی که جمهوری اسلامی اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را پذیرفته و نسبت به رعایت مفاد آنها متعهد و ملتزم است و توهین و افترا به دیگران امروزه در قوانین کیفری کشورهای جهان نیز تبلور یافته، یعنی اینکه مسئولیت حاصل از اینگونه اقدامات شنیع و غیرانسانی نه فقط حقوقی، بلکه کیفری است اما توهین به دیگران بخشی جدایی‌ناپذیر از سیاست‌های حکومت جمهوری اسلامی است.

محمود مسائلی - با شرکت در اجلاس هفتاد و هشتم مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سپتامبر سال ۲۰۲۳، ابراهیم رئیسی رئیس جمهوری اسلامی ایران طی سخنانی رسمی در این مهم‌ترین مکان و فرصت برای دیپلماسی چندجانبه موضوعاتی را خطاب به جهانیان بیان کرد که علاوه بر نادرست بودن آنها، در تناقضات ذاتی با قوانین حقوق بین‌الملل معاصر قرار داشت. هدف از این نوشتار این است که مهم‌ترین ابعاد این تناقضات را در متن حقوق بین‌الملل قرار داده و توضیح دهد که همگی در تضاد و مغایرت با قوانین مورد قبول کنونی جهان هستند. سخرنانی رئیسی معروف به قاضی مرگ فاقد ارزش حقوقی است و فقط می‌تواند به مذاق طرفداران جمهوری اسلامی خوش آید. رئیسی با استناد به آیاتی از قرآن چند مفهوم محوری را در مرکز سخنان خود مطرح ساخت: عقلانیت، معنویت، عدالت، کرامت انسان، اخلاق و حق‌باوری، احترام به دیگران، وفای به عهد، آپارتاید فرهنگی و جنایت علیه بشریت.

نظری کوتاه به این موضوعات شاید بتواند در روشنگری فریبکاری‌های جمهوری اسلامی مفید باشد. افزون بر این، ممکن است این نوشتار بتواند توضیح دهد که تا چه اندازه مشاوران و دست‌اندرکاران تهیه متن سخرنانی او نسبت به قوانین مورد قبول و احترام جهانیان ناآگاه هستند.

برای شروع ضروری است که به عنوان اجلاس هفتاد و هشتم مجمع عمومی نگاهی بیندازیم. «بازسازی اعتماد و احیای مجدد همبستگی جهانی» با هدف تسریع در اقدامات مربوط به دستور کار سال ۲۰۳۰ برای اهداف توسعه پایدار و هدایت و بهره‌برداری از آن برای صلح، رفاه، پیشرفت، و پایداری برای همه مردم جهان، عنوانی بود که برای این اجلاس انتخاب شده بود. [۱] بنابراین، انتظار طبیعی این بود که نمایندگان کشورها در سخرنانی خود در این مجمع عمومی موضوع مورد نظر اجلاس را در نظر داشته باشند. این امری کاملاً طبیعی است که انتظار داشته باشیم رؤسای کشورها و یا دیگر نمایندگان بلندپایه در سخرنانی خود در اجلاس مجمع عمومی در تعهدات کشور متبوع خود را به دیپلماسی چندجانبه قوی و سازنده‌ای برای رسیدن به آن اهداف مورد باز تأیید قرار دهند. آنها می‌بایست با نگرشی



ابراهیم رئیسی در مجمع عمومی سازمان ملل / نیویورک / ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۳ / رویترز

است، کشورها با اراده آزاد خویش تعقیب منافع ملی را با همکاری‌های بین‌المللی پیوند می‌دهند. به این ترتیب مفهوم عقلانیت در روابط و حقوق بین‌المللی بر آنچه کشورها برای خود عقلانی می‌پندارند، پیشی می‌گیرد. این برتری را می‌توان در محورهای زیر خلاصه کرد:

۱. عقلانیت به معنی انتخاب خردمندانه یا عقلانی کشورهای دارای روابط اجتماعی بسامان را بر می‌انگیزد تا به منافع مشترکی خود را متعهد سازند. این همکاری‌ها کشورهای غیردمکراتیک را برمی‌انگیزد تا در فرایند همکاری متقابل یاد بگیرند که همیشه همکاری‌ها هزینه‌های مراودات را کاهش و سود و منافع جمعی را افزایش می‌دهد.

۲. خرد جمعی و یا انتخاب عقلانی مبنایی را به وجود می‌آورد تا هرگاه اختلاف نظرهایی میان کشورها بر سر تفسیر منافع جمعی پیش آید، بتوان آن اختلافات و تفاسیر مختلف را به همگرایی نزدیک ساخت.

۳. عقلانیت جمعی می‌تواند علل میان رخدادها و پدیده‌ها در روابط بین‌المللی را توضیح دهد. بنابراین، با تمرکز بر روابط متکی بر علت و معلول می‌تواند از وقوع رخدادهای ناگوار جلوگیری به عمل آورد.

۴. انتخاب عقلانی به عنوان ابزاری برای توضیح موضوعات پیچیده بین‌المللی، می‌تواند در حل و فصل نهایی آنها مشارکت موثر داشته و در حقیقت با تبیین پدیده‌های حقوقی و سیاسی راهکارهای متناسب برای آنها طراحی و تعیین می‌کند.

۵. خرد جمعی بر مبنایی قرار دارد که به موجب آن فرضیه‌های مختلف با یکدیگر از در گفتگو در می‌آیند و به این طریق مسیر همگرایی را برای رسیدن به چارچوبی فراگیر در برابر جامعه بین‌المللی می‌گشاید.

به آینده، کشورهای خود را به انجام اقداماتی که حصول به آن اهداف را تأمین نماید متعهد سازند. اما اینگونه موضوعات مهم هیچ جایی در سخرنانی رئیسی نداشتند.

موضوع اول: عقلانیت

عقلانی بودن در حیطه بین‌المللی به چه معنی است؟ اولین پاسخ این است که اساسا همکاری‌های بین‌المللی و به ویژه حقوق بین‌الملل و دیپلماسی چندجانبه اموری عقلانی هستند که از درون اندیشه لیبرال سرچشمه می‌گیرند. در فلسفه سیاسی لیبرال فرضیه اصلی این است که انسان‌ها بطور ذاتی عقلایی هستند که با ادراک اهمیت همکاری‌های اجتماعی برای رشد و شکوفایی انسانی خود، باورهای عقلانی خویش را که از آنها سرچشمه می‌گیرد، به سود بهره‌مندی کنار می‌گذارند تا به نوعی خرد جمعی دست یابند. این خرد جمعی که می‌بایست آنرا منطقی بودن نامید و عقلانیت فردگرایانه را به سوی تصمیمات عقلانی جمعی به سود خیر همگانی هدایت می‌کند. بنابراین روابط اجتماعی در همه ابعاد خود اعم از داخلی و ملی و یا گستره بین‌المللی در پرتو این خردمندی می‌تواند ابعاد انسانی به خود گیرد زیرا با مشارکت همگان تعریف و تعیین شده و به اجرا گذاشته می‌شود. در این فرضیه اعمال خرد جمعی در حیطه بین‌المللی انتخاب عقلانی نامیده می‌شود. انتخاب عقلانی به عنوان زیربنای همکاری‌های بین‌المللی آرمانی‌ترین شکل روابط بین‌المللی را به نمایش گذاشته و درعین حال این آرمانگرایی را با ابعاد عملی همراه می‌سازد. بنابراین، و در درجه اول، طرح و اقدامی استراتژیک است که از طریق آن حیات بین‌المللی به توسعه و شکوفایی می‌رسد. منظور این است که با خردمندی جمعی برای همکاری در زمینه‌هایی که حائز اهمیت اساسی برای خانواده بین‌المللی

→ آيا عقلانيت مورد نظر جمهوری اسلامی از اینگونه خرد جمعی متابعت می‌کند؟ با توجه به تجربیات دوران حیات جمهوری اسلامی، پاسخ به این پرسش بی‌تردید منفی است. عقلانیت خودساخته جمهوری اسلامی نه تنها نتوانسته است با عقلانیت جمعی و تلاش برای حفاظت از منافع جهانی سازگار باشد، بلکه معنی، مفهوم، و اهمیت خرد جمعی را به پایین‌ترین درجه ممکن تنزل داده تا بتواند با استفاده ابزاری از آن برای توجیه سیاست‌های خود استفاده کند.

موضوع دوم: معنویت

اگر منظور از معنویت وجود معنی در مفهوم حیات و روابط اجتماعی فراتر از ابعاد محاسبه سود و زیان مادی باشد، از آغازین ادوار شکل‌گیری حقوق بین‌الملل تلاش برای معنی در حیات بین‌المللی حضور داشته است. هدف این تلاش‌ها این بوده است تا از خودمحوری‌ها کاسته و مواضع فردگرایانه کشورها را به تصمیماتی که به خیر عمومی معطوف است نزدیک کند. معنی و مفهوم حیات در راستای این هدف قابل توضیح است. اما از آنجا که سنت‌های دینی به ویژه مسیحیت در شکل‌گیری روابط و حقوق بین‌الملل مدرن نفوذ مؤثری داشتند، موضوع معنی حیات با آموزه‌های این سنت آمیختگی پیدا کرد. اما به تدریج و با فاصله گرفتن از ادوار اولیه عصر مدرن، این نگرش معنویت‌گرایانه نیز ابعاد سکولار و غیردینی به خود گرفت. چند مثال ساده شاید بتواند این ادعا را توضیح دهد. هوگو گروسوس از پیشگامان و بنیانگذاران حقوق بین‌الملل مدرن در اندیشه‌های خود تحت تأثیر جنبش اصلاح‌طلبی (رفرماسیون) کلیسا بود، نهضت‌های اصلاحی قرن نوزدهم مانند لغو برده‌داری و یا تلاش برای شناسایی و پیشبرد حقوق زنان و امر برابری نیز نمی‌توانست از اینگونه اندیشه‌ها مبرا باشد. جنبشی که با پیشنهادات ویلسون برای تاسیس جامعه ملل و دادگاه دائمی دادگستری بین‌المللی انجام گرفت و در سال ۱۹۱۹ به اوج خود رسید نیز نمی‌توانست از اندیشه‌های اصلاحی نهضت پروتستان جدا باشد. در نتیجه هرچند که این منابع الهام در خصوص معنی و مفهوم حیات با باورهای معنوی مسیحایی پیوند داشتند، اما با ورود به سال‌های پایانی جنگ جهانی دوم و شکل‌گیری نظم نوین بین‌المللی پیوندهای خود را از باورهای دینی گسیخت و افق‌های سکولار را در دستور کار توسعه و ترویج حقوق بین‌الملل قرار داد.

پس از کشتارهای قومی و مذهبی در جنگ جهانی دوم که به واسطه داعیه برتری‌طلبی فاشیسم توجیه می‌شد، نظام بین‌المللی نوین آزادی وجدان و باور را به عنوان سنگ بنای جامعه بین‌المللی صلح‌آمیز قرار داد. منشور ملل متحد با تأکید و باز تأیید ایمان و باور همه مردمان متحد به ارزش ذاتی همه مردم و برابری آنها، فضایی را فراهم آورد تا در آن کشورهای عضو جامعه بین‌المللی موظف باشند مردم را در انتخاب روش زندگی خویش آزاد گذاشته، و در اجرای این آزادی برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام دهند. هرچند که در منشور اشاره مستقیمی به معنای زندگی و معنویت نشده، اما دقت در واژه‌هایی که بطور حساب‌شده در آن به کار گرفته شده‌اند، مانند ضرورت توجه به ارزش و کرامت انسان، برابری همه مردم، مفهوم عدالت، و رسیدن به خوشبختی همه نشان از این واقعیت دارند که نویسندگان این منشور به اهمیت معنا و معنویت دقت کامل داشته‌اند.

این تلاش برای اهمیت معنی زندگی با تکیه بر اراده آزاد

انسان‌ها در اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ به اوج خود رسید. اعلامیه در ماده ۱۸ آزادی اندیشه، وجدان، و مذهب را مورد شناسایی رسمی قرار داده و از همه اعضای جامعه بین‌الملل می‌خواهد تا آن را به عنوان حقوق ذاتی همه انسان‌ها محترم شمرده، در اجرای آن بکوشند، و به ترویج و پیشبرد آن اهتمام ورزند. اعلامیه این حق را برای همه تصدیق کرد که آزادی تغییر دین، که بحث برانگیزترین همه آزادی‌هاست، باید محترم شمرده شود. البته اگرچه بطور رسمی اعلامیه جهانی یک قرارداد الزام‌آور نیست تا همه اعضای ملل متحد را به احترام به آن مجبور کند، اما از نظر بسیاری از حقوق‌دانان بین‌المللی، امروزه چنین بیان رسمی حقوق بشری به حوزه حقوق بین‌الملل عرفی راه یافته و ابعاد متعهدانه و الزام‌آور به خود گرفته است. میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۶۶، که یک معاهده چندجانبه الزام‌آور برای بیش از ۱۴۰ کشور عضو آن است، از آزادی‌های مذهبی حمایت می‌کند. اعلامیه سال ۱۹۸۱ مجمع عمومی سال ۱۹۸۹ درباره رفع همه اشکال عدم مدارا و تبعیض مبتنی بر مذهب یا اعتقاد نیز یک سند حقوقی غیر الزام‌آور است. اما مانند اعلامیه جهانی باید آن را به عنوان مهم‌ترین بیانیه بین‌المللی در حمایت از تنوع مذهبی در نظر گرفت.

حال اگر این موارد را به عنوان شواهدی از قواعد بین‌المللی و رویه‌های کشورها در نظر بگیریم، این حقیقت آشکار می‌شود که معنویت مورد توجه جمهوری اسلامی هیچ نوع نزدیکی با آن نمی‌تواند داشته باشد زیرا حکومت فقاهتی حاکم بر ایران امروز به این قوانین بین‌المللی اعتقاد ندارد. عدم اعتقاد آگاهانه نسبت به این اسناد حقوقی نه تنها در بن و پایه‌های نظری نظام ولایت فقیه مشهود است، بلکه سردمداران حکومت دینی نیز به صراحت و آشکارا همواره بیان داشته‌اند که نمی‌توانند پذیرای چنین تعهدات بین‌المللی باشند. بنابراین طرح بحث معنویت در سخنان رئیسی بجز شعاری عاری از معنی و مفهوم نیست. از همه مهم‌تر اینکه معنویت خودساخته مدل جمهوری اسلامی در تناقض ماهوی آشکار با قوانین بین‌المللی یادشده دارد.

موضوع سوم: عدالت

در سخنرانی رئیسی سومین مفهوم ادعای بی‌پایه‌ی عدالت است. به درستی منظور از عدالت در متن قواعد بین‌المللی چیست؟ شاید ساده‌ترین تعریفی که می‌توان از مبحث عدالت داشت این است که یعنی استقرار و برقراری فضایی که در آن هیچ نوع ترسی از سرکوب، سانسور، بازداشت، زندانی شدن، و یا شکنجه برای ابراز عقیده مطابق با قوانین بین‌المللی حقوق بشر وجود نداشته باشد. در شرایط سخت سرکوب‌های خشن حکومتی، عدالت یعنی رها بودن از جنایت نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی، شکنجه و ناپدید شدن اجباری. این حقیقت را باید مورد توجه قرار داد که قربانیان بی‌عدالتی آنهایی هستند که این نوع جنایت‌های بین‌المللی در مورد آنها روا شده است.

در اینجا مناسب است فقط برخی از اسناد حقوق بشری را که نوید برقراری عدالت از این زاویه دید را می‌دهند، یادآوری شوند:

۱. میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی توسط مصوب سال ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، توسط دولت ایران پیش از انقلاب امضا شده و به تصویب قانونگذاری داخلی نیز رسیده است. جمهوری اسلامی ایران نیز به این میثاق تعهد دارد اما در عمل، همه تعهدات خود در

این میثاق را نادیده می‌گیرد و هیچ مرجع قانونی هم برای رسیدگی به این نقض تعهدات قراردادی وجود ندارد. در حقیقت، برای اجرای مؤثر این میثاق، پروتکلی تنظیم شده که به موجب آن کمیته حقوق بشر به عنوان یک ارگان معاهده‌محور به وجود آمد تا ناظر رفتار کشورها باشد. با این قصور آگاهانه و عمادانه، آیا جمهوری اسلامی می‌تواند سخنی پیرامون عدالت به زبان آورد؟

۲. مقاله‌نامه بین‌المللی علیه شکنجه و دیگر رفتارهای بی‌رحمانه و تنبیهات خوارکننده و غیرانسانی توسط مجمع عمومی در سال ۱۹۸۴، هرگز توسط جمهوری اسلامی پذیرفته نشده است. در نتیجه دستان خود را باز گذاشته تا بدون پذیرفتن هیچ نوع تعهد حقوقی بین‌المللی بطور پیوسته شهروندان را مورد شکنجه‌های وحشیانه قرار دهد. با در نظر داشتن این بی‌اعتنایی به تعهدات بین‌المللی مورد قبول جهانیان، آیا جمهوری اسلامی می‌تواند داعیه عدالت داشته باشد؟!

۳. مقاله‌نامه بین‌المللی علیه ناپدیدشدگان اجباری، مقاله‌نامه بین‌المللی مربوط به ممنوعیت تبعیض علیه زنان، و یا مقاله‌نامه بین‌المللی مربوط به کارگران مهاجر و خانواده‌های آنان، هیچکدام توسط جمهوری اسلامی ایران مورد پذیرش قرار نگرفته است و در نتیجه بدون هیچ اعتنایی به سرزنش‌های جهانی اینگونه جنایات را ادامه می‌دهد. باز هم همان پرسش پیشین مطرح می‌شود که آیا جمهوری اسلامی می‌تواند در محفل جهانی مانند مجمع عمومی ملل متحد سخنی از عدالت به زبان آورد آنهم در حالی که مرتکب شنیع‌ترین اشکال بی‌عدالتی شده و می‌شود؟!

موضوع چهارم: اخلاق و حق‌باوری

از مفاهیم دیگری که رئیسی در سخنرانی خود در مجمع عمومی به آن پرداخت بحث اخلاق و حق‌باوری بود. به درستی منظور او از اخلاق چیست؟ آیا مفهوم خوددراوردی اخلاق ادعایی جمهوری اسلامی با معنی و مفهوم اخلاق در حقوق بین‌الملل مطابقت دارد؟ در حقوق بین‌الملل مفهوم اخلاق یک مؤلفه هنجاری است که کشورها را متعهد می‌سازد تا برخلاف منافع صرف خود به سمت تبعیت از قوانین بین‌المللی هدایت کنند. این نوع اخلاقیات در قوانین بین‌المللی به این معنی است که نیروی باطنی در قانونگذاری بین‌المللی وجود دارد که بر خلاف ابعاد ظاهری و قراردادی آن قوانین، فرمانی صادر می‌کند که کشورها خود را بی‌آنکه به لحاظ حقوقی موظف باشند، خود را بر اساس همان فرمان اخلاقی به این معیارهای رفتاری متعهد سازند. بنابراین، صرف بیان اخلاق در یک سخنرانی و وزن مثبت و عمیق قابل توجه مفهوم اخلاق و حق‌باوری برای توضیح رفتارهای یک حکومت کافی نیست. از همه مهم‌تر این است که کاربرد چنین مفاهیمی به دلیل اهداف فریبکارانه‌ای که در پشت آن نهفته است، دقیقاً در تضاد با اخلاق در حوزه بین‌المللی قرار می‌گیرد. باید همچنین یادآوری کرد که حتی اگر حقوق بین‌الملل به دلیل نارسایی‌های ماهوی که در خود دارد، این فرصت را در اختیار حکومت‌ها قرار دهد تا مواضع خود را برخلاف خیر عمومی دنبال کنند اما همان مفهوم اخلاق کشورها را فرا می‌خواند تا برخلاف اهداف سیاست خارجی و منافع ملی، به ویژگی‌های اخلاقی و حق‌باوری ملتزم باشند. به درستی آیا جمهوری اسلامی می‌تواند مواضع ضد اخلاق جهانی خود را زیر پرده الفاظ فریبنده‌ای مانند اخلاق پنهان سازد؟



موضوع پنجم: وفای به عهد و راستگویی در مرادوات و معاملات

این نیز موضوعی است که رئیسی بطور واضح در سخنرانی خود به آن پرداخت. اما باز هم همان تضاد ذاتی میان مواضع جمهوری اسلامی و اصل وفای به عهد در حقوق بین‌الملل وجود دارد. وفای به عهد از دیرپاترین اصول زیربنایی کل سیستم بین‌المللی و روابط مبتنی بر معاهدات بین کشورهای مستقل است. البته این اصل در حقوق داخلی ملل مختلف نیز وجود دارد زیرا یکی از اصول حقوقی است که بدون آن هیچ رابطه‌ای نمی‌تواند شکل گیرد. در اسلام هم قاعده وفای به عهد به عنوان یکی از اصول خدشه‌ناپذیر از حیث دینی مورد تصدیق قرار گرفته است. مقاله‌نامه حقوق معاهدات مصوب سال ۱۹۶۹ موسوم به مقاله‌نامه وین در ماده ۲۶ صراحت دارد که «کلیه معاهده‌های لازم‌الاجرا برای طرفین آن الزام‌آور است و باید توسط آنها با حسن نیت اجرا شود». چنین اصلی با قاعده حسن نیت که می‌توان آن را در ردیف راستگویی قرار داد، پیوند یافته به گونه‌ای که اساساً نمی‌توان بدون نیت پاک و راستگویی اصل وفای به عهد را به اجرا درآورد.

با این فرض مسلم که این اصل حقوقی در دیانت اسلام نیز مورد تقدیس قرار گرفته، چرا جمهوری اسلامی از انجام تعهدات قراردادی خود، که برخی از آنها در بحث سوم بالا آمد، نه تنها طفره می‌رود، بلکه آگاهانه و عامدانه آنها را زیر پا می‌گذارد؟ تجربه‌های تثبیت شده نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی هیچگاه به اصل حقوقی وفای به عهد خود را ملزم نگه نداشته است. بنابراین نه تنها مسئولیت این تخلف آشکار بر عهده آن قرار دارد بلکه تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند از آن بگریزد. از نقطه نظر دستورات و تعالیم اسلامی نیز جمهوری اسلامی مستوجب سرزنش و مسئولیتی است که نمی‌تواند بخشیده شود. به این ترتیب این پرسش همچنان پابرجاست: آیا اصل وفای به عهد مورد نظر جمهوری اسلامی به درستی با معیارها و قواعد مورد قبول بین‌المللی مطابقت دارد؟ به درستی و با جدیت باید تأکید کرد که کاربرد و استعمال این قبیل واژه‌های زیبای اغواکننده در سخنرانی رئیسی هیچ ارزش حقوقی ندارد. به نظرم جامعه آگاه بین‌المللی این موضوعات را به درستی ادراک می‌کند. بنابراین چنین بیانی برای جلب حمایت و خشنودی هواداران ناآگاه نظام اسلامی تهیه شده است.

موضوع ششم: عدم توهین به دیگران

رئیس هم‌چنین در سخنرانی خود بیان داشت که اسلام هرگز توهین به دیگران و تفرقه را نمی‌پذیرد: «ای بشر ستم و تفرقه را نپذیر». او ادامه داد که بر اساس تعالیم اسلام، در اینصورت «می‌توان جهانی از کرامت و عظمت ساخت...» در اینجا باز هم تناقضات ذاتی بیانات او آشکار می‌گردد. امروزه این حقیقت عیان شده است که جمهوری اسلامی ایران اصل عدم مداخله در امور داخلی دیگران را که مورد توجه منشور ملل متحد در بند ۴ از ماده ۲ می‌باشد، آشکارا نادیده گرفته و با مداخلات خود در کشورهای منطقه آتش تفرقه و عدم بردباری پراکنده است. این در حالیست که حکومت اسلامی بر اساس تعهداتی که به موجب منشور ملل متحد بر عهده گرفته، باید با حسن نیت در جهت رفع سوء تفاهم‌های ناشی از تفاسیر و برداشت‌های متفاوت مرتبط با موضوعات همه سعی و اهتمام لازم را به کار گیرد. افزون بر اینگونه تعهدات قراردادی، آنگونه که دادگاه دادگستری بین‌المللی توصیه می‌کند، برای حل معضلات و مشکلات، اعضای جامعه

بین‌المللی، حکومت‌ها می‌بایست با خیر و نیکی در جهت برپایی جهانی عاری از تنش بکوشند. اما جمهوری اسلامی که در صحن علنی مجمع عمومی سازمان ملل متحد سخن از عدم تفرقه می‌گوید و جهانیان را به آن فرا می‌خواند، در همان سخنرانی ایالات متحده آمریکا را تهدید می‌کند: «جمهوری اسلامی ایران با استفاده از همه ابزارها و ظرفیت‌ها برای اجرای عدالت و محاکمه عاملین و مباشرین این تروریسم دولتی تا حصول نتیجه قطعی از پای نخواهد نشست». در نظر داشته باشیم که «استفاده از همه ابزارها و ظرفیت‌ها» باید با قید تأکید بر قانونی بودن آنها همراه باشد؛ یعنی ابزارها و ظرفیت‌های قانونی! شاید در خوشبینانه‌ترین فرضیه ممکن این عدم ارجاع به قانونی بودن ابزارها و ظرفیت‌ها، به دلیل ناآگاهی تهیه‌کنندگان متن این سخنرانی باشد. اما، با فرضیه‌ای واقع‌بینانه‌تر، این خودداری از صفت قانونی بودن ابزارها امری آگاهانه و عامدانه بوده است. بی‌تردید هیچ نوع بهانه و یا توجیهی نمی‌تواند مسئولیت بین‌المللی ناشی از اینگونه تهدیدات را از دوش جمهوری اسلامی بردارد.

جمهوری اسلامی برخلاف موازین حقوقی بین‌المللی، و تعهداتی که بر عهده دارد، می‌بایست در جهت پیشبرد تساهل و مدارا و گفتمان همزیستی عادلانه میان پیروان ادیان مختلف بکوشد. اما همه شواهد نشان می‌دهد که زشت‌ترین توطئه‌ها را علیه اهل سنت، یهودیان، پیروان آیین بهائیت، و حتی خود مسلمانان شامل دراویش و یا آنهایی که به دلیل اعتقادات دینی خود نمی‌توانند پذیرای نظریه ولایت فقیه و اسلام سیاسی باشند، روا داشته است. این در حالیست که جمهوری اسلامی اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را پذیرفته و نسبت به رعایت مفاد آنها متعهد و ملتزم است. توهین و افترا به دیگران نیز امروزه در قوانین کیفری کشورهای جهان تبلور یافته است. یعنی اینکه مسئولیت حاصل از اینگونه اقدامات شنیع و غیرانسانی نه فقط حقوقی، بلکه کیفری است. اما توهین به دیگران بخشی جدایی‌ناپذیر از سیاست‌های حکومت جمهوری اسلامی است. در حقیقت، مقامات جمهوری اسلامی دیانت اسلام را هم ابزاری کرده‌اند تا بتوانند از آن علیه دیگران استفاده کنند. حال این پرسش مانند پرسش‌های دیگری از این دست همچنان پابرجاست که آیا به درستی داعیه تفرقه‌پرهیزی مدل جمهوری اسلامی در تضادی ذاتی با قوانین حقوق بین‌الملل قرار ندارد؟

سیدابراهیم رئیسی در سخنرانی خود دو موضوع محوری دیگر یعنی آپارتاید و جنایت علیه بشریت را نیز با بی‌اطلاعی کامل از این مفاهیم به کار برد. از آنجا که توضیح آنها نیاز به فضای بیشتری برای توضیح نیاز دارد، آن را به نوشته‌های دیگر واگذار می‌کنم.

*دکتر محمود مسائلی استاد بازنشسته روابط و حقوق بین‌الملل، دانشگاه‌های آتاوا و کارلتون و دبیرکل اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل با مقام مشورتی دائم نزد ملل متحد

زیرنویس:

[۱] نگاه کنید به نامه رئیس مجمع عمومی ملل متحد به رئیس انتخابی اجلاس ۷۸ مذکور.

<https://www.un.org/pga/77/2023/07/03/letter-from-the-president-of-the-general-assembly-theme-for-the-78th-session-of-the-united-nations-general-assembly/>

سیستان و بلوچستان همچنان ملتهب

جو امنیتی و بازداشت شهروندان ادامه دارد

● از ۱۱۰ بازداشتی احراز هویت شده از مجموع دست‌کم ۲۱۶ بازداشتی، ۳۲ تن کودکان زیر ۱۸ سال هستند که با خشونت و ضرب و شتم به صورت فله‌ای بازداشت و از وضعیت آنان اطلاعی در دست نیست.

● در روزهای گذشته، دست‌کم ۲۰ تن از فعالان مدنی اهل سنت در شهرهای بندرعباس، عوض، بستک، خور، بندر خمیر، پدل، لافت و سوزا در جزیره قشم، بازداشت شدند.

● رسانه‌های حکومتی و نهادهای امنیتی با انتشار خبرهایی مرتبط با سرپوش‌های جاسوسی و خرابکاران تلاش دارند جو امنیتی حاکم بر سیستان و بلوچستان و سرکوب شهروندان را توجیه کنند.

با گذشت دو روز از سالگرد جمعه خونین زاهدان، جو امنیتی و بازداشت شهروندان در استان سیستان و بلوچستان ادامه دارد. گزارش منابع حقوق بشری از بازداشت ۲۱۶ تن از جمله ۳۲ نوجوان طی سه روز گذشته در شهر زاهدان خبر می‌دهند. جو امنیتی حاکم بر استان سیستان و بلوچستان با گذشت دو روز از سالگرد «جمعه خونین زاهدان» همچنان پابرجاست. نیروهای امنیتی و ضد شورش حضور پررنگی در شهر دارند و شمار زیادی از شهروندان به ویژه در شهر زاهدان بازداشت شده‌اند.

وبسایت «حال و ش» که اخبار سیستان و بلوچستان را پوشش می‌دهد، شامگاه یکشنبه ۹ مهر، اعلام کرد نیروهای سرکوبگر ظرف مدت سه روز، از ۷ تا ۹ تا مهرماه ۱۴۰۲، دست‌کم ۲۱۶ نفر را در شهرهای زاهدان، خاش، میرجاوه و چابهار دستگیر کرده‌اند.

وبسایت «حال و ش» اسامی ۱۱۰ نفر از بازداشت‌شدگان را که هویت آنها مشخص شده منتشر کرده و نوشته که از هویت سایر شهروندان بازداشت شده تا لحظه تنظیم گزارش اطلاعی در دسترس نیست.

این گزارش افزوده که پس از احراز هویت بازداشت‌شدگان مشخص شده که دست‌کم ۳۲ کودک زیر ۱۸ سال نیز بازداشت شده‌اند: «از ۱۱۰ نفر احراز هویت شده از مجموع دست‌کم ۲۱۶ بازداشتی دو روز گذشته تعداد ۳۲ تن کودکان زیر ۱۸ سال می‌باشند که با خشونت و ضرب و شتم به صورت فله‌ای بازداشت و از وضعیت آنان اطلاعی در دست نیست.»

بین کهرزهی ۱۳ ساله، زیر نوتیزهی ۱۷ ساله، حامد براهویی حدودا ۱۷ ساله، بنیامین ملازهی ۱۴ ساله، دانیال ملازهی ۱۶ ساله، متین ریگی ۱۵ ساله، الیاس پهلوانی ۱۵ ساله، آصف کردی ۱۵ ساله، صادق شاهزهی ۱۴ ساله و سعید شه‌بخش ۱۴ ساله از جمله کودکانی هستند که نام آنها در این گزارش آمده است.



با ادوات و ماشین‌های ضد شورش در سطح شهر مستقر شده بودند. خیابان‌های منتهی به مسجد مکی توسط مأموران بسته شده بود و تنها افرادی که کارت هویتی خود را نشان می‌دادند، بدون اتومبیل، اجازه عبور و مرور در این خیابان‌ها را داشتند. همچنین در اطراف مسجد مکی که محل برگزاری نماز جمعه اهل سنت به امامت مولوی عبدالحمید است و یک سال پیش در هشتم مهرماه کشتار خونینی توسط جمهوری اسلامی در اطراف آن اتفاق افتاد، مملو از نیروهای امنیتی و انتظامی بود. مأموران جمهوری اسلامی با محاصره مسجد تلاش می‌کردند جمعیتی کنترل شده به این مسجد وارد شود. با اینهمه مردم پس از برگزاری نماز جمعه شهروندان اقدام به تظاهرات کردند و شعارهایی علیه جمهوری اسلامی و به یاد

مهر زاهدان در اوج احساسات و ابهام قرار بگیرد. در ادامه ادعاهای خبرگزاری «فارس» آمده که «بر اساس این طرح ضدامنیتی که با تمرکز ویژه چند سرویس اطلاعاتی در حال پیگیری بود، قرار بود پس از عملیات ترور برخی مولوی‌های سرشناس، در مرحله دوم عوامل گروه‌های تروریستی در پوشش اعتراضات در سطح برخی شهرهای سیستان و بلوچستان پس از برگزاری نماز جمعه اهل سنت در تاریخ هفتم مهر پخش شده و دست به کشته‌سازی وسیع از میان مردم شیعه و سنی بزنند.» منبع آگاه مورد ادعای خبرگزاری «فارس» گفته که «پس از اجرای آشوب خیابانی و کشته‌سازی در مرحله بعدی نیز گام سوم یعنی موضوع اعتصاب بازار در برخی شهرهای سیستان

«حال و ش» همچنین در گزارش دیگری خبر داده که در روزهای گذشته، دست‌کم ۲۰ تن از فعالان مدنی اهل سنت در شهرهای بندرعباس، عوض، بستک، خور، بندر خمیر، پدل، لافت و سوزا در جزیره قشم، در یورش نیروهای امنیتی به خانه‌هایشان بازداشت شدند. به گفته عبدالله عارف، فعال مدنی ایرانی بلوچ، از وضعیت این ناپدیدشدگان اجباری هیچ خبری در دست نیست. نادر سفاری از شهر لافت در جزیره قشم، فیصل بازماندگان از خمیر، صالح تاز از سوزا در جزیره قشم، مهرداد (محمد) دروآز از پدل، شایان زارع از اوز، محمد کاشفی از خور و کمال کشاورز از خور از جمله فعالان مدنی اهل سنت هستند که در روزهای گذشته بازداشت شدند.



تصاویر شماری از بازداشت‌شدگان روزهای گذشته در سیستان و بلوچستان، منبع: حالوش

جانباختگان «جمعه خونین زاهدان» سر دادند. «برادر شهیدم خونت رو پس می‌گیرم»، «تجاوز، جنایت، مرگ بر این ولایت»، «بسیجی سپاهی، داعش ما شمایین»، «مرگ بر خامنه‌ای» و «مرگ بر بسیجی» از جمله شعارهای مردم در تظاهرات امروز هفتم مهر ۱۴۰۲ بود. آنها همچنین پلاکاردهایی از تصاویر جانباختگان «جمعه خونین زاهدان» در دست داشتند. در همان روز «نت بلاکس» در حساب شبکه ایکس خود اعلام کرد اینترنت زاهدان روز جمعه در سالگرد «جمعه خونین» به شدت دچار اختلال شد و مقامات جمهوری اسلامی بطور سازمانیافته و هدفمند از قطع اینترنت برای مقابله با اعتراض‌های ضدحکومتی در سیستان و بلوچستان استفاده می‌کنند. گزارش‌های دیگری از تظاهرات و تجمع مردم در دو شهر خاش و تفتان در سیستان و بلوچستان به مناسبت «جمعه خونین زاهدان» منتشر شد. جمهوری اسلامی بدون اعلام «حکومت نظامی» در عمل با استقرار گشت‌های بازرسی و تعداد زیادی مأمور در خیابان‌ها و معابر عمومی فضای امنیتی هراسباری را بر زاهدان حاکم کرده بود. همچنین برخی خیابان‌های شهر نیز با اتوبوس یا توسط نیروهای نظامی مسدود شده بودند تا اتومبیل‌ها امکان عبور از آنها را نداشته باشند. نیروهای امنیتی و نظامی به سوی معترضان هجوم برده و ده‌ها شهروند را با شلیک مستقیم گلوله زخمی کردند و ده‌ها تن دیگر نیز بازداشت شدند. اعتراضات مردم تا روز بعد، شنبه هشتم مهرماه، ادامه یافته و همچنان جوّی ملتهب و امنیتی بر شهر زاهدان حکمفرما است.

و بلوچستان اتفاق افتاده و پروژه جمعه یک بحران سیاسی و اجتماعی نیز خلق کند.» تلاش نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی برای توجیه سرکوب شدید روزهای گذشته شهروندان در استان سیستان و بلوچستان و در سالگرد «جمعه خونین زاهدان» در حالیست که پروژه‌های خبری از این دست اصلا افکار عمومی در ایران را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. به همین دلیل است که در روزهای گذشته شهروندان ایرانی در شبکه‌های اجتماعی بارها یاد جانباختگان «جمعه خونین زاهدان» را گرامی داشته و نسبت به سرکوب مردم در استان سیستان و بلوچستان در روزهای گذشته اعلام انزجار کردند. هشتم مهرماه سال گذشته و دو هفته پس از آغاز خیزش ملی مردم که با قتل حکومتی مهسا امینی آغاز شد، نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی از داخل یک کلانتری در زاهدان به تجمع اعتراضی مردم این شهر بعد از نماز جمعه و در اعتراض به «تجاوز یک فرمانده پلیس به یک دختر نوجوان» تیراندازی کردند. در این تیراندازی، بیش از ۹۰ نفر از معترضان کشته شدند و سازمان عفو بین‌الملل این واقعه را مرگبارترین کشتار از زمان آغاز اعتراضات مردمی پس از کشته شدن مهسا امینی خواند. مردم از این روز به عنوان «جمعه خونین زاهدان» یاد می‌کنند. امسال نیز در سالگرد این اعتراضات، سرکوب دیگری از سوی جمهوری اسلامی در زاهدان و چند شهر دیگر استان سیستان و بلوچستان از جمله خاش و چابهار رقم خورد. گزارش‌هایی که منابع محلی در روز جمعه هفتم مهرماه منتشر می‌کردند بیانگر برقراری جوّی شبیه حکومت نظامی در سطح شهر بود. شمار زیادی از مأموران امنیتی و ضدشورش

خبرگزاری «هرانا» گزارش داده که مهدی خدشناس ۲۴ ساله از کارکنان مسجد مکی و ساکن زاهدان روز گذشته، یکشنبه نهم مهرماه، توسط نیروهای اداره اطلاعات و بدون ارائه حکم قضایی بازداشت شد. همچنین رسانه‌های حکومتی و نهادهای امنیتی با انتشار خبرهایی درباره کشف و ضبط ادواتی متعلق به سرویس‌های جاسوسی و خرابکاران، تلاش دارند جوّ امنیتی حاکم بر سیستان و بلوچستان و سرکوب شهروندان را توجیه کنند. در همین رابطه خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گزارش داده که تجهیزات ارتباطی و استارلینک یک سرویس جاسوسی که قرار بود در زاهدان در اختیار برخی عوامل این سرویس قرار بگیرد، توسط دستگاه امنیتی ضبط شد و ۵ نفر در این رابطه بازداشت شدند. در این گزارش با ادعای اینکه «این تجهیزات مربوط به سرویس جاسوسی «NSA» ایالات متحده آمریکا است» آمده که «سرویس مذکور چند روز پیش از هشتم مهرماه، اقدام به ارسال تجهیزات ارتباطی و استارلینک، برای یک جریان خاص در زاهدان کرده بود اما این محموله مهم ارتباطی توسط دستگاه‌های امنیتی کشور، کشف و ۵ نفر از عوامل موثر دریافت کننده و بهره‌بردار این تجهیزات در زاهدان بازداشت شدند.» خبرگزاری «فارس» در گزارش دیگری با عنوان «شکست پروژه ضدامنیتی موسوم به «جمعه خونین» در زاهدان» به نقل از یک منبع آگاه نوشته در این «پروژه ضدامنیتی» قرار بوده که «در روزهای گذشته ترور چند مولوی مطرح اهل سنت به صورت زنجیره‌ای اتفاق افتاده و شهر زاهدان و برخی دیگر از مناطق سیستان و بلوچستان در آستانه حادثه هشت

روایت‌های باورناپذیر جمهوری اسلامی از وضعیت آرمیتا گراوند اینهمه اقدامات و محدودیت‌های امنیتی برای چیست؟!



● خبرگزاری‌های حکومت در گفتگو با خانواده و دوستان آرمیتا گراوند تلاش می‌کنند موضوع را یک حادثه قلمداد کرده و به وضعیت سلامتی آرمیتا گراوند نسبت دهند بدون آنکه بتوانند توضیح دهند پس اینهمه اقدامات امنیتی و محدودیت خانواده و کادر درمان در بیمارستان برای چیست!

● یک منبع مطلع از این بیمارستان با اعلام این مطلب به کیهان لندن می‌گوید: «هیچکس حق ندارد با خود به داخل بخش ای‌سی‌یو بیمارستان فجر تلفن همراه برد و تنها کادر درمان اجازه دارند با نظارت نیروهای امنیتی آرمیتا گراوند را ببینند. همان روز اول که آرمیتا به بیمارستان فجر منتقل و جو بیمارستان به شدت امنیتی شد همه کارکنان بیمارستان که در تلفن همراه خود اپ توئیتر داشتند این اپ را از روی تلفن خود حذف کردند چون نیروهای امنیتی بیش از بقیه اپ‌ها بر روی توئیتر حساس هستند، البته نت بیمارستان و اطراف آن کاملاً قطع است. پس از بستری شدن آرمیتا در این بیمارستان، در خیابان‌های منتهی به بیمارستان فجر، بلافاصله نیروهای امنیتی مستقر شدند.»

«بیمارستان فجر پر از لباس شخصی است، هیچکس از کارکنان بیمارستان اجازه ندارند بدون هماهنگی به بخش ای‌سی‌یو بیمارستان بروند، پزشک و پرستار با حضور نیروهای امنیتی به بیماران این بخش سر می‌زنند، به کارکنان بیمارستان اعلام کردند هر مورد مشکوکی را باید به ما اطلاع دهید چون موضوع امنیت ملی است! در اتاق مانیتورینگ حراست بیمارستان هم نیروهای ۲۴ ساعته مستقر هستند.»

در نبود رسانه‌های آزاد برای اطلاع‌رسانی و فقدان شفافیت مسئولان و رسانه‌های دولتی درباره وضعیت آرمیتا گراوند دانش‌آموز ۱۶ ساله‌ای که ۹ مهرماه پس از بیهوشی در واگن مترو در تهران به بیمارستان «فجر» متعلق به ارتش جمهوری اسلامی واقع در خیابان «پیروزی» (فرح‌آباد) منتقل شد، یک منبع مطلع از این بیمارستان با اعلام این مطلب به کیهان لندن می‌گوید: «هیچکس حق ندارد با خود به داخل بخش ای‌سی‌یو بیمارستان فجر تلفن همراه برد و تنها کادر درمان اجازه دارند با نظارت نیروهای امنیتی آرمیتا گراوند را ببینند. همان روز اول که آرمیتا به بیمارستان فجر منتقل و جو بیمارستان به شدت امنیتی شد همه کارکنان بیمارستان که در تلفن همراه خود اپ توئیتر داشتند این اپ را از روی تلفن خود حذف کردند چون نیروهای امنیتی بیش از بقیه اپ‌ها بر روی توئیتر حساس هستند، البته نت بیمارستان و اطراف آن کاملاً قطع است. پس از بستری شدن آرمیتا در این بیمارستان، در خیابان‌های منتهی به بیمارستان فجر، بلافاصله نیروهای امنیتی مستقر شدند.»

این شهروند مطلع اضافه می‌کند: «از سه شب پیش خط‌ها خیلی مشکل داشت. از دیشب وای‌فای خانگی مبین‌نت کار نمی‌کند و به زور با نت بسته‌ای راه می‌رود. سرعت خیلی پایین است.»

همچنین از تهران و شهرهای اطراف پایتخت خبر می‌رسد که در این سه روز اینترنت با اختلال شدید روبروست و با بطور متناوب قطع می‌شود. یکی از شهروندان به کیهان لندن می‌گوید: «هروقت اینترنت چنین وضعیتی دارد یعنی جمهوری اسلامی دارد یک غلطی می‌کند!»

سازمان حقوق بشری «هنگاو» نیز در همین ارتباط پیش در شبکه ایکس نوشت که مطلع شده نیروهای حراست آموزش و پرورش به همراه تعدادی از مأموران امنیتی در هنرستان محل تحصیل آرمیتا حاضر شدند و با تهدید از دوستان او خواسته‌اند هیچ اطلاعاتی از او به اشتراک نگذارند و در صورت اشتراک هر اطلاعات و یا عکسی با آنها به شدت برخورد خواهد شد!

همچنین روز گذشته چهارشنبه ۱۲ مهرماه شبکه «ایران اینترنشنال» در گزارش اختصاصی خود از بازداشت ۵ ساعته دوستان آرمیتا که در مترو همراه او بوده‌اند خبر داد و نوشت پدر و مادر آرمیتا تنها چند بار از پشت شیشه‌ها او را دیده‌اند.

با وجود این، خبرگزاری‌های حکومت در گفتگو با خانواده و دوستان آرمیتا گراوند تلاش می‌کنند موضوع را یک حادثه قلمداد کرده و به وضعیت سلامتی آرمیتا گراوند نسبت دهند بدون آنکه بتوانند توضیح دهند پس اینهمه اقدامات امنیتی و محدودیت خانواده و کادر درمان در بیمارستان برای چیست!

در همین ارتباط «ایرنا» خبرگزاری جمهوری اسلامی دیروز فیلم جدیدی پر از نقص و سانسور نه از داخل بلکه از بیرون واگن مترو منتشر کرد.

با اینهمه در حالی که کاربران بسیاری در شبکه‌های اجتماعی با استناد به تصاویر منتشر شده از سر و صورت آرمیتا گراوند در بیمارستان تأکید می‌کنند که وی بر اثر ضربه به سر به کما رفته است، خبرگزاری فارس امروز پنجشنبه ۱۳ مهر با این ادعا که برخلاف حوادث مشابه سال‌های گذشته این بار مترو بلافاصله فیلم‌های مربوط به حادثه را منتشر کرد به نقل از مسعود درستی مدیرعامل مترو ادعا کرد: «فیلم‌های مدار بسته ادعای درگیری عوامل مترو با این دختر را رد می‌کند و هیچگونه درگیری لفظی و فیزیکی بین مسافران با آنها یا عوامل مترو در دوربین‌ها ثبت نشده است.»

وبسایت «همشهری» ارگان مطبوعاتی شهرداری تهران نیز ادعا کرده است: «اگر سوار مترو شده باشید و مسافر هرروزه این ناوگان باشید شاهد هستید که مأموران انتظامی در مترو بدون درگیری لفظی و برخورد فیزیکی با هنجارشکنان، فقط صرف بیان یک جمله تذکر رعایت حجاب می‌دهند.»

این وبسایت به نقل از مدیرعامل شرکت بهره‌برداری مترو تهران و حومه بدون نشان دادن مدرک و سندی از داخل واگن مترو ادعا کرده است: «با بررسی فیلم‌ها مشخص شد از زمان ورود این خانم به ایستگاه هیچگونه برخورد لفظی و فیزیکی بین این دانش‌آموز و کارکنان مترو رخ نداده و به هیچ عنوان چنین چیزی ثبت و ضبط نشده است.»

روز چهارشنبه ۱۲ مهرماه نیز باشگاه خبرنگاران «جوان» نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با دو دختر به نام فاطمه و مهلا که آنها را دوست و همکلاسی آرمیتا گراوند معرفی کرده گفتگویی انجام داد که آنها نیز روایت‌های جمهوری اسلامی را تأیید می‌کنند.

باشگاه خبرنگاران «جوان» به نقل از این دو نفر نوشته است: «هیچکس به ما تذکر نداد و کسی هم آرمیتا را هل نداد.» فاطمه یکی از این دو نفر می‌گوید: «ابتدا مهلا وارد واگن شد، بعد آرمیتا و در آخر هم من وارد قطار شدم ولی «آرمیتا» در کمتر از یک ثانیه و به ناگاه با پشت به زمین افتاد و سرش با زمین (حاشیه سکو) برخورد کرد. وقتی آرمیتا را بلند کردم دیدم دستم خونی شده و متوجه شدم که سر وی زخم برداشته که در نهایت با کمک مأموران، آرمیتا را به خارج قطار و کنار سکو انتقال داده و برای نجات وی تلاش کردیم.» همچنین در ادامه این گفتگو به نقل از «مهلا» آمده: «برای اینکه به قطار برسیم با سرعت حرکت کرده و داخل واگن شدیم، اول من و بعد هم آرمیتا و سپس فاطمه وارد مترو شدیم، ولی در کمتر از یک ثانیه «آرمیتا» با پشت سر به زمین خورد. فاطمه دست‌های آرمیتا و من پاهای او را گرفتیم و با کمک چند نفر او را به بیرون واگن قطار و حاشیه سکو منتقل کردیم. انگار آرمیتا مرده بود، اما

در همین حال، سازمان حقوق بشری ههنگاو اعلام کرده است که «نیروهای حراست آموزش و پرورش با همراهی تیمی از مأموران سرکوب جمهوری اسلامی در هنرستان عروه الوثقی حضور یافتند و دوستان آرمیتا گراوند را تهدید» کردند که هیچگونه اطلاع‌رسانی درباره او نداشته باشند و اگر عکسی از او به اشتراک بگذارند، به شدت با آنها برخورد خواهد شد.»

از سوی دیگر انتشار اخبار مربوط به آرمیتا گراوند واکنش‌های شخصیت‌های مختلف سیاسی ایرانی و خارجی را در پی داشته و در رسانه‌های بین‌المللی بطور گسترده بازتاب یافته است.

شاهزاده رضا پهلوی با انتشار تصاویر مهسا امینی و آرمیتا گراوند در رسانه‌های اجتماعی خود نوشت: «در حالی که ملت ایران همچنان داغدار و دادخواه قتل مهسا امینی است، خبر به کما رفتن آرمیتا گراوند به دست اوباش حجاب‌بان جمهوری اسلامی تایید دگرباره‌ای‌ست بر اینکه با وجود این رژیم ضدایرانی، جان فرزندان ایران هر روز و هر لحظه در خطر است.»

وی تأکید کرده است: «جمهوری اسلامی اینبار نیز چون قتل مهسا مشغول دروغ‌پراکنی و پنهان‌کاری‌ست. یک سال پیش، روزنامه‌نگارانی شجاع با پیگیری و گزارش، و مردمی دلیر با گردآمدن جلوی بیمارستان کسرا مانع از سرپوش گذاشتن جمهوری اسلامی بر آن جنایت شدند. اکنون نیز

هم شده‌اند. در همین ارتباط یک منبع آگاه از بیمارستان «فجر» به «رادیو فردا» گفته است که آرمیتا دچار خونریزی داخلی مغز و خونریزی در جمجمه شده و دلیل افت فشار و بیهوشی همین مسئله است. بر اساس این گزارش، آرمیتا گراوند در این بیمارستان همچنان در کما بسر می‌برد. در این گزارش و از سوی فرد مربوطه هیچ توضیحی داده نشده که خود «خونریزی داخلی مغز» یک نوجوان ۱۶ ساله به چه دلیل بوده است!

این منبع پیشتر به نقل از شاهدان عینی که با آرمیتا به بیمارستان رفته بودند، به «رادیو فردا» گفته بود که هنگام ورود سه دختر دانش‌آموز به ایستگاه مترو، چند مأمور به آنها که حجاب اجباری بر سر نداشتند تذکر دادند و پس از درگیری لفظی، یکی از مأموران، آرمیتا گراوند را هل داد. به گفته این منبع، طبقه اول بیمارستان «فجر» نیروی هوایی که آی‌سی‌یو این بیمارستان نیز در همین طبقه قرار دارد، در کنترل نیروهای امنیتی است.

این خبرها و گزارش‌ها در حالی منتشر می‌شود که مسئولان دولتی و امنیتی همچنان از تهیه گزارش توسط خبرنگاران در محل و با دسترسی به افراد خانواده و کادر درمان جلوگیری می‌کنند. مریم لطفی خبرنگار روزنامه «شرق» نیز که برای تهیه گزارش در این زمینه به بیمارستان رفته بود، برای چند ساعت بازداشت شده بود.

با تلاش مأموران مترو و یک خانم که فکر کنم پرستار بود، آرمیتا دوباره زنده (احیا) و با آمبولانس به بیمارستان انتقال داده شد.»

شهین احمدی مادر آرمیتا گراوند نیز به ایرنا گفته است: «دخترم با دوستانش برای رفتن به مدرسه در مترو شهدا قرار گذاشته بود که پس از ورود به ایستگاه قطار، هنگام سوار شدن می‌دانم، فکر کنم، گفتند فشارش افتاده است و پس از بهم خوردن تعادلش سرش با لبه واگن قطار برخورد کرده است.»

خبرگزاری حکومتی ایسنا وابسته به جهاد دانشگاهی نیز به کما رفتن این دختر نوجوان بر اثر درگیری مأموران حجاب‌بان در مترو تهران را «سوزه جدید» رسانه‌های فارسی‌زبان در خارج عنوان و ادعا کرده است که آنها «سعی دارند پروژه مهسای ۲ را کلید بزنند!»

در حالی که خبرگزاری‌های دولتی در ایران سعی دارند حادثه پیش آمده برای آرمیتا گراوندی را با روایت‌های امنیتی منطبق ساخته و ادعا می‌کنند که حال وی بهتر شده، روزنامه «فراز» در گفتگو با پدر آرمیتا به نقل از وی نوشت که «چند روزی است از آرمیتا خبر ندارد». اگرچه سردبیر روزنامه «فراز» به فاصله کوتاهی، در صفحه ایکس خود بدون اینکه بگوید کجای این گفتگو اشتباه بوده است با اشاره به اینکه «اشتباهی بزرگ رخ داد و منجر به اطلاع‌رسانی غلط شد» این خبر را تکذیب و حذف کرد.

کیمهان
KAYHAN LONDON

تلاش جمهوری اسلامی برای پنهان کردن حقیقت: از بازداشت دوستان آرمیتا تا هشدار و تهدید همکلاسی‌ها و استقرار چشمگیر امنیتی‌ها در بیمارستان و اختلال و قطع اینترنت

کیمهان
KAYHAN LONDON

واکنش وزیر خارجه آلمان به وضعیت آرمیتا گراوند: تحمل‌ناپذیر است!

چهارشنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۲

باید به این رژیم اجازه لاپوشانی خشونت و جنایت را داد. آرمیتا چون مهسا دختر ایران است. برای او آرزوی بازیابی سلامت را دارم. وظیفه همه ماست که در این موقعیت دشوار از خانواده‌اش حمایت کنیم.»

آنالنا بربوک وزیر خارجه آلمان از حزب سبزها که یکی از سه حزب دولت ائتلافی این کشور است در ایکس نوشته: «باز هم یک زن جوان در ایران با مرگ دست و پنجه نرم می‌کند فقط به این دلیل که در مترو موهایش دیده می‌شد. این وضع تحمل‌ناپذیر است. والدین آرمیتا گراوند نباید به جلوی دوربین کشانده می‌شدند بلکه حق آنهاست که در بیمارستان کنار دخترشان باشند.»

سازمان حقوق بشری «ههنگاو» سه‌شنبه ۱۱ مهرماه گزارش داده بود که «وضعیت هوشیاری آرمیتا هیچ تغییری نکرده است.»

همچنین وبسایت «دیده‌بان ایران» روز چهارشنبه اعلام کرد که با هنرستان «عروه الوثقی» محل تحصیل آرمیتا گراوند تماس گرفته، اما آنها مایل به ارائه توضیحات درباره آرمیتا نبودند و گفته‌اند «خانواده این دانش‌آموز دچار حاشیه خواهد شد.»

بنا بر این گزارش، معاونت آموزشی محل تحصیل آرمیتا گراوند فقط عنوان کرده که «به ما گفته‌اند آرمیتا گراوندی دچار ایست قلبی شده» است.

پدر آرمیتا گراوند به این روزنامه آنلاین گفته بود: «حقیقتاً من اطلاع چندانی از وضعیت آرمیتا ندارم. در بیمارستان نیستم. سر کارم. چند روزی است که از آرمیتا خبری ندارم.» وی در پاسخ به خبرنگار «فراز» که وضعیت آرمیتا در حال حاضر چطور است، گفته بود: «من در جریان نیستم. تا جایی که خبر دارم در کما هست. فقط همین را می‌دانم.» برخی منابع خبر داده‌اند که پدر آرمیتا کارگر ساختمانی است و یک دختر بزرگتر نیز دارد. خواهر بزرگتر آرمیتا هنوز اجازه دیدار با او در بیمارستان را پیدا نکرده است. همچنین روز چهارشنبه علاوه بر جلوگیری از ملاقات خانواده گراوند، مانع ملاقات بعضی مراجعان بیماران دیگر

تلاش‌های مجدد ژاپن برای میانجیگری بین مالاها و آمریکا توصیه اصلاح‌طلبان به نظام: «مذاکرات پشت پرده»

اعتراض می‌زدند. به نظر می‌رسد خیال دولت رئیسی از این نظر راحت است زیرا آنهایی که این روزها به شدت درگیر مذاکره و زد و بند با آمریکا هستند در جبهه خودی‌های نظام قرار دارند.

منابع دولتی اسم مذاکره غیرمستقیم میان جمهوری اسلامی و آمریکا را «دیپلماسی شاتل» گذاشته‌اند.

خبرگزاری دولتی «ایرنا» می‌نویسد بعد از میانجیگری عمان و قطر اکنون ژاپنی‌ها آفتابی شدند.

در آن دوران مخالفان جمهوری اسلامی با انتقاد از دولت ژاپن قویاً تأکید می‌کردند هرگونه مذاکره با جمهوری اسلامی ناپایده گرفتت سرکوب مردم ایران و تقویت‌کننده تروریسم در منطقه است. در همان دوران بود که «شورای مدیریت گذار» در نامه‌ای به شینزو آبه رئیس دولت وقت ژاپن ضمن قدردانی از «تلاش‌های ارزنده» وی برای کاهش تنش میان جمهوری اسلامی و آمریکا اعلام کرد نگرانیم که نقض حقوق بشر در ایران در گفتگوهای شما مورد توجه قرار نگیرد.

خلاء لایبگرن

برای لایبگرن و دلالت‌های سیاسی وابسته به رژیم ایران در اروپا و آمریکا هرگونه تلاش برای تقویت روابط میان مالاها و کاخ سفید فایده داشت اما اکنون دست‌کم یکی از شبکه‌های اصلی آنها که با هدایت تیم محمدجواد ظریف برای نفوذ و اثرگذاری در تصمیم‌سازی‌های سیاستمداران آمریکایی نقش اساسی داشتند افشا شده است. مشخص نیست آیا رژیم برای پُر کردن خلاء آنها مَه‌های جایگزین دارد یا نه.

تلاش‌های حکومت برای معاملات پشت پرده با آمریکایی‌ها با حمایت شد جریان اصلاح‌طلب همراه است.

در همین ارتباط روزنامه اصلاح‌طلب «هم‌میهن» در گزارشی با عنوان «پروژه حذف میانجی» که دهم مهرماه منتشر شد با تأیید تلویحی مزایای «دیپلماسی پنهان» نوشت مؤسسه «سمافور» و شبکه «ایران اینترنشنال» برای «بی‌اعتبارسازی» افرادی تلاش کردند که برای تنش‌زدایی در روابط ایران و آمریکا فعالیت می‌کردند.

توجه اخاذی

در این میان، اردوان امیراصلانی از موافقان مذاکره مالاها با آمریکا در سرمقاله روز دوشنبه روزنامه «شرق» به تشریح مزایای توافق نفتی جمهوری اسلامی و آمریکا پرداخته است. وی بدون اشاره به اینکه شش میلیارد دلار پول آزاد شده ایران نتیجه اخاذی از دولت بایدن با گروگانگیری شهروندان دوتابعیتی بوده تأکید کرده باید «کانال‌های غیررسمی مذاکرات باز بماند».

وی با برجسته کردن مواضع جریان اصلاح‌طلب در ضرورت «احیای برجام» تأکید کرده ایران رسماً تمایل خود را برای ادامه گفتگوها اعلام کرده است.

همان افرادی که در «دولت تدبیر و امید» نقاب مخالفت با مذاکره و «برجام» را به صورت داشتند، اکنون مذاکرات محرمانه با آمریکایی‌ها را به عنوان «دیپلماسی عزم‌مندان» قلمداد می‌کنند. از حزب‌اللهی‌ها و «امّت همیشه در صحنه» هم خبری نیست: آنها قرار بود بعد از «حاج قاسم» دهان کسی را که حرف از مذاکره بزند خُرد کنند!



تشییع جنازه قاسم سلیمانی دی‌ماه ۱۳۹۹ تهران

«تفاوت تیم مذاکره‌کننده رئیسی و روحانی در تاکتیک است، اما در اصول تفاوتی ندارند و هر دو اینها منافع نظام و کشور را مد نظر داشته‌اند».

در عین حال حیدری گفت که تا کنون «مذاکره‌ای شکل نگرفته و تا زمانی که رویکرد آمریکا تحریم، برخورد و به تعبیر خود منزوی کردن جمهوری اسلامی ایران باشد، لزومی برای برقراری ارتباط مستقیم وجود ندارد و هیچ‌گونه ارزشی هم ندارد که با آمریکا وارد مذاکره مستقیم شویم».

«ابتکار عمل ژاپن»

حسین امیرعبداللّه‌یان وزیر خارجه جمهوری اسلامی در یک مصاحبه که در نیویورک صورت گرفت از «ابتکار عمل ژاپن» برای شروع دوباره مذاکرات هسته‌ای خبر داده و گفته بود که تهران هرگونه پیشنهاد تویکو را که با منافع ایران هم‌راستا باشد، مثبت تلقی می‌کند.

دولت ژاپن پیش از این وقتی شینزو آبه نخست‌وزیر بود تلاش‌هایی را با چراغ سبز آمریکا برای میانجیگری آغاز کرد. وی خرداد ۱۳۹۸ به تهران آمد و با علی خامنه‌ای دیدار کرد اما خامنه‌ای گفت «هیچ اعتمادی به آمریکا نداریم» و مذاکره را نپذیرفت.

همان روز که شینزو آبه با رهبر جمهوری اسلامی گفتگو می‌کرد دو نفتکش در دریای عمان هدف قرار داده شد. یکی از آنها ژاپنی بود و دیگری حامل محموله‌ای برای ژاپن! سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مسیر این دو کشتی مین‌پاشی کرده بود.

در دولت حسن روحانی که از سوی رهبر نظام و بالاترین رده‌های رژیم مجوز مذاکره میان مقامات جمهوری اسلامی و نمایندگان دولت باراک اوباما صادر شده بود هربار که بحث مذاکرات پشت پرده علنی می‌شد یا حتی زمزمه‌هایی از آن در محافل خبری می‌پیچید حزب‌اللهی‌ها به سازماندهی سپاهی‌ها و نماینده‌های مجلس به عنوان مخالفان مذاکره دست به

● شهریار حیدری عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی می‌گوید با توجه به اعلام آمادگی ژاپن، ممکن است مذاکرات بین جمهوری اسلامی و دولت بایدن در کشور ثالث از سرگرفته شود. «خبرگزاری دولتی «ایرنا» در همین ارتباط می‌نویسد بعد از میانجیگری عمان و قطر اکنون ژاپنی‌ها آفتابی شدند».

● تلاش‌های حکومت برای معاملات پشت پرده با آمریکایی‌ها با حمایت شدید جریان اصلاح‌طلب همراه است. ● روزنامه اصلاح‌طلب «هم‌میهن» در گزارشی با عنوان «پروژه حذف میانجی» که دهم مهرماه منتشر شد با تأیید تلویحی مزایای «دیپلماسی پنهان» نوشت مؤسسه «سمافور» و شبکه «ایران اینترنشنال» برای «بی‌اعتبارسازی» افرادی تلاش کردند که برای تنش‌زدایی در روابط ایران و آمریکا فعالیت می‌کردند.

● اردوان امیراصلانی از موافقان مذاکره مالاها با آمریکا در سرمقاله روز دوشنبه روزنامه «شرق» به تشریح مزایای توافق نفتی جمهوری اسلامی و آمریکا پرداخته است. وی بدون اشاره به اینکه شش میلیارد دلار پول آزاد شده ایران نتیجه اخاذی از دولت بایدن با گروگانگیری شهروندان دوتابعیتی بوده تأکید کرده باید «کانال‌های غیررسمی مذاکرات باز بماند».

● مذاکرات محرمانه با آمریکایی‌ها در جریان است و از حزب‌اللهی‌ها و «امّت همیشه در صحنه» هم خبری نیست: آنها قرار بود بعد از «حاج قاسم» دهان کسی را که حرف از مذاکره بزند خُرد کنند!

تیم حسین امیرعبداللّه‌یان وزیر خارجه جمهوری اسلامی با تأیید حکومت در حال مذاکره از کانال‌های مختلف با آمریکا است. علی باقری کنی دستیار وزیر خارجه در توجیه مذاکرات محرمانه با نمایندگان دولت بایدن می‌گوید «کسانی که مذاکره را ضد ارزش جلوه می‌دهند، دست نظام را تهی می‌کنند».

هرچند مقام‌های ارشد آمریکا ادعا می‌کنند خبری از مذاکره برای «احیای برجام» نیست اما پشت پرده با تمام ظرفیت درگیر پیشبرد آن هستند.

با اینهمه برخی کارشناسان معتقدند دولت بایدن در شرایطی نیست که قبل از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۲۴ بخواهد برای «توافق» یا «تفاهم» با جمهوری اسلامی اقدام عملی کند اما مبادله گروگان‌ها در ازای شش میلیارد دلار باج نشان داد زد و بندها پشت صحنه تا چه اندازه گسترده است.

شهریار حیدری نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی، از احتمال آغاز دور دیگری از مذاکرات میان جمهوری اسلامی و آمریکا به میزبانی ژاپن خبر داد و گفت که این مذاکرات مستقیم نخواهد بود.

وی نهم مهرماه در یک مصاحبه توضیح داد «به تازگی و خصوصاً در چند ماه گذشته، پیام‌هایی از سمت کشورهای غربی و اخیراً هم آمریکا اعلام شده است. به نظر سازوکار نشست برجام تا حدودی دارد فراهم می‌شود و در آینده، با توجه به اعلام آمادگی ژاپن، ممکن است در کشور ثالثی مذاکرات از سرگرفته شود».

حیدری همان فردی است که شهریور ۱۴۰۲ گفته بود

پذیرش لوایح FATF توسط جمهوری اسلامی؟

همکاری شانگهای را راهگشای تجارت با چین عنوان کرده اما این موضوع نیز نتوانست چین را به حضور در این پروژه و دیگر پروژه‌های سرمایه‌گذاری در ایران ترقیب کند.

در همین رابطه حمید حسینی رئیس اتحادیه صادرکنندگان نفت و گاز و پتروشیمی نیمه امرداد امسال توضیح داده بود که «پیمان شانگهای صراحتاً یک بندی دارد که ایران را ملزم کرده که در زمینه هسته‌ای همکاری و بحث FATF را حل کند. همچنین گفته شده است که همه کشورهای عضو باید روابط بانکی بدون مشکل داشته باشند. بالاخره ما یک تعهدی داده‌ایم و سوال هم این است که چگونه بدون اینکه برخی از تعهدات را انجام دهیم، عضویت ایران را پذیرفته‌اند؟ به هر حال ایران تعهداتی داده و بدون اینکه تحریم‌ها و FATF حل شود فعلاً عضویت ایران را پذیرفته‌اند ولی حتی شرکت‌های دولتی روسیه هم علی‌رغم مذاکرات و قراردادهای و وعده‌هایی که داده‌اند، در ایران فعال نشده‌اند.»

گروه ویژه اقدام مالی (FATF) آخرین بار در تیرماه امسال حضور ایران را به همراه میانمار و کره شمالی در فهرست سیاه خود تمدید کرد. پیش از آنکه در فوریه ۲۰۲۰ گروه ویژه اقدام مالی برای نخستین بار ایران را در فهرست سیاه اف‌ای‌تی‌اف قرار دهد، چهار سال به جمهوری اسلامی برای تصویب لوایح مرتبط با پولشویی هشدار و زمان داده بود. در ایران اما مقامات جمهوری اسلامی به شدت با تصویب دو لایحه مرتبط با معاهده پالمو و معاهده مبارزه با تامین مالی تروریسم مخالفت کرده و بخشی از نیروها و هواداران حکومت بارها تجمعاتی علیه تصویب این لوایح برگزار کردند.

جمهوری اسلامی از سال‌ها پیش لوایح مربوط به تصویب پیوسته به معاهده پالمو و معاهده مبارزه با تامین مالی تروریسم را معلق نگه داشته است. «پالمو» معاهده سازمان ملل متحد علیه «جرائم سازمانیافته فراملی» است که در سال ۲۰۰۱ میلادی تصویب و از سال ۲۰۰۳ برای کشورهای عضو سازمان ملل لازم‌الاجرا شده است. معاهده مقابله با تامین مالی تروریسم (CFT) نیز یک قرارداد بین‌المللی است که در سال ۱۹۹۹ توسط سازمان ملل متحد به تصویب رسیده است. گروه ویژه اقدام مالی (اف‌ای‌تی‌اف) که دارای ۳۷ عضو است یکی از سازمان‌های جهانی محسوب می‌شود که بطور منظم کشورهای در معرض اقدام به پولشویی و تامین مالی تروریسم ارزیابی می‌کند. قرار گرفتن نام ایران در فهرست سیاه اف‌ای‌تی‌اف در حالی وارد چهارمین سال شد که تا کنون مقامات جمهوری اسلامی نسبت به تصویب لوایح مربوطه موافقتی نشان نداده بودند.

هرچند مقامات جمهوری اسلامی تلاش دارند قراردادی ایران در فهرست سیاه اف‌ای‌تی‌اف را بی‌اهمیت جلوه دهند اما این موضوع سدی جدی در برابر تجارت خارجی ایران، چه از سوی بخش دولتی و چه از سوی بخش خصوصی، است.

وزیران اقتصاد و دارایی و رؤسای بانک‌های مرکزی گروه هفت در بیانیه‌ی خود، ضمن انتقاد شدید از کره شمالی و روسیه در کنار جمهوری اسلامی، بر «تقویت جایگاه گروه ویژه اقدام مالی (FATF) و نهادهای مشابه» تأکید کرده و این نهادها را ضامن یکپارچگی و سلامت نظام مالی جهان خوانده‌اند. در بیانیه‌ای که به امضای مقامات کشورهای آمریکا، بریتانیا، آلمان، فرانسه، ژاپن، ایتالیا و کانادا رسید تأکید شده بود که این گروه «به مقابله با تلاش‌ها برای دور زدن یا تضعیف تحریم‌های وضع‌شده، پایبند می‌ماند.»



کارشناسان معتقدند حتی اگر تحریم‌های اقتصادی کامل برداشته شود اما باز هم بخش دولتی و خصوصی به دلیل موانع ایجاد شده با قرار داشتن ایران در فهرست سیاه اف‌ای‌تی‌اف امکان تبادلات مالی و بانکی آزادانه‌ی بین‌المللی را نخواهد داشت و در نتیجه تجارت خارجی همچنان در بن‌بست باقی خواهد ماند.

در همین رابطه علی قنبری اقتصاددان امروز دوشنبه ۱۰ مهرماه ۱۴۰۲ در یادداشتی در روزنامه «آرمان ملی» با اشاره به وضعیت هشدارآمیز تورم و افزایش نقدینگی در نیمه دوم سال، نوشته که هر چند تحریم ضربه بزرگی به اقتصاد کشور وارد کرده اما «دولت در یک خودتحریمی دیگر هم بسر می‌برد و آن اینکه با وجود اینکه می‌توانست با مذاکره با نهادهای مربوط، اف‌ای‌تی‌اف را اجرایی کند اما تلاش چندانی برای به اجرا درآوردن FATF انجام نداده است.»

این اقتصاددان تأکید کرده که هزینه نپذیرفتن لوایح اف‌ای‌تی‌اف و هزینه عدم عضویت در این کارگروه اگر بیشتر از تحریم نباشد، کمتر هم نیست «چرا که زمانی ایران وارد لیست سیاه این نهاد می‌شود در آن معناست که اگر بانک‌ها و تجار خارجی بخواهند با ایران مرابده مالی داشته باشند عملاً باید ریسک آن را بپذیرند. در این حالت علاقه‌ای به تجارت با دولت و حتی تجار ایرانی نخواهند داشت.»

علی قنبری در ادامه نوشته که «به نظر می‌رسد دولت بعد از دو سال و اندی این مهم را پذیرفته است که باید تحولی در مسیر خود ایجاد کند. چرا که محدودیت‌هایی که در تجارت بین‌المللی برای اقتصاد ایران به وجود آمده مشکل‌زاست از این رو دولت وارد روند جدیدی شده تا روش دیگر و شاید بهتری را برای عبور از این شرایط ایجاد کند.»

یکی از زیان‌های اقتصادی قرار داشتن ایران در فهرست سیاه اف‌ای‌تی‌اف که به تازگی از سوی رئیس اتحادیه صادرکنندگان نفت و گاز و پتروشیمی مطرح شده، خروج چین از پروژه طرح توسعه میدان نفتی «یادآوران»، از میادین نفتی مشترک ایران و عراق، است. منابع وابسته به وزارت نفت ایران اسفندماه سال ۱۴۰۱ خبر دادند که شرکت چینی «سینوپک» بطور غیررسمی از سرمایه‌گذاری در یادآوران کناره‌گیری کرده و شرکت نفت تصمیم گرفته خودش توسعه این میدان را ادامه دهد. در حالیکه دولت رئیسی پیوسته ایران به سازمان

رئیس اتاق بازرگانی بدون ذکر هیچ جزئیاتی اعلام کرده که اخبار غیررسمی درباره پذیرفته شدن اف‌ای‌تی‌اف (FATF) شنیده‌ایم. امکان جدی‌تر شدن مذاکرات هم وجود دارد. قرار داشتن ایران در فهرست سیاه اف‌ای‌تی‌اف همواره از سوی کارشناسان و فعالان اقتصادی مانعی در حد تحریم‌ها و حتی بزرگتر بر سر تجارت ایران ارزیابی شده است.

علی قنبری اقتصاددان معتقد است دولت در یک خودتحریمی بسر می‌برد و با وجود اینکه می‌توانست با مذاکره با نهادهای مربوط، اف‌ای‌تی‌اف را اجرایی کند اما تلاش چندانی در اینباره انجام نداده است.

رئیس اتاق بازرگانی ایران از شنیده شدن اخبار غیررسمی درباره پذیرفته شدن اف‌ای‌تی‌اف و امکان جدی‌تر شدن مذاکرات جمهوری اسلامی با غرب خبر داده است. پیش از این کارشناسان تأکید داشتند مذاکره هسته‌ای و رفع تحریم‌ها بدون خروج ایران از فهرست سیاه اف‌ای‌تی‌اف، برای اقتصاد کشور راهگشا نیست.

حسین سلاح‌ورزی رئیس اتاق بازرگانی در نشست هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی در مشهد اعلام کرده که اخبار غیررسمی درباره پذیرفته شدن اف‌ای‌تی‌اف (FATF) شنیده‌ایم. امکان جدی‌تر شدن مذاکرات هم وجود دارد.

حسین سلاح‌ورزی جزئیات بیشتری از این دو خبر ارائه نکرده اما همزمان گفته که «با وجود انتشار برخی خبرهای خوش مبنی بر ایجاد گشایش‌های دیپلماتیک، سیاست‌گذاران در برخی حوزه‌ها با جدیت سعی می‌کنند تا محدودیت‌های داخلی بیشتری بر سر راه فعالان اقتصادی ایجاد کنند.»

رئیس اتاق بازرگانی با اشاره به اینکه جهش نرخ ارز و تورم‌های بالا، هزینه‌های تولید را به شدت بالا برده و قدرت رقابت‌پذیری تولید کمتر شده، گفته که «در چنین شرایطی، در صورت اصرار بر تداوم پیمان‌سپاری ارزی، قطعاً صادرات کاهش خواهد یافت.»

در شرایطی که تورم کشور همچنان فزاینده است و مقامات دولت در ادعایی غیرواقعی معتقدند تورم مهار شده و کاهش یافته، رئیس اتاق بازرگانی ایران تأکید کرده که «راه‌حل کاهش رشد تورم را از طریق خاموش کردن موتورهای ایجاد نقدینگی همچون بدهی‌های بانکی و چاپ پول و همینطور کاهش هزینه‌های تبادل از طریق بهبود روابط بین‌الملل و رفع محدودیت‌ها است.»

رئیس اتاق بازرگانی افزوده که «در هفته‌های اخیر شاهد مخالفت‌هایی با نهادهای بازارساز مثل بورس کالا به بهانه مقابله با گرانی‌فروشی و مقابله با تورم هستیم. این در حالیست که حذف نهادهایی مانند بورس و جایگزینی قیمت‌گذاری دستوری، به توسعه فساد منجر می‌شود، بنگاه‌ها را زیان‌ده می‌کند و اثری جز کاهش تولید به دنبال نخواهد داشت.»

به عقیده سلاح‌ورزی، اگر تحریم‌ها نتوانست اقتصاد ایران را به فروپاشی برساند اجرای این سیاست‌ها حتماً این کار را خواهد کرد.

قرار داشتن ایران در فهرست سیاه اف‌ای‌تی‌اف همواره از سوی کارشناسان و فعالان اقتصادی مانعی در حد تحریم‌ها و حتی بزرگتر بر سر تجارت ایران ارزیابی شده است. با موج تبلیغات و «خبردرمانی» دولت رئیسی درباره ایجاد گشایش در مذاکرات هسته‌ای و آزادسازی پول‌های بلوکه شده در هفته‌های گذشته، بار دیگر هشدارها نسبت به اثربخش نبودن این اتفاقات در صورت ماندگاری ایران در فهرست سیاه اف‌ای‌تی‌اف مطرح شد.

گزارش ویژه؛ «پناهجو» یا «مهاجر»؟!

یک منبع آگاه در نیروهای مسلح: ورود «مهاجران» افغانستانی به ایران سازمانیافته است



هیأت طالبان به سرپرستی ملا عبدالغنی برادر ۷ بهمن ۱۳۹۹ به دعوت رسمی جمهوری اسلامی به تهران سفر کرد. همزمان محمدجواد ظریف به روسیه رفت و هیأت طالبان در تهران ماندند تا ظریف بازگشت و ۱۳ بهمن با آنها دیدار کرد

این مهاجران هم به صورت سیستماتیک در شبکه‌های اجتماعی به عنوان ارتش سایبری جمهوری اسلامی فعالیت می‌کنند. کیهان لندن از نخستین رسانه‌هایی است که سال‌ها پیش در چند مصاحبه و گزارش مستند از حضور شبه‌نظامیان افغانستانی در جنگ سوریه که مقامات جمهوری اسلامی آن را پنهان می‌کردند، گزارش داد. از جمله در سال ۱۳۹۴ در مصاحبه با یک شهروند افغان عضو سپاه قدس که در آوریل ۲۰۱۵ به دو زبان فارسی و انگلیسی منتشر شد و در رسانه‌های دیگر نیز بازتاب یافت.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همچنین جوانان و نوجوانان افغان ساکن ایران را با فشار یا تطمیع برای حضور میدانی در جنگ سوریه به خدمت گرفته است. اغلب افغانستانی‌هایی که به عنوان مزدور به سوریه اعزام می‌شوند در اردوگاه‌های بسیج کار با اسلحه را فرا می‌گیرند. این دوره حدود سه ماه است و شامل کلاس‌های رزم مقدماتی می‌شود.

منبع آگاه در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در ادامه تأکید می‌کند: «مقامات جمهوری اسلامی آمار دقیقی از تعداد مهاجران قانونی و غیرقانونی ارائه نمی‌کنند اما اکثریت این مهاجران، جزو نیروهای نظامی هستند که همراه با خانواده‌هایشان در ایران ساکن شده‌اند. ماهانه هزاران مهاجر افغانستانی بدون هیچ نظارتی وارد کشور می‌شوند. مهاجران نظامی عمدتاً آنهایی هستند که طی بیست سال پس از سقوط طالبان، توسط ارتش آمریکا در افغانستان آموزش دیده‌اند و توان نظامی آنها از نیروهای خود جمهوری اسلامی بهتر است. بیشترشان هم از شیعیان افغانستانی هستند. از بقیه مهاجران که غیرنظامی هستند و در ایران نیز مثل طالبان لباس می‌پوشند برای ایجاد درگیری‌های داخلی استفاده می‌کنند. برای نمونه در حملاتی که به شاهچراغ صورت گرفت و به دستور جمهوری اسلامی و توسط نیروهای سنی‌مذهب افغان انجام شد.»

او ادامه می‌دهد: «فریب پروپاگاندای برخی افراد و گروه‌های چپگرا را نخورید که به مردم فاشیست و نژادپرست

بگویند که همه این افغانستانی‌های مهاجر نیروی نظامی نیستند! بله، همه نیروی نظامی نیستند؛ در بین آنها افراد غیرنظامی و معمولی هم هستند تا ورود فقط نظامیان شک‌برانگیز نشود.»

این منبع آگاه با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی یکی از حامیان اصلی طالبان است، نقطه نظر خود را بر اساس مشاهدات و اطلاعات خود چنین توضیح می‌دهد: «به گل‌گل‌های رسانه‌ای آنها توجه نکنید! حتی کشورهای خاورمیانه، اروپا و آمریکا و روسیه و چین هم با طالبان هستند و لفاظی‌هایشان را جدی نگیرید، این یک سناریوی تکراری برای فریب افکار عمومی است. بخش زیادی از ارتش افغانستان قرار است به خدمت گرفته شوند، در حال حاضر بخشی از آنها طی چند ماه به روسیه فرستاده شده‌اند، کسانی که جذب می‌شوند همان نیروهای نظامی حکومت سابق افغانستان هستند. پیش از فروپاشی کابل، آمریکا قرار گذاشته بود که تجهیزات نظامی را در افغانستان به نفع جمهوری اسلامی رها کند و از بالا به ارتش افغانستان دستور رسیده بود که هیچ واکنشی از سمت نیروها صورت نگیرد و به سمت ایران فرار کنند.»

به گفته وی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز که از قبل افغانستانی‌های فراری را با تطمیع و وعده‌ی اقامت و کار در لشکر «فاطمیون» سازمان داده بود، حالا هم این نیروها را به عراق، لبنان و سوریه اعزام می‌کند و همچنین برای سرکوب مردم ایران به کار می‌گیرد. او می‌گوید: «آمار این نیروها کاملاً مشخص است و جمهوری اسلامی اینها را با فریب نیز جذب می‌کند. با وعده حق اقامت، حقوق و مزایا... دقیقاً همان سناریوی جذب افغانستانی‌ها در لشکر فاطمیون. این نیروها جذب ارتش و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی می‌شوند بلکه فقط در سپاه و بسیج و برای سرکوب داخلی به کار گرفته می‌شوند؛ همچنین برای خدمت در سپاه قدس و اعزام به عراق، لبنان، سوریه و روسیه؛ البته اگر هم لازم شد و ارباب پوتین امر کند به آفریقا هم اعزام می‌شوند. بخش دیگری از

● یک منبع آگاه در نیروهای مسلح به کیهان لندن می‌گوید: «طبق قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین، قرار بود در زمینه‌های مختلف از کارگران چینی استفاده شود اما از آنجا که حکومت از مردم می‌ترسد، قرار شده بجای کارگران چینی از افغانستانی‌ها در پروژه غارت ایران بهره ببرند.»

● «مهاجران نظامی عمدتاً آنهایی هستند که طی بیست سال پس از سقوط طالبان، توسط ارتش آمریکا در افغانستان آموزش دیده‌اند و توان نظامی آنها از نیروهای خود جمهوری اسلامی بهتر است. بیشترشان هم از شیعیان افغانستانی هستند.»

● «بخش دیگری از این مهاجران به صورت سیستماتیک در شبکه‌های اجتماعی به عنوان ارتش سایبری جمهوری اسلامی فعالیت می‌کنند.»

● حشمت‌الله فلاح پیشه رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی: «بخش بزرگی از کسانی که وارد ایران می‌شوند جزو ارتش افغانستان بوده‌اند، واگر آمارها درست باشد یک پنجم جمعیت افغانستان در ایران حضور دارند! گویا پشت این مهاجرت‌ها یک سیستم وجود دارد که بلافاصله جای خواب و شغل آنها مشخص می‌شود.»

فیروزه نوردستروم - «ورود این حجم از مهاجران افغانستانی خواست جمهوری اسلامی برای ایجاد بحرانی جدید است.»
یک منبع آگاه در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی با اعلام این مطلب به کیهان لندن می‌گوید: «مردم ایران سال‌هاست چشم‌شان به کارگران افغانی عادت کرده، آنها توسط کارفرماهای ایرانی به کار گرفته می‌شوند و حساسیت زیادی بین مردم به وجود نیابوده‌اند، اما از آنجا که جامعه، حتا برخی از نیروهای خودی و ارزشی‌ها، نسبت به حراج ایران به شدت واکنش نشان می‌دهند، جمهوری اسلامی و چین این ریسک را نکرده‌اند که زیاد کارگر چینی وارد کنند که جلوی چشم مردم باشند. حضور کارگران چینی برای غارت ایران باعث ریزش بخش بزرگی از طرفداران حکومت و عصبانیت مردم می‌شود. بنابراین جمهوری خلق چین و جمهوری اسلامی تصمیم گرفته‌اند از افغانستانی‌های مهاجر به عنوان کارگر در بخش‌های مختلف استفاده کنند. کارفرما چینی است اما کارگران افغانستانی هستند. کارفرما دیده نمی‌شود، اما کارگر جلوی چشم مردم است.»

قرارداد ۲۵ ساله جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین از دولت حسن روحانی و با فعالیت‌های محمدجواد ظریف و علی‌آملی لاریجانی پیگیری شد و در نهایت هفتم فروردین ۱۴۰۰ در سفر دو روزه وانگ یی وزیر خارجه چین به تهران تحت عنوان «سند برنامه همکاری جامع جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین» به امضای وزرای امور خارجه دو کشور رسید.

بر اساس این قرارداد، جمهوری خلق چین طی سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز، نفت ایران را با دو مرحله تخفیف و در ازای ارز انتخابی خود خریداری خواهد کرد. حضور نظامی چین و اعزام نیروی کار به ایران نیز یکی دیگر از موارد مطرح شده در ارتباط با این قرارداد است.

به گفته این منبع آگاه در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، موضوع تازه‌ای نیست که مدت‌هاست از افغانستانی‌ها برای جذب در سپاه «قدس» استفاده می‌شود: «شاید عده‌ای

جمهوری اسلامی با همکاری ونزوئلا برای رژیم سوریه پالایشگاه می‌سازد



یک پالایشگاه نفت در سوریه / عکس: رویترز

توسط تیمی از شرکت ملی نفت ایران انجام شده است. هر سه کشور از سوی آمریکا و متحدانش با تحریم‌های نفتی روبرو هستند اما دولت بایدن با نادیده گرفتن تحریم‌های رژیم ایران به حکومت فرصت داد صادرات نفت را از روزی ۴۰۰ هزار بشکه در دوره دونالد ترامپ به بیش از دو میلیون بشکه در روز برساند.

رژیم ایران نقشی اساسی در کمک به سوریه و ونزوئلا برای مقابله با تحریم‌های حمله غرب ایفا کرده است و به هر دو کشور کمک‌های فنی، مادی و نظامی ارائه می‌کند. پالایشگاه نفت ال پالیتو به عنوان بخشی از یک قرارداد ۱۰۰ میلیون یورویی، که در ماه مه ۲۰۲۲ میلادی با شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران منعقد شد، در حال تعمیر و توسعه است.

تیم‌های فنی ایرانی همچنین در حال کار برای بازسازی بزرگترین مجتمع پالایشگاه نفت ونزوئلا، مرکز پالایش پاراگوانا، هستند. این طرح نیازمند ترکیب قطعات و تجهیزات چینی و ایرانی است. این پالایشگاه در ابتدا با استفاده از فناوری آمریکا ساخته شد.

جواد اوجی وزیر نفت جمهوری اسلامی فروردین ۱۴۰۱ در یک مصاحبه گفت صنعت نفت ایران برای توسعه به سرمایه ۲۰۰ میلیارد دلاری نیاز دارد. بنا بر اعلام مقامات رژیم ایران، سوریه دست‌کم ۳۰ میلیارد دلار به ایران بدهی دارد که عمده آن مربوط به حمایت‌های جمهوری اسلامی از بشار اسد طی ۱۲ سال جنگ داخلی است. اکنون مشخص نیست پول ساخت این پالایشگاه قرار است از کجا تأمین شود و تکلیف بدهی‌های سوریه به ایران چه خواهد شد؟

همچنین تکلیف پرداخت بدهی‌های گازی عراق به ایران نیز مشخص نیست. مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران اوایل تیرماه گفته بود «بدهی گازی عراق به ایران صفر است و این پول در بانک‌های عراق است.»

● گفته شده تولید روزانه این پالایشگاه ۱۴۰ هزار بشکه خواهد بود.

● جواد اوجی وزیر نفت جمهوری اسلامی فروردین ۱۴۰۱ در یک مصاحبه گفت صنعت نفت ایران برای توسعه به سرمایه ۲۰۰ میلیارد دلاری نیاز دارد.

● بنا بر اعلام مقامات رژیم ایران، سوریه دست‌کم ۳۰ میلیارد دلار به ایران بدهی دارد که عمده آن مربوط به حمایت‌های جمهوری اسلامی از بشار اسد طی ۱۲ سال جنگ داخلی است. اکنون مشخص نیست پول ساخت این پالایشگاه قرار است از کجا تأمین شود و تکلیف بدهی‌های سوریه به ایران چه خواهد شد؟

پایگاه خبری «اول پریاس» ۳۰ سپتامبر (هفتم مهرماه) گزارش داد جمهوری اسلامی قصد با همکاری سوریه و ونزوئلا یک پالایشگاه نفت جدید در استان حمص سوریه با ظرفیت تولید ۱۴۰ هزار بشکه در روز بسازد. گفته می‌شود این پروژه به عنوان بخشی از یادداشت تفاهم امضا شده با سوریه و دولت ونزوئلا است.

جلیل سالاری مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران گفت: «تفاهمنامه سه‌جانبه بین ایران، ونزوئلا و سوریه برای ساخت پالایشگاه ۱۴۰ هزار بشکه‌ای جدید در سوریه امضا شد.»

وی ضمن اشاره به اینکه سه کشور به زودی وارد فاز تأمین مالی و ساخت پالایشگاه خواهند شد، اظهار داشت: «بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد سوریه و کشورهای همسایه آن به فرآورده‌های نفتی نیاز دارند؛ بنابراین پالایشگاهی با ظرفیت ۱۴۰ هزار بشکه در کنار دو پالایشگاه فعلی حمص و بانیاس سوریه شناسایی شد.» سالاری همچنین تأکید کرد که پالایشگاه فعلی حمص توسط مهندسان ایرانی در جریان سفر ابراهیم رئیسی به سوریه در اردیبهشت‌ماه تعمیر و مطالعات پالایشگاه جدید

می‌گویند. وجود این حجم مهاجر سازمانیافته افغانستانی در ایران خطر بزرگی است. این مسئله شوخی نیست و مردم نباید ساده‌انگارانه از کنار آن بگذرند. چهار دهه همه چیز را مسخره کردند و از همه چیز به سادگی گذشتند، نتیجه‌اش شد ویرانی کامل ایران. البته تأکید می‌کنم که منظورم پناهجویان فراری از دست جنگ و طالبان نیستند.»

این منبع آگاه با بیان اینکه موج بی‌رویه ورود مهاجران افغانستانی به ایران در پی قراردادی که آمریکا و طالبان و جمهوری اسلامی و حکومت سابق افغانستان بسته بودند صورت گرفته، در مورد توافقنامه دوحه توضیح می‌دهد: «پیش از سقوط کابل، مقامات طالبان و جمهوری اسلامی، آمریکا و حکومت سابق افغانستان در قطر بارها با یکدیگر ملاقات کردند. اعضای طالبان به تهران آمدند و با ظریف عکس انداختند و ظریف به آنها گفت نیروهای اصیل منطقه! حتی با قاسم سلیمانی هم کلی عکس و فیلم دارند.»

او در مورد سیاست‌های جمهوری اسلامی در مواجهه با موضوع حقایق و اقدامات طالبان برای محدود ساختن آب جاری در هیرمند می‌گوید: «جمهوری اسلامی خودش مایل نیست این آب وارد کشور شود، هدف و ماموریت جمهوری اسلامی فقط و فقط ویران کردن ایران است تا یک پایگاه سرزمینی داشته باشد که ساکنانش تابع آن باشند به همین دلیل نه تنها هرگز هیچ کاری به نفع ایران انجام نمی‌دهد بلکه برای ویرانی بیشتر چنین اقداماتی را هم سرعت می‌بخشد تا مغزها و نیروی کار ماهر و مخالفانش فرار کنند!»

به گفته وی «جمهوری اسلامی با بحران‌آفرینی و سرگرم کردن مردم دوام آورده و ورود این حجم از مهاجران افغانستانی بعد از اعتراضات مردم در سال گذشته، خواست جمهوری اسلامی برای ایجاد بحرانی جدید است و مدت‌هاست که از این مهاجران برای اقدامات تروریستی و مداخلات منطقه‌ای استفاده می‌شود.»

در مردادماه سال جاری حشمت‌الله فلاحت پیشه رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در گفتگو با وبسایت «فراز» گفته بود: «بیش از یک و نیم میلیون از کسانی که سابقه فعالیت نظامی در افغانستان داشته‌اند پس از روی کار آمدن مجدد طالبان به ایران آمده‌اند.»

به گفته وی «همین حالا که این گفتگو در حال انجام است روزانه ۱۰ هزار نفر به آمار مهاجرین در ایران افزوده می‌شود.» وی افزوده بود «مهاجران افغانی [افغان/افغانستانی] به صورت موج به کشور ما می‌آیند و در برخی از شهرها هم دست به تغییر بافت جمعیتی منطقه مورد نظر زده‌اند.»

فلاحت پیشه همچنین توضیح داده بود که «در خوشبینانه‌ترین حالت از هر ۵ نفر جمعیت افغانستان یک نفر در ایران حضور دارد. از سوی دیگر به ازای هر ۷/۵ تا ۸ نفر شهروند ایرانی یک نفر مهاجر افغانستانی نیز در کشورمان زندگی می‌کند. این آمارها واقعی هستند.»

وی بعداً در گفتگوی دیگری که روز شنبه ۸ مهرماه منتشر شد، در همین ارتباط گفت: «بخش بزرگی از کسانی که وارد ایران می‌شوند جزو ارتش افغانستان بوده‌اند، واگر آمارها درست باشد یک پنجم جمعیت افغانستان در ایران حضور دارند! فقط در زمان طالبان حدود ۲ میلیون نفر به ایران آمدند و طبق آخرین اطلاعات، هم‌اکنون روزی ۱۰ هزار نفر از افغانستان وارد ایران می‌شوند که می‌گویند بعد از ۲۴ ساعت جای خواب‌شان مشخص است و بعد از ۴۸ ساعت هم شغل پیدا می‌کنند، گویا پشت این مهاجرت‌ها یک سیستم وجود دارد که بلافاصله جای خواب و شغل آنها مشخص می‌شود، در حالی که هیچ ایرانی نمی‌تواند بعد از ۴۸ ساعت به شغل برسد.»

«جمعه خونین زاهدان» تکرار شد؛ تیراندازی مأموران و مجروح شدن دست کم ۲۳ شهروند

و معابر عمومی فضای امنیتی هراسباری را بر زاهدان حاکم کرده بود. همچنین برخی خیابان‌های شهر نیز با اتوبوس یا توسط نیروهای نظامی مسدود شده بودند تا اتومبیل‌ها امکان عبور از آنها را نداشته باشند.

کانال تلگرامی «صد بلوچستان» با انتشار ویدیوهایی از انتقال گسترده نیروهای یگان ویژه و نیروهای سپاه پاسداران از استان‌های کرمان، خراسان جنوبی و هرمزگان به شهرهای مختلف سیستان و بلوچستان به ویژه زاهدان، سراوان، خاش، ایرانشهر، چابهار و دیگر شهرهای این استان، گزارش داد. هفته گذشته گزارش‌هایی از سفر ناگهانی و اعلام نشدهی احمد رضا رادان فرمانده کل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی به این استان منتشر شد. بر اساس این گزارش‌ها احمد رادان به صورت سرزده و بدون هماهنگی قبلی به خانه برخی از سرطایفه‌های بلوچ رفته و با «تطمیع همراه با تهدید» خواستار رضایت دادن خانواده‌های جانبازان اعتراضات سال گذشته شده است.

رادان همچنین محمد شاهزهی فرمانده بومی پایگاه بسیج کریم‌آباد را برای امضای رضایت به خانه برخی از خانواده‌های کشته‌شدگان جمعه خونین زاهدان فرستاده است.

منابع حال و ش اطلاع داده‌اند احمدرضا رادان «در همراهی با غفور گمشادزهی به منزل تعدادی از سرداران بلوچ در شهرستان های زاهدان و خاش رفته و از آنها خواسته است از خانواده قربانیان طوایف خود که در فاجعه جمعه خونین زاهدان و خاش به شهادت رسیده اند رضایت بگیرند تا او در عوض به قربانیان دیه پرداخت کند.»

منابع خبری اعلام کردند احمدرضا رادان دست کم به خانه ابراهیم شه بخش، الله نظر شه بخش، عزیز احمد ریگی، خوبیار شهنوازی، علیم گمشادزهی، حبیب گرگیج و یوسف نارویی که همه از وجانبازان اعتراضات هستند رفته تا رضایت بگیرند.

دادخواهی مردم زاهدان درباره کشتار و سرکوب شدید شهروندان در هشتم مهرماه سال گذشته در حالی یک ساله شده که فداحسین مالکی نماینده زاهدان در مجلس شورای اسلامی روز چهارشنبه ۵ مهرماه طی یک مصاحبه ویدئویی اعلام کرد که برخی مقامات جمهوری اسلامی مانع تشکیل «هیئت تحقیق» درباره کشتار جمعه خونین زاهدان شده‌اند. این نماینده مجلس شورای اسلامی گفته ابعاد اعتراضات در سیستان و بلوچستان پس از کشتار جمعه خونین زاهدان نباید تا این اندازه «کشدار» می‌شد و به همین منظور خود وی و برخی دیگر از مقام‌های محلی خواستار تشکیل کمیته تحقیق برای «جمع کردن» کشتار زاهدان بودند.

هشتم مهرماه سال گذشته و دو هفته پس از آغاز خیزش ملی مردم که با قتل حکومتی مهسا امینی آغاز شد، نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی از داخل یک کلانتری در زاهدان به تجمع اعتراضی مردم این شهر بعد از نماز جمعه و در اعتراض به «تجاوز یک فرمانده پلیس به یک دختر نوجوان» تیراندازی کردند. در این تیراندازی، بیش از ۹۰ نفر از معترضان کشته شدند و سازمان عفو بین‌الملل این واقعه را مرگبارترین کشتار از زمان آغاز اعتراضات مردمی پس از کشته شدن مهسا امینی خواند. مردم از این روز به عنوان «جمعه خونین زاهدان» یاد می‌کنند.



تیراندازی مستقیم مأموران جمهوری اسلامی به سوی شهروندان

ویدئوهای دیگری از انتقال مجروحان به مصلای مسجد مکی و مراکز درمانی منتشر شده که نشان‌دهنده شمار زیاد مجروحان از جمله کودکان است.

بر اساس گزارش «حال و ش» مأموران حکومت همزمان با سالگرد جمعه خونین زاهدان به «بازداشت گسترده و فله‌ای» شهروندان دست زده‌اند اما هنوز درباره تعداد دقیق بازداشت‌شدگان آماری ارائه نشده است.

همچنین «نت بلاکس» در حساب شبکه ایکس خود اعلام کرد اینترنت زاهدان روز جمعه در سالگرد «جمعه خونین» به شدت دچار اختلال شد و مقامات جمهوری اسلامی بطور سازمانیافته و هدفمند از قطع اینترنت برای مقابله با اعتراض‌های ضدحکومتی در سیستان و بلوچستان استفاده می‌کنند. سرکوب مردم در شهر زاهدان ساعتی پس از آن آغاز شد که مولوی عبدالحمید امام جمعه اهل سنت زاهدان در خطبه‌های نماز جمعه این شهر با اشاره به کشتار شهروندان در هشتم مهرماه سال گذشته گفت آن زمان کسی انتظار وقوع چنین حادثه تلخی را نداشت.

او گفت کشتاری با این گستردگی و ابعاد، از تبعات نگاه تبعیض‌آمیز حکومت به اقلیت‌های قومی و مذهبی است.

مولوی عبدالحمید خطاب به حکومت گفت: «اگر بتوانید به خواسته‌های ملی ایرانیان (که ما هم جزو شان هستیم) رسیدگی و مشکلاتشان را حل کنید، قربانیان و خانواده‌های آنها در جمعه خونین حاضرند از حقوق خود بگذرند و رضایت بدهند.» او افزود: «این مردم ممکن است سواد نداشته باشند اما عقل و قدرت تحلیل مسائل را دارند و در صورت لزوم می‌توانند از حق شان بگذرند منوط به اینکه زندانیان سیاسی را آزاد کنید و آشتی بزرگ ملی و وحدت را شکل دهید.»

همچنین گزارش‌های دیگری از تظاهرات و تجمع مردم در دو شهر خاش و تفتان در سیستان و بلوچستان به مناسبت «جمعه خونین زاهدان» منتشر شده است.

جمهوری اسلامی بدون اعلام «حکومت نظامی» در عمل با استقرار گشت‌های بازرسی و تعداد زیادی مأمور در خیابان‌ها

● دست کم ۲۳ معترض از جمله چهار کودک در سرکوب خونبار شهروندان معترض مجروح شده و شمار زیادی نیز بازداشت شدند.

● «برادر شهیدم خونت رو پس می‌گیرم»، «تجاوز، جنایت، مرگ بر این ولایت»، «بسیجی سپاهی، داعش ما شماین»، «مرگ بر خامنه‌ای» و «مرگ بر بسیجی» از جمله شعارهای مردم در تظاهرات امروز بود.

ظهر روز جمعه هفتم مهرماه شهروندان معترض در زاهدان مورد یورش و تیراندازی مأموران حکومتی قرار گرفتند. در پی سرکوب شهروندان دست کم ۲۳ شهروند از جمله چهار کودک مجروح شدند.

در حالی که شهر زاهدان مرکز استان سیستان بلوچستان امروز جمعه هفتم مهرماه ۱۴۰۲ را با فضای امنیتی و نظامی شدید آغاز کرده بود اما شهروندان به مناسبت سالگرد «جمعه خونین زاهدان» پس از نماز جمعه در مسجد مکی باز هم دست به تظاهرات اعتراضی زدند.

گزارش‌هایی که منابع محلی از بامداد امروز منتشر می‌کردند بیانگر برقراری جوّی شبیه حکومت نظامی در سطح شهر بود. شمار زیادی از مأموران امنیتی و ضدشورش با ادوات و ماشین‌های ضد شورش در سطح شهر مستقر شده بودند. خیابان‌های منتهی به مسجد مکی توسط مأموران بسته شده بود و تنها افرادی که کارت هویتی خود را نشان می‌دادند، بدون اتومبیل، اجازه عبور و مرور در این خیابان‌ها را داشتند.

همچنین در اطراف مسجد مکی که محل برگزاری نماز جمعه اهل سنت به امامت مولوی عبدالحمید است و یک سال پیش در هشتم مهرماه کشتار خونینی توسط جمهوری اسلامی در اطراف آن اتفاق افتاد، مملو از نیروهای امنیتی و انتظامی بود. مأموران جمهوری اسلامی با محاصره مسجد تلاش می‌کردند جمعیتی کنترل شده به این مسجد وارد شود. با اینهمه مردم پس از برگزاری نماز جمعه شهروندان اقدام به تظاهرات کردند و شعارهایی علیه جمهوری اسلامی و به یاد جانبازان «جمعه خونین زاهدان» سر دادند.

«برادر شهیدم خونت رو پس می‌گیرم»، «تجاوز، جنایت، مرگ بر این ولایت»، «بسیجی سپاهی، داعش ما شماین»، «مرگ بر خامنه‌ای» و «مرگ بر بسیجی» از جمله شعارهای مردم در تظاهرات امروز هفتم مهر ۱۴۰۲ بود. آنها همچنین پلاکاردهایی از تصاویر جانبازان «جمعه خونین زاهدان» در دست داشتند.

مأموران جمهوری اسلامی مثل همیشه به سرکوب تظاهرات و تجمع مردم پرداخته و با شلیک گلوله و گاز اشک‌آور به شهروندان معترض حمله‌ور شدند. ویدئوهای منتشر شده نشان‌دهنده صدای تیراندازی ممتد در سطح شهر و حمله مأموران مسلح از فاصله نزدیک به شهروندانی است که با دست خالی، دادخواه ده‌ها جانبازتهی «جمعه خونین زاهدان» بودند.

بر اساس گزارش منابع محلی، نفربرهای نظامی مجهز به دوشکا در سطح شهر زاهدان مستقر شده و ویدئوهایی از شلیک مستقیم به سوی مردم منتشر شده است.

«حال و ش» که اخبار مربوط به استان سیستان و بلوچستان را پوشش می‌دهد، از مجروح شدن دست کم ۲۳ معترض، از جمله چهار کودک خبر داده است.

بازگشت مجدد سپاه پاسداران به «تنظیمات کارخانه‌ای» بعد از اخاذی شش میلیارد دلاری از دولت بایدن



لانچر پرتاب موشک‌های دوربرد «خبرشکن»

بین‌المللی است. افزایش سطح غنی‌سازی، اخراج بازرسان آژانس، جمع‌آوری دوربین‌های نظارتی از سایت‌های اتمی پرتاب موشک و راکت به پایگاه آمریکایی‌ها در سوریه و عراق، عملیات موشکی گروه‌های فلسطینی علیه اسرائیل، عملیات انتحاری علیه شهروندان اسرائیل در داخل و خارج آن کشور، گروگان‌گیری شهروندان خارجی و دو تابعیتی‌ها، توقیف کشتی‌های تجاری و مین‌پاشی در مسیر آنها و همچنین سرکوب مردم ایران به عنوان اهرمی برای باجگیری بین‌المللی طیفی از این اقدامات سابقه‌دار رژیم ایران است.

در شرایطی که تنش‌های منطقه‌ای رو به افزایش است افشا شدن شبکه‌ای از دلایل مرتبط با وزارت خارجه رژیم در آمریکا و اروپا - اگر اقدامی با برنامه‌ریزی خود حکومت نباشد - برای ملاحه در سراسر خواهد بود زیرا مأموریت این لایبرگرن همواره تحت تأثیر قرار دادن سیاستمداران غربی با بزرگنمایی از شدت پیامدهای احتمالی فشار روی جمهوری اسلامی بوده است. آنها همواره در مصاحبه‌ها و سمینارهای خود تکرار می‌کردند که فشار به جمهوری اسلامی می‌تواند پیامدهای اتمی و نظامی شدیدی علیه اروپا و آمریکا داشته باشد.

بعضی از آنها مصاحبه‌هایی در برجسته کردن قاسم سلیمانی داشتند و برخی دیگر اعتراضات ضدحکومتی در ایران را بی‌اهمیت جلوه می‌دادند و با عبارات به ظاهر حرفه‌ای و کارشناسانه کاهش شدید مشروعیت نظام در داخل کشور را لایوشانی می‌کردند. اینکه رسانه‌های شدن ارتباط آنها با دستگاه خارجی رژیم چه تأثیری در میدان عمل خواهد گذاشت و چه پیامدهایی خواهد داشت مستلزم گذشت زمان است به ویژه آنکه جمهوریخواهان در همین ارتباط کارزار سنگینی علیه دولت بایدن به راه انداخته‌اند؛ دولتی که به اعتقاد بسیاری تحلیلگران با ملاحه مهربان است و آشکارا مباحثات می‌کند. این تحلیلگران معتقدند پس از یک دوره آرامش نسبی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بعد از اخاذی شش میلیارد دلاری از آمریکا برای آزادی گروگان‌ها دوباره به تنظیمات کارخانه‌ای خود بازگشته است!

- حسین سلامی فرمانده سپاه پاسداران می‌گوید مأموریت ماهواره «نور ۳» تصویربرداری اطلاعاتی برای سپاه است. حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه گفته «تا سال آینده یک منظومه ماهواره‌ای ایرانی در مدار خواهیم داشت».
- سنتکام اعلام کرد که لیزر انداختن قایق‌های سپاه روی هلی‌کوپتر آمریکایی رفتار غیرحرفه‌ای و غیرایمن بود.
- برخی منابع از برنامه‌های جمهوری اسلامی برای ارسال تسلیحات به روسیه خبر دادند. رضا طلائی‌نیک سخنگوی وزارت دفاع در یک سخنرانی در همدان با صراحت تهدید کرد، «رسماً اعلام می‌کنیم موشک حاج‌قاسم موشک اسرائیل‌زن است».
- تحلیلگران معتقدند پس از یک دوره آرامش نسبی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بعد از اخاذی شش میلیارد دلاری از آمریکا برای آزادی گروگان‌ها دوباره به تنظیمات کارخانه‌ای خود بازگشته است!

بر اساس مفاد برجام، می‌بایست تحریم‌های موشکی جمهوری اسلامی طبق قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل ۱۸ اکتبر ۲۰۲۳ (۲۶ مهرماه ۱۴۰۲) لغو می‌شد اما بریتانیا، فرانسه و آلمان اعلام کردند این تحریم‌ها را لغو نخواهند کرد. منابع وابسته به اتحادیه اروپا گفته‌اند تمدید تحریم‌های جمهوری اسلامی سه دلیل عمده دارد: استفاده روسیه از پهپادهای ساخت جمهوری اسلامی علیه اوکراین، احتمال انتقال موشک‌های بالستیک ایران به روسیه و محروم کردن ایران از مزایای توافق اتمی زیرا تهران برجام را نقض کرده است. مقامات جمهوری اسلامی امیدوار بودند با لغو این تحریم‌ها بتوانند راحت‌تر اقدام به خرید و فروش تسلیحات نظامی کنند. علی شمشانی دبیر پیشین شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی اواسط اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲ پس از آنکه چند دیپلمات اروپایی در مصاحبه با رسانه‌ها احتمال تهدید تحریم‌های تسلیحاتی رژیم را مطرح کردند گفته بود «در صورت تداوم این تحریم‌ها «بیکر کم‌جان برجام به مرگ ابدی» خواهد رفت. حتا بعضی نماینده‌های مجلس شورای اسلامی نیز دوباره موضوع خروج ایران از ان‌پی‌تی (پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای) را مطرح کردند.

اکنون که اروپایی‌ها در تمدید تحریم‌های تسلیحاتی جمهوری اسلامی راسخ به نظر می‌رسند تهران مرحله جدیدی از تهدیدات نظامی را آغاز کرده است. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با موشک بالستیک «قاصد» ماهواره «نور ۳» را به فضا پرتاب کرد. حسین سلامی فرمانده کل سپاه در سخنرانی خود تأکید کرد که ماهواره «نجم ۳» به فضا پرتاب شده است. «نور» ترجمه فارسی «نجم» است اما به کار بردن اسم عربی برای این ماهواره از سوی فرمانده سپاه جنبه‌ی «ایدئولوژیک» دارد و احتمالاً حامل پیامی برای گروه‌های «مقاومت» در منطقه بوده است. سلامی همچنین تأکید کرد تصاویر ماهواره «نجم» برای «حوزه اطلاعاتی سپاه» کاربرد دارد.

ماتیو میلر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در واکنش به پرتاب این ماهواره گفت «ماهواره‌ها از فناوری برخوردار هستند که عملاً شبیه به فناوری مورد استفاده در تولید موشک‌های بالستیک است... ادامه توسعه توانایی‌های بالستیک ایران تهدیدی جدی برای منطقه و امنیت بین‌المللی و یک خطر مهم در راستای نگرانی‌ها از گسترش تسلیحات هسته‌ای است».

هدف‌گیری هلی‌کوپتر آمریکایی با لیزر یک روز پس از پرتاب این ماهواره ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا مستقر در بحرین گزارش داد قایق‌های تندرو سپاه روی یک فروند هلی‌کوپتر کبرای آمریکایی در حال پرواز در خلیج فارس با لیزر نشانه‌گیری کرده‌اند. سنتکام اعلام کرد «این رفتار غیرحرفه‌ای و غیرایمن بود اما خوشبختانه تلفات جانی در پی نداشت».

همزمان برخی رسانه‌های حکومتی موضوع ارسال «دستاوردهای موشکی و شناورهای ایران» به روسیه را مطرح کرده‌اند. این در شرایطی است که ابراهیم رئیسی در نیویورک گفت که در جنگ روسیه علیه اوکراین طرف هیچکدام نیستیم و حاضریم واسطه صلح میان طرفین شویم!

تهدیدات جمهوری اسلامی بیش از آنکه اروپا و آمریکا را تحت تأثیر قرار دهد برای اسرائیل نگران‌کننده است. رضا طلائی‌نیک سخنگوی وزارت دفاع جمهوری اسلامی دوم مهرماه ۱۴۰۲ در یک سخنرانی در همدان با صراحت تهدید کرد، «رسماً اعلام می‌کنیم موشک حاج‌قاسم موشک اسرائیل‌زن است».

هرچند که به نظر می‌رسد سرویس‌های امنیتی اسرائیل نیز تحرکاتی را در داخل ایران برای پاسخ به این تهدیدات اجرا کرده‌اند اما تجربه نشان می‌دهد طیف گسترده‌ای از خرابکاری‌ها در تأسیسات اتمی و موشکی رژیم راهکارهای مقطعی هستند و تأثیر موقت شاید داشته باشند. حتا تحریم‌های گسترده بین‌المللی با وجود اینکه کار را برای رژیم ایران در تأمین قطعات و فناوری‌های نظامی بسیار سخت کرده اما بر اساس گزارش نهادهای اطلاعاتی اوکراینی، «جمهوری اسلامی برای ساخت پهپادهای انتحاری که به روسیه ارسال می‌کند از قطعات ساخت کارخانجاتی در آمریکا، سوئیس، هلند، آلمان، کانادا، ژاپن و لهستان استفاده کرده است».

این قطعات از ترکیه، هند، قزاقستان، ازبکستان، ویتنام و کوستاریکا به صورت قاچاق وارد ایران شده‌اند. افزایش شدت تهدیدات علیه آمریکا و متحدانش به ویژه اسرائیل یکی از راهبردهای حکومت برای پاسخ به فشارهای

کارزار رسانه‌ای حکومت علیه اپوزیسیون با استناد به «ابهامات مالی» برخی افراد و گروه‌ها



تظاهرات ایرانیان خارج از کشور در حمایت از مردم داخل / عکس: رویترز

نیست اما از سوی افکار عمومی در مورد نحوه خرج شدن پول‌هایی که به نام پشتیبانی از صدای مردم ایران دریافت شده پرسش‌هایی مطرح می‌شود که افراد و گروه‌های فعال، بر اساس مسئولیت اجتماعی موظف به شفافیت و پاسخگویی درباره آنها به مردم هستند.

از سوی دیگر درست در شرایطی که دو فرزند معاون اولیه قوه قضائیه جمهوری اسلامی به اتهام پولشویی و قاچاق بازداشت شده‌اند، روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های حکومتی اولویت خود را پرداختن به عملکرد مالی نهادهای افرادی قرار داده‌اند که به نام «اپوزیسیون» و برای کمک به مردم ایران اقدام به دریافت یا جمع‌آوری پول از سازمان‌های مختلف یا مخاطبان کرده‌اند.

در ماه‌های اخیر افراد و گروه‌های زیادی از طریق شبکه‌های اجتماعی یا پلتفرم‌های غیردولتی از مردم برای جمع‌آوری کمک‌های مالی با هدف پشتیبانی از اعتراضات درخواست کردند. در این میان افراد و یا گروه‌های نوظهور نیز وارد میدان شده و مطالباتی را مطرح کرده‌اند که به سوژه یا بهانه‌ای برای منابع حکومتی برای به پرسش کشیدن و تحریف اهداف و انگیزه‌های مخالفان آزادیخواه جمهوری اسلامی در خارج کشور تبدیل شده است.

اخیراً گروهی با عنوان «Iranian Diaspora Europe» اتهاماتی را علیه یکی از نمایندگان ایرانی‌تبار پارلمان سوئد مطرح کرده است. این گروه خود را همسو با «اجرایی کردن قطعنامه پارلمان اروپا برای تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» معرفی کرده و با انتشار فهرستی از مخارج آن نماینده مدعی شده پول‌هایی که منبع آن کمک‌های مردمی بوده در موارد غیرمرتبط و یا کاملاً

تلاش‌های مخالفان جمهوری اسلامی در خارج کشور یک کارزار به راه انداخته‌اند تا با سوء استفاده از ابهامات مالی در روند فعالیت برخی افراد و گروه‌ها، پشتیبانی یکپارچه اپوزیسیون ملی‌گرا از «صدای مردم داخل ایران» را تحت تأثیر قرار داده و تحریف کنند.

استناد منابع حکومتی به موارد مبهم از فعالیت برخی افراد و گروه‌هاست که برای یا به اسم پشتیبانی از اعتراضات یا فشار بر جمهوری اسلامی منابع مادی دریافت کرده‌اند. از نخستین ماه‌های آغاز دوباره خیزش ضد حکومتی در ایران گروه‌های مختلفی در داخل و خارج کشور برای تقویت صدای مردم ایران و رساندن آن به گوش رسانه‌های بین‌المللی و سیاستمداران به ویژه در کشورهای غربی تلاش‌های گسترده‌ای را آغاز کردند.

در این میان گروهی از ایرانیان بخشی از برنامه‌های خود را بر اساس دریافت بودجه از منابع دولتی و غیردولتی یا کمک‌های مردمی سازمان داده‌اند. با افزایش تعداد گروه‌هایی که برای فعالیت‌های سیاسی یا میدانی خود اقدام به دریافت کمک کرده‌اند، در مورد نحوه خرج شدن این پول‌ها و ضرورت شفافیت در صورت هزینه‌ها یا در مواردی مبهم بودن صورت‌های مالی و فاکتور مخارج آنها به ویژه در فضای مجازی مناقشه وجود دارد. مناقشه‌ای که خود مبهم است و با شفافیت همراه نیست و جمهوری اسلامی نیز از همین موضوع به سود خود و علیه آزادیخواهان سوء استفاده می‌کند.

پیگیری چنین مسائلی برای مردم عادی و یا حتا رسانه‌ها که ابزار راست‌آزمایی و حقیقت‌یابی در مورد کم و کیف دریافت و خرج شدن این پول‌ها در اختیار ندارند مقدور

درست در شرایطی که دو فرزند معاون اولیه قوه قضائیه جمهوری اسلامی به اتهام پولشویی و قاچاق بازداشت شده‌اند، روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های حکومتی اولویت خود را پرداختن به عملکرد مالی نهادهای افرادی قرار داده‌اند که به نام «اپوزیسیون» و برای کمک به مردم ایران اقدام به دریافت یا جمع‌آوری پول از سازمان‌های مختلف یا مخاطبان کرده‌اند.

روزنامه دولتی «ایران» نیز اتهاماتی را علیه یک نماینده ایرانی‌تبار پارلمان سوئد مطرح کرده است. وقتی یک روزنامه حکومتی به چنین موضوعی می‌پردازد، به احتمال زیاد می‌بایست از نهادهای تصمیم‌گیرنده چراغ سبز دریافت کرده باشد. استناد این روزنامه به گزارش‌هایی است که گروهی با عنوان «Iranian Diaspora Europe» منتشر کرده است.

روزنامه «فرهیختگان» چاپ تهران ویدئویی از روناک یونسی با هشتک «#برانداز دو دلاری» را بازنشر کرده و آن را «شیوه جدید مبارزه (کاسپی)» نامیده است. روزنامه «همشهری» در اینبار نوشته «در ادامه کلاهبرداری‌های اپوزیسیون از ساده‌لوحان، نوبت به روناک یونسی بازیگر فراری سینمای ایران رسید».

پیشتر عباس عراقچی دبیر شورای راهبردی روابط خارجی جمهوری اسلامی به مقامات حکومت در ارتباط با اعتراضات و فعالیت‌های ایرانیان آزادیخواه و ملی‌گرا در خارج کشور هشدار داده بود که «نباید اجازه بدهیم اینطور مرتب علیه ما تظاهرات شود و مرتب پیام‌هایی داده شود».

منابع رسانه‌ای حکومت به شکلی سازمانیافته برای تحریک

علی خامنه‌ای: قمار عادی‌سازی روابط با اسرائیل شرط‌بندی روی اسب بازنده است



دوسال پس از اعلام رسمی مهار ویروس کرونا علی خامنه‌ای همچنان با ماسک در سخنرانی‌ها حاضر می‌شود / مهرماه ۱۴۰۲

فلسطینی در تضاد است. زیاد نخاله دبیرکل گروه شبه‌نظامی «جهاد اسلامی» به روزنامه «الوفاق» گفته بود پول‌هایی که جمهوری اسلامی می‌دهد صرف خانواده‌های فلسطینی و تهیه سلاح می‌شود. خامنه‌ای در بخش دیگری از سخنان خود خطاب به رهبران «جهان اسلام» گفت مسئله اتحاد «حیاتی و ضروری» است. وی تأکید کرد «امروز رژیم صهیونیستی نه فقط از جمهوری اسلامی ایران بلکه از همه کشورهای اطراف خود همچون مصر و سوریه و عراق نیز لبریز از کینه و غیظ است و علت این عصبانیت ممانعت کشورها از تحقق هدف آنها یعنی غصب نیل تا فرات است.»

وی در ادامه افزود «انشاءالله نهضت مقاومت به نتیجه خواهد رسید و همچنانکه امام بزرگوار از رژیم غاصب به سرطانات تعبیر کردند، این رژیم به دست خود مردم فلسطین و نیروهای مقاومت در کل منطقه ریشه‌کن خواهد شد.»

ابراهیم رئیسی نیز پیش از سخنرانی خامنه‌ای پشت تریبون رفت و خطاب به دولت‌های اسلامی گفت «سازش با رژیم صهیونیستی امنیت‌ساز نخواهد بود.»

همزمان با این سخنرانی، روزنامه «تایمز اسرائیل» گزارش داد چند روز پس از سفر وزیر گردشگری، وزیر ارتباطات راهی عربستان سعودی شده است.

این سفرها در حالی انجام می‌شود که دولت جو بایدن فعالانه با ریاض و اورشلیم برای تحقق «پیمان ابراهیم» و دستیابی به توافق بین دو کشور برای عادی شدن مناسبات بین آنها تلاش می‌کند. به عنوان بخشی از این توافق، عربستان سعودی از آمریکا درخواست یک پیمان دفاعی متقابل بزرگ و معاملات تسلیحاتی مهم و همچنین دادن امتیاز از سوی اسرائیل به فلسطینی‌ها را درخواست کرده است.

الی کوهن وزیر خارجه اسرائیل اوایل مهرماه گفته بود، در صورت امضای توافقنامه صلح با عربستان سعودی، تا هفت کشور مسلمان دیگر مایل به عادی ساختن روابط خود با اسرائیل هستند تا با این کشور به صلح برسند.

در بین کشورهای اسلامی تا کنون امارات، بحرین، مراکش، اردن و سودان به «پیمان ابراهیم» پیوستند.

● رهبر جمهوری اسلامی در کنفرانس «وحدت اسلامی» ادعا کرده «عادی‌سازی روابط با اسرائیل محکوم به باخت است چرا که نهضت فلسطین امروز سرزنده‌تر و آماده‌تر از همیشه است و رژیم غاصب، رفتنی و در حال مرگ است.»

● رهبر جمهوری اسلامی ادعا کرده «بارها گفته‌ایم هیچکسی را به جنگ و اقدام نظامی تشویق نمی‌کنیم و از آن اجتناب هم می‌کنیم»، اما به نقل از روح‌الله خمینی تکرار کرد که اسرائیل «غده سرطانی» است!

● ابراهیم رئیسی نیز پیش از سخنرانی خامنه‌ای پشت تریبون رفت و خطاب به دولت‌های اسلامی گفت «سازش با رژیم صهیونیستی امنیت‌ساز نخواهد بود.»

در شرایطی که اسرائیل و عربستان سعودی در بالاترین رده‌های سیاسی با پشتیبانی آمریکا بین در تل‌آویو و ریاض در رفت و آمد و درگیر فراهم کردن شرایط برای نهایی شدن توافق «عادی‌سازی روابط» هستند، در تهران علی خامنه‌ای به رهبران عرب پیام داده که «قمار عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی شرط بندی روی اسب بازنده است.»

رهبر جمهوری اسلامی روز سه‌شنبه ۱۱ مهرماه در دیدار با مسئولان نظام، سفراء و نمایندگان بعضی کشورهای اسلامی در «کنفرانس وحدت» که به مناسبت تولد پیامبر اسلام برگزار شد تلاش‌ها برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل را به «قمار روی اسب بازنده» تشبیه کرد و گفت که «محکوم به باخت است چرا که نهضت فلسطین امروز سرزنده‌تر و آماده‌تر از همیشه است و رژیم غاصب، رفتنی و در حال مرگ است.»

خامنه‌ای در بخشی از این سخنرانی گفت «بارها گفته‌ایم هیچکسی را به جنگ و اقدام نظامی تشویق نمی‌کنیم و از آن اجتناب هم می‌کنیم، بنابراین دعوت به با هم بودن و اتحاد، برای جلوگیری از جنگ‌افروزی آمریکا است چرا که آنها جنگ‌افروزی می‌کنند و همه جنگ‌های منطقه عامل خارجی دارد.» ادعای خامنه‌ای در مورد اینکه «هیچکسی را به اقدام نظامی تشویق نمی‌کنیم» با عملکرد جمهوری اسلامی، اظهارات گذشته وی و همچنین اظهارات رهبران گروه‌های شبه‌نظامی

شخصی خرج شده است.

چند وبسایت حکومتی در ایران گزارش‌هایی در مورد «دردسرای اختلاس ۱۱۰ هزار یورویی برای علیرضا آخوندی» منتشر کردند. تکلیف وبسایت‌های وابسته به نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی روشن است. اما تا کنون این نماینده پارلمان سوئد به صورت رسمی یا در رسانه‌های اجتماعی خود واکنشی به این ادعاها نشان نداده است.

حتا روزنامه دولتی «ایران» نیز وارد این قضیه شده و علیه این نماینده ادعاهایی را مطرح کرده است. وقتی روزنامه‌ای وابسته به دولت جمهوری اسلامی به چنین موضوعی می‌پردازد، به احتمال زیاد می‌بایست از نهادهای تصمیم‌گیرنده‌ی حکومت چراغ سبز دریافت کرده باشد.

شماری از کاربران در شبکه‌های اجتماعی از فعالیت‌های آخوندی حمایت کرده‌اند و طرح اتهامات علیه وی را اقدامی از سوی سایبری‌های وابسته به نظام یا سایر جریان‌ها دانسته‌اند. گروهی دیگر اما وی را متهم کرده‌اند که «کاسبی» راه انداخته است.

در یکی از این موارد رسانه‌های حکومتی با استناد به ویدئویی از روناک یونسی بازیگر سابق سینما و تلویزیون که چند سالی است ساکن کانادا شده، درخواست وی را برای جمع‌آوری «نفری دو دلار پول یک لیوان کافی (قهوه)» برای کمک به مردم ایران سوژه کرده‌اند.

یونسی در این ویدئو گفته «بیرون ایران مبارزه فقط این نیست که پلاکارد به دست بگیریم و شعار بدهیم.» یونسی مجموعه‌ای با نام «hope_in_your_hearts» را معرفی کرده و ادعا می‌کند که آنها کار عملی انجام می‌دهند. روزنامه «فرهیختگان» چاپ تهران ویدئوی روناک یونسی را با هشتگ «#برانداز_دو_دلاری» بازتاب داده و آن را «شیوه جدید مبارزه (کاسبی)» نامیده است.

روزنامه «همشهری» در اینبار نوشته «در ادامه کلاهبرداری‌های اپوزیسیون از ساده‌لوحان، نوبت به روناک یونسی بازیگر فراری سینمای ایران رسید.»

مخالفان جمهوری اسلامی نیز به شکل فعالیت این افراد و گروه‌ها واکنش نشان داده‌اند و این احتمال را مطرح می‌کنند که این نوع کارها از طرف خود جمهوری اسلامی هدایت می‌شود. یک کاربر در ایکس نوشته «فردی که طی یک سال اخیر حتا یک پست در حمایت از انقلاب مردم ایران نزنه، حالا می‌خواهد لیدر براندازی شود! آیا دستور از جایی بهش رسیده که رخ براندازی بگیرد؟» برخی دیگر وی را عامل «به سخره گرفتن براندازان در خارج از کشور» نامیده‌اند.

پیشتر عباس عراقچی دبیر شورای راهبردی روابط خارجی جمهوری اسلامی به مقامات حکومت در ارتباط با اعتراضات و فعالیت‌های ایرانیان آزادیخواه و ملی‌گرا در خارج کشور هشدار داده بود که «نباید اجازه بدهیم اینطور مرتب علیه ما تظاهرات شود و مرتب پیام‌هایی داده شود.» تحریف و تخریب با مسائل مالی که افکار عمومی همواره نسبت به آن حساسیت دارد به همراه ابهامات مالی در برخی فعالیت‌ها حالا فرصتی برای حکومت شده تا به موج منفی علیه حمایت‌های مردمی ایرانیان در خارج کشور دامن بزند. اینهمه در حالیست که تنها پاسخ و ابزار علیه ترغندهای رژیم، شفافیت از جمله در زمینه‌های مالی است. شفافیت مالی و پاسخگویی افراد یا گروه‌هایی که مستقیم و غیرمستقیم برای کمک به مردم ایران از منابع دولتی یا غیردولتی بودجه دریافت می‌کنند یا بخشی از فعالیت‌های خود را با کمک‌های مردمی تأمین کرده‌اند به روشن شدن ابهامات کمک خواهد کرد و این کار از راه‌های مختلف از جمله رسانه‌های همگانی کاملاً ممکن و ضروری است.

ارسال «سیگنال‌های جعلی» روی سیستم ناوبری هواپیمای مسافربری در آسمان ایران



رومایی از نسل جدید پهپادهای ویژه جنگ الکترونیک در ارتش / مهرماه ۱۴۰۲

این مسئله آنقدر حاد شد که سوی سازمان هوانوردی فدرال آمریکا در بیانیه‌ای نسبت به «ایمنی پروازهای غیرنظامی در امتداد آسمان ایران هشدار داد. کاری که جمهوری اسلامی می‌کند ارسال پرازیت‌های غلط یا جعلی روی سیستم موقعیت‌یاب (GPS) هواپیماهاست. منحرف کردن خلبان از مسیر اصلی یکی از اهداف این حملات است. این کار با استفاده از سیستم جمر (Jammer) یا مختل‌کننده سیگنال GPS صورت می‌گیرد. «جمر»ها مختل‌کننده مسیر مخابراتی (GSM) یا مختل‌کننده مسیر ماهواره‌ای (GPS) هستند.

در یکی از این موارد خلبان یک هواپیمای «بوئینگ ۷۷۷» که بر فراز عراق از نزدیک مرزهای غربی ایران پرواز می‌کرد آنقدر از مسیر خودش خارج شده بود که از برج مراقبت فرودگاه بغداد پرسیده «ساعت چند است و ما کجا هستیم؟» نه فقط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بلکه ارتش جمهوری اسلامی نیز مدت‌هاست عملیات جنگ الکترونیک با تجهیزات جدید وارداتی یا بینه شده در کارخانه‌های داخلی را علیه هواپیماهای خارجی در منطقه آزمایش می‌کند. سرتیپ امیر رستگاری مدیرعامل شرکت صنایع الکترونیک ایران (صایران) اوایل اردیبهشت‌ماه سال ۱۴۰۲ ادعا کرد سیستم‌های الکترونیک سه «هواپیمای جاسوسی» دشمن در نزدیک مرزهای ایران هک شد و خلبان‌ها مجبور شدند به دلیل اشکال در سیستم‌ها به پایگاه‌های خود بازگردند. این مقام نظامی عنوان کرده بود «سیستم‌هایی را در اختیار داریم که خیلی می‌توانیم این موضوع را باز کنیم، اما قادریم تمام ابعاد امواج الکترومغناطیس دشمن را پایش کنیم و متناسب با آن آفند کنیم... شاید برخی خیلی هم این را درک نکنند... اما توان ما را هر مهاجمی که تا امروز محک زده متوجه شده است.»

تهدیدات جمهوری اسلامی وقتی نگران‌کننده‌تر خواهد شد که تعریف حکومت از «هواپیمای جاسوسی یا نظامی» متفاوت از استانداردهای بین‌المللی است و بر اساس سوابق نیروهای نظامی رژیم، این احتمال که ارگان‌های نظامی ←

● یک منبع آگاه به کیهان لندن می‌گوید در رزمایش ارتش پهپادهایی به کار گرفته شده که مأموریت آنها «جنگ الکترونیک» است و با روش‌های مختلف اقدام به اختلال در سیستم‌های الکترونیک و ناوبری هواپیماها می‌کنند. پیش از آغاز این رزمایش از حدود یک ماه قبل این پهپادها مورد آزمایش قرار گرفتند.

● در همین ارتباط گروه «OPS» که بر ایمنی پروازهای تجاری و مسافربری متمرکز است ۲۸ سپتامبر (ششم مهرماه) اعلام کرد بیش از ۲۰ هواپیمای خارجی هنگام پرواز از کریدورهای هوایی نزدیک مرکز ایران هدف حمله خرابکارانه ارسال سیگنال‌های جعلی روی سیستم جی‌پ‌اس خود قرار گرفته‌اند.

● در بعضی موارد شدت فرکانس امواج مزاحم آنقدر زیاد بوده که سیستم ناوبری الکترونیک غیرقابل استفاده شده و خلبان را مجبور کرده با روش‌های سنتی و با استفاده از تجربه خود از آن مناطق عبور کنند.

● کاری که جمهوری اسلامی می‌کند ارسال پرازیت‌های غلط یا جعلی روی سیستم موقعیت‌یاب (GPS) هواپیماهاست. منحرف کردن خلبان از مسیر اصلی یکی از اهداف این حملات است. این کار با استفاده از سیستم جمر (Jammer) یا مختل‌کننده سیگنال GPS صورت می‌گیرد.

همزمان با برگزاری رزمایش پهپادی ارتش جمهوری اسلامی در مناطق مرکزی و جنوب ایران از سه‌شنبه ۱۱ مهرماه خلبان‌هایی که بر فراز ایران یا نزدیک مرزهای هوایی ایران در آسمان خلیج فارس و دریای عمان یا مرز عراق و کویت پرواز کرده‌اند گزارش‌هایی در مورد دریافت پرازیت و سیگنال‌های مختل‌کننده دادند. یک منبع آگاه به کیهان لندن می‌گوید در رزمایش ارتش

آزمایش قرار گرفتند. این پهپادها این قابلیت را دارند تا علاوه بر ارسال پرازیت و سیگنال‌های مختل‌کننده روی هواپیماها، در ارتفاعات مشخص روی رادارهای زمینی و حتی سیستم‌های الکترونیک کشتی‌های در حال حرکت در دریا نیز اختلال ایجاد کنند. در همین ارتباط گروه «OPS» که بر ایمنی پروازهای تجاری و مسافربری متمرکز است ۲۸ سپتامبر (ششم مهرماه) اعلام کرد بیش از ۲۰ هواپیمای خارجی هنگام پرواز از کریدورهای هوایی نزدیک مرکز ایران هدف حمله خرابکارانه ارسال سیگنال‌های جعلی روی سیستم جی‌پ‌اس



دو اوپراتور پهپاد در یکی از کابین‌های هدایت پهپادهای ارتش جمهوری اسلامی

خود قرار گرفته‌اند. در بعضی موارد شدت فرکانس امواج مزاحم آنقدر زیاد بوده که سیستم ناوبری الکترونیک غیرقابل استفاده شده و خلبان را مجبور کرده با روش‌های سنتی و با استفاده از تجربه خود از آن مناطق عبور کنند.

پهپادهایی به کار گرفته شد که مأموریت آنها «جنگ الکترونیک» است و با روش‌های مختلف اقدام به اختلال در سیستم‌های الکترونیک و ناوبری هواپیماها می‌کنند. پیش از آغاز این رزمایش از حدود یک ماه قبل این پهپادها مورد

پایگاه خبری «هیل»: تاملها از اولین سلاح هسته‌ای خود رونمایی نکردند غرب باید دست به کار شود



بازدید ابراهیم رئیسی از دستاوردهای اتمی جمهوری اسلامی / فروردین ۱۴۰۱

حالی که رژیم ایران به سمت پیشرفت‌های اتمی و سایر فعالیت‌های بدخواهانه گام برمی‌دارد دولت بایدن در ازای گرفتن امتیازات واهی هسته‌ای، فشارها را از جمهوری اسلامی برداشته است. ابراهیم رئیسی هفته گذشته در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد قول داد که انتقام قتل قاسم سلیمانی را از مقامات سابق آمریکا بگیرد. بین‌المللی انرژی اتمی فاقد وزن انتقادی لازم از سوی اکثریت ۳۵ کشور عضو آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است. برای مثال، چنین قطعنامه‌هایی می‌توانند مهلت‌هایی را برای انطباق با خواسته‌های هیأت مدیره تعیین کنند یا کشورها را برای اقدامات متقابل مانند تحریم‌ها به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع دهند. آشکار است واشنگتن و سه قدرت اروپایی می‌ترسیدند که اگر به دنبال چنین کارهایی باشند، اقدامات شدیدی از سوی تهران انجام دهد.

فقدان انتقاد یا پاسخ‌های قوی به فعالیت‌های تهران دقیقاً همان چیزی است که جرأت رژیم را برای ادامه تهدیداتش بیشتر کرده است. گروهی در کنفرانس مطبوعاتی اخیر خود به «کاهش علاقه» کشورهای عضو به پاسخگو کردن ایران اشاره کرد. واشنگتن و سه قدرت اروپایی باید مسیر فعلی خود را که خطر برهم زدن امنیت بین‌المللی و نادیده گرفتن انپی‌تی را به دنبال دارد، تغییر دهند.

بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل در پاسخ به تخلفات هسته‌ای تهران، مزیت بیشتری نسبت به بازگرداندن تحریم‌های موشکی، پهپادی و تسلیحاتی سازمان ملل خواهد داشت که رژیم ایران سال‌هاست آن را نقض کرده و اکنون با ارسال تسلیحات به روسیه علیه اوکراین آن را بیش از پیش نقض می‌کند. بازگرداندن تحریم‌ها همچنین درخواست‌های بین‌المللی مبنی بر توقف بیشتر غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران را دوباره تحمیل می‌کند.

در پایان این یادداشت نتیجه گرفته شده که رژیم ایران نشان داده علاقه‌ای به انجام تعهدات خود در زمینه انپی‌تی ندارد، زیرا به اقدامات خود در جهت تولید مپ ادامه می‌دهد. غرب باید هم‌اکنون قبل از اینکه تهران، بدون مجازات، اولین سلاح هسته‌ای خود را بسازد و آزمایش کند، وارد عمل شود.

● جکی ولکات نماینده پیشین آمریکا در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و آندریا استریکر معاون مدیر برنامه منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و پژوهشگر «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» (FDD) در یادداشتی هشدار داده‌اند اگر دولت‌های غربی برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی را مهار نکنند تهران «زیرآبی» با نقض پنهان مفاد پیمان منع گسترش سلاح‌های اتمی (NPT) به سمت رونمایی از اولین سلاح اتمی خود می‌رود.

● آنها تأکید کردند «فقدان انتقاد یا پاسخ‌های قوی به فعالیت‌های تهران دقیقاً همان چیزی است که جرأت رژیم را برای ادامه تهدیداتش بیشتر کرده است».

جکی ولکات نماینده پیشین آمریکا در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۱) و آندریا استریکر معاون مدیر برنامه منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و پژوهشگر «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» (FDD) در یک یادداشت مشترک که ۲۹ سپتامبر (هفتم مهرماه) در پایگاه خبری «هیل» وابسته به کنگره آمریکا منتشر شد هشدار دادند اگر دولت‌های غربی برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی را مهار نکنند، تهران با نقض پنهان مفاد پیمان منع گسترش سلاح‌های اتمی (NPT) به سمت رونمایی از اولین سلاح اتمی خود می‌رود. در مقدمه این یادداشت آمده، «رژیم آخوندی مجوز یک سوم بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای دسترسی به تأسیسات هسته‌ای را لغو کرد. رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی این اقدام را «نامتناسب و بی‌سابقه» دانست و هشدار داد که «بطور مستقیم و جدی بر توانایی آژانس مانع نظارت بر صلح‌آمیز بودن برنامه‌های اتمی ایران خواهد بود».

نویسندگان توصیه کرده‌اند قدرت‌های جهانی باید رویکرد بی‌فایده خود را اصلاح کنند و تهران را به دلیل رفتار نادرست هسته‌ای مسئول بدانند. آنها باید در نشست بعدی شورای حکام آژانس که دوم اکتبر (۱۰ مهرماه) برگزار می‌شود، ایران را محکوم کنند و مهلتی برای تهران برای بازگرداندن بازرسان تعیین کنند. اگر رژیم سرپیچی کند، غرب باید تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی را بازگرداند.

ولکات و استریکر با اشاره به اینکه «تهران بطور کلی به وضعیت نگران‌کننده هسته‌ای رسیده» با استناد به گزارش‌های آژانس توضیح دادند این کشور اکنون برای ساخت ۱۰ سلاح هسته‌ای به اندازه کافی اورانیوم با درجه تسلیحاتی در اختیار دارد و در کمتر از چهار ماه می‌تواند به ساخت آن دست پیدا کند. علاوه بر این، توانایی ایران برای به اختلال در دسترسی بازرسان آژانس به تأسیسات هسته‌ای یا «زیرآبی رفتن» برای نقض مفاد انپی‌تی (معاهده منع اشاعه تسلیحات هسته‌ای) برای ساخت مخفیانه تسلیحات هسته‌ای روز به روز بیشتر قابل اجرا می‌شود، به ویژه زمانی که رژیم نظارت بازرسان بر فعالیت‌های خود را کاهش می‌دهد.

در بخش دیگری از این متن آمده «از زمان آغاز دوره ریاست جمهوری جو بایدن و بهبود روابط، ایران غرب را در مذاکرات [به دنبال خود] کشانده است، نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را به تدریج کاهش داده و گام‌های بیشتری به سوی آستانه هسته‌ای برداشته است. اکنون، در

و اطلاعاتی جمهوری اسلامی هر هواپیمایی را به اتهام جاسوسی هدف قرار دهند منتفی نیست. چنانکه کشتی‌های تجاری و نفتکش‌های خارجی هنگام تردد از آب‌های خلیج فارس و دریای عمان در موارد متعدد ارسال پارازیت یا اختلال در عملکرد سیستم ناوبری خود را گزارش داده‌اند.

در سال‌های اخیر موارد زیادی بوده که سپاه پاسداران کشتی‌ها و نفتکش‌های خارجی را به بهانه انحراف از مسیر و ورود به مرزهای آبی ایران توقیف کرده است. در صورتی که ملوانان آن کشتی‌ها گزارش دادند بر اساس آنچه سیستم‌های الکترونیک آنها نشان می‌داد از مسیر خارج نشده بودند. **رزمایش پهپادی ارتش**

علیرضا شیخ سخنگوی رزمایش پهپادی ارتش چهارشنبه ۱۲ مهرماه گفته است در این رزمایش پهپاد «کمان ۱۹» با مأموریت «اخلال هواپایه و اقدامات جنگ الکترونیک» آزمایش شده است. همچنین پهپادهای «ابابیل ۴» با هدف ایجاد اختلال در سیستم‌های الکترونیک سایر هواپیماها و پهپادها به کار گرفته شده‌اند. در این رزمایش پهپادها برای عملیات آفندی در «محیط اخلالی جنگالی» (جنگ الکترونیک) مورد آزمایش قرار می‌گیرند.

یکی دیگر از موارد نگران‌کننده، تولید تجهیزات الکترونیک در داخل ایران با کیفیت پایین و کارایی ناقص است. اتفاقاً همین چرخه تولیدات انواع تجهیزات در صنایع نظامی ایران نیز به شدت زیر نفوذ جاسوس‌ها قرار دارد. از سوی دیگر کیفیت قطعاتی که برای ساخت این تجهیزات استفاده می‌شود بسیار پایین است. در واقع مشخص نیست دلالت‌ها در بازار سیاه قطعات را به چه کیفیتی به رژیم ایران فروخته‌اند. بنابراین ضریب خطا در این تجهیزات که فوق‌العاده حساس‌اند بالاست.

سابقه استفاده از «جرم»ها توسط ارتش و سپاه

یک منبع در ارتش جمهوری اسلامی اوایل فروردین ۱۴۰۲ به کیهان لندن در مورد برنامه‌ریزی‌های نیروهای مسلح برای «جنگ الکترونیک» هشدار داده بود. وی توضیح داده بود «فناوری‌هایی که روسیه در زمینه مخابراتی به ایران تحویل می‌دهد تا حدودی کار حکومت را برای جاسوسی از مخالفان داخلی و شنود یا ابزارهایی برای حذف مخالفان یا روش‌های اعتراف‌گیری با مواد خاص راه می‌اندازد اما در آن بخش از تجهیزات و تسلیحاتی که مربوط به جنگ الکترونیک [یا صنایع سنگین نظامی است، روس‌ها جمهوری اسلامی را سر کار گذاشته‌اند و صرفاً در حد تبلیغات رسانه‌ای است. از جمله در مورد هواپیماهای جنگنده سوخو... چطور ممکن است وقتی قطعات سوخو ۲۲ را که دست سپاه است یا قطعات میگ ۲۹ نیروی هوایی ارتش را به آنها نمی‌دهد و یا شرکت‌های فرعی و دلالت‌هایشان این قطعات را چند برابر قیمت می‌فروشند، حالا سوخو ۳۵ به حکومت تحویل بدهند؟!»

وی در ادامه توضیح داد که «آنچه باید در مورد آن نگران بود ارسال تجهیزات پخش پارازیت از روسیه و چین به ایران است. تجهیزاتی که با تغییر فرکانس می‌شود از آنها برای پارازیت روی GPS استفاده کرد. اقدامی که می‌تواند در منحرف کردن مسیر پرواز هواپیماها و ناوها و کشتی‌های تجاری اختلال ایجاد کند.»

این منبع همچنین گفته بود «ارتش و همچنین سپاه پاسداران قبلاً توانسته‌اند از این تجهیزات چند مایل در حدی که بتوانند ادعا کنند یک شناور وارد مرزهای آبی ایران شده استفاده کنند... ملوانان در آب‌های جنوب ایران متوجه شده‌اند در فواصلی که در شمال نزدیک به سواحل و آب‌های سرزمینی ایران می‌شوند باید چه اقدامی کنند که در صورت جمینگ اقدامات لازم را انجام دهند.»

تحقیر مضاعف کارگران و بازنشستگان از سوی دولت؛ فعلا خبری از افزایش دستمزد نیست!



بود که با نرخ تورم و هزینه زندگی در ایران فاصله‌ی عمیقی دارد.

ماه‌ها پیش رقم خط فقر برای یک خانواده ۴ نفره ساکن تهران ماهانه ۳۲ میلیون تومان و برای یک خانواده ساکن دیگر شهرهای ایران بطور میانگین ۲۰ میلیون تومان برآورد شده است.

افزایش تنها ۲۷ درصدی حقوق در حالیست که تورم در حال حاضر در مرز ۵۰ درصد است و میانگین تورم مواد خوراکی به حدود ۷۰ درصد می‌رسد. همچنین مسکن بعنوان یک کالای ضروری که به گفته کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی سهمی بیشتر از ۶۰ درصد در سبد هزینه خانوار دارد، تورمی بزرگتر از ۴۰ درصد را از سر گذرانده، هزینه بهداشت و درمان ۵۴ درصد بیشتر و حمل و نقل ۵۰ درصد گران شده است. همچنین کارشناسان پیش‌بینی کرده‌اند که تورم در سال ۱۴۰۲ رقمی بالای ۴۰ درصد خواهد بود.

این شرایط که به معنای تحمیل فقر و فلاکت بیشتر به ۱۵ میلیون خانواده کارگری و بیش از ۳ میلیون خانوار بازنشسته و مستمری‌بگیر تأمین اجتماعی بود.

همزمان با تعیین رقم حداقل دستمزد کارشناسان اقتصادی در محاسباتی اعلام کرده بودند هزینه زندگی برای یک خانواده چهار نفره در تهران حدود ۳۰ میلیون تومان در ماه و همین رقم در شهرهای دیگر بطور میانگین ماهانه ۲۰ میلیون تومان است.

تعیین این رقم توهین‌آمیز و تحقیرکننده به عنوان رقم حداقل دستمزد که زندگی حدود ۲۰ میلیون نفر در کشور به عنوان کارگران و بازنشستگان تأمین اجتماعی و دیگر

برای افزایش حقوق‌ها در نیمه دوم سال تصمیم‌گیری کنند. علی حسین رعیتی فرد در حالی آب پاکی را روی دست کارگران ریخته که در توجیه بی‌توجهی دولت به مشکلات معیشتی کارگران و دیگر حقوق‌بگیران گفته که «طبق قانون میزان افزایش حداقل حقوق با توجه به تورم و نه الزاما به اندازه تورم است. سال گذشته تورم ۴۱ درصد بود درحالی‌که حداقل حقوق ۵۷ درصد افزایش یافت، امسال هم در یک فرایند سه جانبه‌گرایی افزایش حداقل حقوق مشخص شد. البته قبول دارم با توجه به تورم شرایط کارگران و حتی کارمندان دچار مشکل شده اما اینکه صرف نمایندگان کارگران پیشنهاد برگزاری جلسه افزایش حداقل حقوق را داشته باشند، کافی نیست.»

معاون وزیر کار در سخنانی غیرمسئولانه گفته که «ما مانع این نیستیم که کارفرما حقوق بیشتری به کارگر بدهد، شورای عالی کار طبق ماده ۴۱ قانون سالانه کف و حداقل حقوق را مشخص می‌کند. برای سقف حقوق مانعی وجود ندارد و کارفرما می‌توان میزان بیشتری بدهد یا سبد معیشت در نظر بگیرد، در این زمینه مشکلی وجود ندارد.»

این در حالیست که بدون شک کارفرمایان نیز حاضر نیستند «حقوق بیشتری» به کارگران بپردازند چون این موضوع باعث افزایش و کاهش حاشیه سود کارفرمایان خواهد شد.

کمیت دستمزد در شورای عالی کار در آخرین ساعات سال گذشته رقم حداقل دستمزد در سال ۱۴۰۲ را پنج میلیون و ۳۰۷ هزار و ۳۳۰ تومان تصویب کرد. بر اساس مصوبات کمیت دستمزد اگر کارگری همه مزایای شغلی را دریافت کند در نهایت دریافتی او حدود ۵/۸ میلیون تومان خواهد

● معاون وزیر کار با بیان اینکه «برای افزایش دستمزد به نتیجه نرسیده‌ایم» گفته جلسه شورای عالی کار تا آخر مهرماه برگزار می‌شود اما افزایش حقوق کارگران در دستور کار قرار ندارد.

● یک فعال کارگری گفته کارگری کردن در ایران دیگر صرفه اقتصادی ندارد و افراد با انجام دادن مشاغل کاذب در زمان کمتری می‌توانند هزینه‌های خود را تأمین نمایند.

● فعالان کارگری و بازنشسته از بهار امسال خواستار افزایش دستمزدها شدند و دولت آنها را ماه‌هاست معطل تصمیم‌گیری خود کرده است.

در حالی که کارگران و دیگر اقشار حقوق‌بگیر ماه‌هاست در انتظار افزایش دستمزدها هستند معاون وزیر کار گفته برای افزایش دستمزد به نتیجه نرسیده‌ایم. عضو هیئت مدیره کانون بازنشستگان تهران معتقد است همان روزی که شورای عالی کار مصوبه دستمزد ۱۴۰۲ را با آن شرایط خاص و البته به سختی مصوب کرد، کاملاً مشخص بود اراده‌ای برای ترمیم حقوق کارگران وجود ندارد.

علی حسین رعیتی‌فرد معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با بیان اینکه «برای افزایش دستمزد به نتیجه نرسیده‌ایم» گفته جلسه شورای عالی کار تا آخر مهرماه برگزار می‌شود اما هنوز مطلبی در مورد تجدیدنظر در حقوق کارگران در دستور کار قرار نگرفته است.

جامعه کارگری و دیگر حداقل‌بگیران مدت‌هاست در انتظار تشکیل جلسه شورای عالی کار هستند به این امید که مقامات دولت، نمایندگان کارفرمایان و نمایندگان کارگران افزایش رقم حداقل دستمزد را در دستور کار قرار داده و



ماتیو میلر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا

سخنگوی وزارت خارجہ دولت بایدن از پاسخ در مورد تهدیدات شیمیایی و موشکی جمهوری اسلامی طفره رفت!

بر اساس معاهده قطب جنوب در سال ۱۹۵۹ ایجاد پایگاه نظامی در آن منطقه ممنوع است. میلر تأکید کرد «آمریکا به این تعهد پایبند است... البته ایران عضو این معاهده نیست، اما ما به صراحت با هرگونه تلاش برای نظامی کردن قطب جنوب مخالفیم. فعالیت‌های نظامی، چه توسط ایران و چه توسط هرکس دیگر، در آن محیط منحصر به فرد ممنوع است.»

خبرنگار سپس در مورد تهدیدات فضایی جمهوری اسلامی و قرار دادن ماهواره‌های نظامی در مدار سؤال پرسید که میلر پاسخ قانع‌کننده‌ای نداد و فقط به این جمله اکتفا کرد که «پرتاب این موشک‌ها نقض قطعنامه‌های شورای امنیت است.» وی در ادامه به پرسشی در مورد پایان تحریم‌های تسلیحاتی رژیم ایران در ماه اکتبر پاسخ داد و گفت «به دنبال آن هستیم که با شرکای آمریکا در اینباره کار کنیم اما مسئله از اختیار مقامات آمریکایی خارج است و برای تمدید آن دولت‌های اروپایی باید اقدام کنند.»

یکی دیگر از پرسش‌ها در مورد افشای «عملیات شبکه نفوذ لایبرگن جمهوری اسلامی» در دولت آمریکا بود. ماتیو میلر در این مورد هم از دادن پاسخ قانع‌کننده طفره رفت و گفت: «من هیچ دلیلی ندارم که باور کنم ایران با یک عملیات در دولت ایالات متحده نفوذ کرده است. این حال، همانطور که به راب مالی مربوط می‌شود، این تحقیقات همچنان ادامه دارد... فعلاً پاسخی ندارم.»

در پایان این جلسه یکی از خبرنگاران با اشاره به افزایش حملات پهبادی روسیه به اوکراین با پهبادهای «شاهد» از میلر پرسید «احساس شما از اینکه چرا ایران در اقدام علیه اوکراین مشارکت دارد چیست؟ چرا با چنین رژیمی سر و کار داریم؟» میلر پاسخ داد: «ببینید، من فکر می‌کنم که شاهد ادامه اقدامات ایران در حمایت از رژیم‌های غیرلیبرال و حمایت از اقدامات تجاوزکارانه، هم در حیاط خلوت خود و هم در سراسر جهان هستیم که متأسفانه فعالیت‌های بسیار زیانباری هستند... ما گام‌هایی برای اعمال تحریم علیه کسانی که چنین سلاح‌هایی را برای کمک به جنگ روسیه علیه اوکراین ارائه کرده‌اند، برداشته‌ایم و به این کار ادامه خواهیم داد.» وی افزود اطلاعات جدیدی در مورد تبادلات تسلیحاتی میان روسیه و جمهوری اسلامی ندارد.

در ماه‌های اخیر دولت بایدن با نادیده گرفتن طیف گسترده‌ای از تهدیدات جمهوری اسلامی، در معامله‌ای محرمانه در ازای آزادی پنج گروگان آمریکایی- ایرانی شش میلیارد دلار از منابع بلوکه شده ایران را آزاد کرد. پولی که که به گفته مخالفان رژیم صرف تأمین هزینه‌های تروریسم و تنش‌آفرینی در منطقه و جهان و سرکوب مردم در داخل کشور می‌شود.

● ماتیو میلر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا می‌گوید «با توجه به اینکه جمهوری اسلامی اجازه نداد بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از تأسیسات داخل ایران بازدید کنند، فکر می‌کنم تا بازگشت مجدد ایران به برجام فاصله زیادی در پیش داریم.»

● وزارت دفاع آمریکا یک هفته قبل گزارش مربوط به وضعیت مقابله با سلاح‌های کشتار جمعی در سال ۲۰۲۳ را منتشر کرد. در این گزارش آمده «ایران به کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی پایبند نیست». یک خبرنگار با اشاره به این گزارش از میلر پرسید «آیا آمریکا از امکاناتی که ایران اعلام نکرده است مطلع است؟» وی از پاسخ به این سؤال خودداری کرد و آن را مربوط به وزارت دفاع دانست!

در شرایطی که مقامات جمهوری اسلامی از «ابتکار ژاپن» برای آغاز دور تازه از مذاکرات غیرمستقیم میان ایران و آمریکا استقبال کرده‌اند، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا روز دوشنبه ۹ سپتامبر (دهم مهرماه) در یک کنفرانس خبری گفت «راه طولانی برای بازگشت مجدد ایران به برجام باقی مانده است.»

ماتیو میلر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا با تأکید بر اینکه «همچنان معتقدیم دیپلماسی بهترین گزینه برای مهار برنامه هسته‌ای ایران است» گفته «ما همچنان از ایران می‌خواهیم که گام‌هایی برای کاهش تنش بردارد [اما] با توجه به اینکه جمهوری اسلامی اجازه نداد بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از تأسیسات داخل ایران بازدید کنند، فکر می‌کنم تا بازگشت مجدد ایران به برجام فاصله زیادی در پیش داریم... ما به دیپلماسی برای محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران متعهد هستیم، اما هنوز ایران گام‌های لازم را برنداشته است.»

وزارت دفاع آمریکا یک هفته قبل گزارش مربوط به وضعیت مقابله با سلاح‌های کشتار جمعی در سال ۲۰۲۳ را منتشر کرد. در این گزارش آمده بود «ایران به کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی پایبند نیست». یک خبرنگار با اشاره به این گزارش از میلر پرسید «آیا آمریکا از امکاناتی که ایران اعلام نکرده است مطلع است؟» وی از پاسخ به این سؤال خودداری کرد و آن را مربوط به وزارت دفاع دانست!

یکی دیگر از پرسش‌ها مربوط به ادعای فرمانده نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی برای ایجاد یک پایگاه در قطب جنوب بود. یک خبرنگار با اشاره به اظهاراتی در مورد موشک‌های بالستیک ایران در همین زمینه پرسشی را مطرح کرد. میلر ادعای ایجاد پایگاه در قطب جنوب را بیشتر بلوف خواند اما تأکید کرد قطب جنوب باید پایگاهی برای تحقیقات علمی و اکتشافات در حوزه‌های صلح‌آمیز باشد.

حداقل بگیران را متأثر می‌کرد با واکنش شدید جامعه کارگری و بازنشستگان روبرو شد. فعالان کارگری و بازنشسته از بهار امسال خواستار افزایش دستمزدها شدند و دولت آنها را ماه‌هاست معطل تصمیم‌گیری خود کرده است.

علیرضا حدیدی عضو هیئت مدیره کانون بازنشستگان تهران معتقد است که همان روزی که شورای عالی کار مصوبه دستمزد را با آن شرایط خاص و البته به سختی مصوب کرد، کاملاً مشخص بود اراده‌ای برای ترمیم حقوق کارگران وجود ندارد. در واقع استراتژی شان چیزی جز این نبود که حقوق کارگران برخلاف کارمندان افزایش پیدا نکند. یعنی اگر می‌خواستند به شکل منطقی و قانونی دستمزد ۱۴۰۲ را تصویب کنند، تقریباً روند نشان می‌داد، حداقل دستمزد کمتر از نرخ تورم رسمی اعلامی نباشد و بعضاً بیش از آن هم بود. البته نوع مصوبه طوری بود که روی متوسط دستمزدها هزینه کارفرمایی زیر نرخ تورم رسمی اعلامی اتفاق می‌افتاد.

عضو هیئت مدیره کانون بازنشستگان تهران در ادامه افزوده که «درست است که حداقل دستمزد معادل یا کمی بیشتر از میزان تورم بود، اما سر جمع هزینه‌های کارفرما اعم از حداقل و سطوح بطور میانگین پایین‌تر از نرخ تورم بود. به این معنی که کارفرماها همیشه برنده بودند، اما در ۱۴۰۲ اتفاق عجیبی افتاد؛ یعنی سیاستگذاری دولت در تعیین دستمزد کارگران به واسطه‌ای بود که تقاضای موثر بازار را کاهش بدهند تا این کاهش تقاضا منجر به کاهش مصرف شود و همچنین کاهش مصرف تعادل قیمتی را موجب شود و اینکه ادعای کاهش ۲ یا ۳ درصدی تورم ناشی از کاهش قدرت خرید واقعی نیروی کار است.»

این فعال بازنشستگان تأکید کرده که «این ادعا که «توانسته ایم به وسیله ابزارهای مالی و پولی تورم را کنترل کنیم» صرفاً ادعایی بیش نیست که شاخص‌ها هم موید همین موضوع است. یعنی کاهش مصرف مواد غذایی کم شده است، الگوی مسکن تعدیل شده و همچنین سایر الگوهای مصرف در حوزه‌های دیگر هم یا به اختیار یا با اجبار کاهش پیدا کرده است که این روند موجب کاهش تقاضای کل شده است که این مسئله موجب ارزان شدن برخی از قیمت‌ها شده که این افتخار بزرگی نیست که مردم را فقیرتر کنید تا نشان بدهید در کاهش تورم موفق شده‌اید.»

دستمزد ناچیز نه تنها سفره خانوارهای کارگری و بازنشسته را کوچک کرده بلکه تهدیدهایی نیز در زمینه اشتغال ایجاد کرده است. در همین رابطه میرعلی شیرافکن فعال کارگری گفته که «متأسفانه در کشور ما کارگری کردن دیگر صرفه اقتصادی ندارد و معضلی که در حال اتفاق افتادن می‌باشد این است که افراد با انجام دادن مشاغل کاذب در زمان کمتری می‌توانند هزینه‌های خود را تأمین نمایند.»

این فعال کارگری افزوده که گروه کارگری در شورای عالی کار تمام تلاش خود را به کار بسته‌اند تا مزد مورد بازننگری قرار بگیرد ولی متأسفانه وزیر محترم کار همکاری لازم نمی‌کند و هم‌سو نیست.

به گفته میرعلی شیرافکن وقتی معیشت خانواده‌ها تأمین نشود و نیروی کار به مشاغل کاذب روی بیاورد، قطعاً به اقتصاد کشور و کارفرمایان ضربه وارد می‌شود؛ لذا کارفرمایان برای اینکه تولید همراه با سود بیشتر داشته باشند از اتباع خارجی به جای نیروی کار داخلی در مجموعه اقتصادی خود بکار می‌گیرند و اینگونه اقتصاد کشور به نیروی خارجی وابستگی پیدا خواهد کرد.

پرونده فساد ۲۰ هزار میلیارد تومانی؛ بازداشت دو فرزند معاون اول قوه قضاییه از ۸ ماه پیش



محمد مصدق کهنمویی (نفر اول سمت چپ) در حال دریافت لوح از غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه

مال با محمد رستمی صفا در حق شبکه بانکی» محکوم شدند.

هرچند سابقه پرونده فساد اقتصادی محمد رستمی صفا به دو دهه پیش بازمی‌گردد و او از سال ۱۳۹۴ در ارتباط با پرونده فساد مالی بازداشت شد اما قابل توجه اینکه تا چند ماه پیش هیچ نامی از دو فرزند محمد مصدق کهنمویی در این پرونده وجود نداشته است!

محمد رستمی صفا از پیمانکاران شناخته شده در صنعت گاز کشور به شمار می‌رفت که در حوزه‌های دیگر صنعتی نیز فعال بوده است. او در فاصله سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۷ با تأسیس تعداد زیادی شرکت و کارخانه داخلی و خارجی، شروع به دریافت وام‌های کلان و اعتبارات ریالی و ارزی در داخل و خارج از ایران و از بانک‌های مختلف کرد و گروه صنعتی صفا، فعالیت خود را در دهه هشتاد در زمینه‌های مختلفی همچون صنایع فولاد، سازه‌های فلزی، صنعت پلیمر، سیم و کابل، نوشت‌افزار، صنایع غذایی و آموزش علمی کاربردی گسترش داد.

رسانه‌های حکومتی محمد رستمی صفا را در شرایطی که در حال گرفتن وام‌های کلان بی‌بازگشت بود با عناوینی چون «قهرمان اقتصادی»، «ژنرال اقتصادی»، «کارآفرین نمونه» و «مدیر تراز بخش خصوصی» مطرح می‌کردند.

همه افرادی که در سال‌های گذشته در بخش خصوصی فعال اما به عنوان بدهکاران بانکی یا فاسد اقتصادی بازداشت و محاکمه شدند، روابط پیچیده‌ای با مقامات حکومتی و یا فرزندان آنها داشته و در ساختار مافیایی جمهوری اسلامی فعال بوده‌اند.

محمد مصدق کهنمویی که اکنون نام فرزندانش در یکی از بزرگترین پرونده‌های فساد اقتصادی سال‌های اخیر مطرح شده سال‌ها در قوه قضاییه مسئولیت‌های مختلفی داشته است. محمد مصدق کهنمویی زاده ۱۳۴۱، آخوند و در حال حاضر معاون اول قوه قضاییه جمهوری اسلامی و عضو شورای پژوهش پژوهشکده حقوق و قانون ایران است. او پیشتر ریاست دیوان عدالت اداری، معاونت حقوقی قوه قضاییه و معاون اول دادستان کل کشور را بر عهده داشت.

نفر دیگر بازداشت می‌شوند.

فرهیختگان همچنین نوشته متهم اصلی پرونده فردی با هویت «ح» دارای روابط صمیمی با برخی افراد رده بالا در مجموعه‌های مختلف نظام بوده است.

خبرگزاری «تسنیم» نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز روز یکشنبه ۹ مهرماه در گزارشی جداگانه نوشته که بررسی این پرونده فساد اقتصادی از حدود هشت ماه پیش این پرونده با دستور رئیس قوه قضاییه آغاز شده و غلامحسین محسنی اژه‌ای «به دلیل برخی موارد آن به حفاظت قوه قضاییه و اطلاعات سپاه ارجاع می‌دهد و تأکید می‌کند که بدون هیچ ملاحظه‌ای همه موارد بررسی شود.»

خبرگزاری «تسنیم» نوشته تا کنون ۸ نفر در ارتباط با این پرونده بازداشت شدند و افزوده که «در بخشی از این پرونده فردی به نام رستمی صفا نیز مطرح می‌شود، ابردهکار بزرگ بانکی‌ای که هیچ بانکی هم از او شکایت نکرده بود!»

این گزارش افزوده که «دادگاه حکم قطعی و لازم‌الاجرای پرونده رستمی صفا را صادر کرد که با رأی صادره بیش از ۲۰ هزار میلیارد تومان به شبکه بانکی کشور باز خواهد گشت.»

محمد رستمی صفا متولد ۱۳۲۶ مالک گروه صنعتی «رستمی صفا» است که نام او به عنوان «یکی از بزرگترین ابردهکاران بانکی» مطرح شد.

بر اساس احکام این پرونده که امرداد امسال صادر شد، محمد رستمی صفا به «۱۵ سال حبس تعزیری»، «محرومیت از هرگونه خدمات دولتی» و «رد مال در حق شبکه بانکی کشور به میزان ۱۸۱ میلیون و ۷۵۴ هزار یورو، ۹۶ میلیون و ۲۷۶ هزار دلار، یک میلیارد و ۵۱۴ میلیون و ۶۹۶ هزار یورو و ۱۹ هزار و ۴۹۷ میلیارد و ۱۹۲ میلیون و ۶۵۶ هزار ریال محکوم شد.

مهدی رستمی صفا نیز به ۲۰ سال حبس تعزیری و امیرحسین رستمی صفا هم به ۱۲ سال حبس تعزیری و محرومیت از هرگونه خدمات دولتی و مشارکت در «رد

● دو فرزند محمد مصدق کهنمویی معاون قوه قضاییه از هشت ماه پیش در ارتباط با پرونده فساد ۲۰ هزار میلیارد تومانی در بازداشت بسر می‌برند.

● همه افرادی که در سال‌های گذشته به عنوان بدهکاران بانکی یا فاسد اقتصادی بازداشت و محاکمه شدند، روابط پیچیده‌ای با مقامات حکومتی و نزدیکان آنها داشته و در ساختار مافیایی جمهوری اسلامی فعال بوده‌اند.

● خبرگزاری «تسنیم» نوشته تا کنون ۸ نفر در ارتباط با این پرونده بازداشت شدند و «در بخشی از این پرونده فردی به نام رستمی صفا نیز مطرح می‌شود، ابردهکار بزرگ بانکی‌ای که هیچ بانکی هم از او شکایت نکرده بود!»

دو فرزند معاون اول قوه قضاییه از هشت ماه پیش و در ارتباط با پرونده فساد مالی ۲۰ هزار میلیارد تومانی محمد رستمی صفا، مالک گروه صنعتی رستمی صفا، در بازداشت بسر می‌برند.

در روزهای گذشته خبری درباره بازداشت دو فرزند محمد مصدق کهنمویی معاون اول قوه قضاییه جمهوری اسلامی در ارتباط با یک پرونده فساد مالی بزرگ منتشر شد. مسعود ستایشی سخنگوی قوه قضاییه جمهوری اسلامی روز چهارم مهر در نشست خبری با تأیید وجود چنین پرونده‌ای در قوه قضاییه گفت «هر زمانی که پرونده به لحاظ قانون آماده اطلاع رسانی شد در مورد آن اطلاع‌رسانی خواهد شد.»

اکنون دو خبرگزاری «تسنیم» و «فرهیختگان» خبرهای غیررسمی بازداشت دو پسر محمد مصدق کهنمویی را تأیید کرده و گزارش داده‌اند دو فرزند معاون قوه قضاییه از هشت ماه پیش در ارتباط با این پرونده در بازداشت بسر می‌برند.

وبسایت «فرهیختگان» نزدیک به دانشگاه آزاد اسلامی امروز دوشنبه ۱۰ مهر ۱۴۰۲ نوشته که مهمترین بخش نشست خبری هفته گذشته سخنگوی قوه قضاییه پاسخ به پرسش یکی از خبرنگاران پیرامون «بازداشت» یا «احضار» نزدیکان یکی از مقامات ارشد دستگاه قضایی بود. مسعود ستایشی ضمن تأیید خبر، بدون نام بردن از اینکه آن مقام ارشد دستگاه قضا کیست، از «تشکیل پرونده» و پیگیری آن بدون «هیچگونه تبعیض» و «اطلاع‌رسانی» آن در هر زمانی که به لحاظ قانونی امکان آن را داشته باشد، خبر داد.

«فرهیختگان» با تأیید اینکه آن مقام قوه قضاییه که از سوی سخنگوی این قوه بازداشت فرزندانش تأیید شده محمد مصدق کهنمویی معاون اول قوه قضاییه است، به نقل از یک منبع آگاه افزوده که «رسیدگی به این پرونده از حدود ۸ ماه پیش با دستور ریاست قوه قضاییه آغاز شده است. با توجه به جایگاه معاون اول قوه و اینکه وی دارای رده حفاظتی بوده است، ورود به پرونده اتهامی پسران این مقام عالی قضایی نیازمند دستور شخص ریاست قوه قضاییه بوده است.»

این گزارش افزوده غلامحسین محسنی اژه‌ای در دو دستور جداگانه به حفاظت اطلاعات قوه قضاییه و ضابط قضایی خارج از قوه قضاییه، خواهان «تحقیق از مقام قضایی» و «بازرسی» در مورد این پرونده می‌شود و «پس از تحقیقات، دو نفر از فرزندان محمد مصدق کهنمویی به همراه شش

دستگیری سارق کابل برق در شهرک صنعتی اصفهان به اتهام «خرابکاری»

در اطلاعیه‌ای اعلام شده سارق کابل‌های شبکه دیتای یکی از بزرگترین شهرک‌های صنعتی اصفهان را سرقت کرده که باعث اختلال در روند توزیع برق شده است.

- کمتر سابقه داشته که نهادهای امنیتی و اطلاعاتی سارق کابل‌های برق را نیز «عامل خرابکاری» معرفی کنند.

- حالا مشخص نیست فرد واقعاً سارق بوده و اتهام «خرابکاری» به وی نسبت داده شده یا اینکه واقعاً هدف خرابکاری داشته اما به دلایل امنیتی، موضوع «سرقت» در خبر و اطلاعیه نیروی انتظامی عنوان شده است.

سازمان اطلاعات فرماندهی انتظامی استان اصفهان پنجشنبه ششم مهرماه در اطلاعیه‌ای از دستگیری «عامل خرابکاری» در شبکه دیتای توزیع برق اصفهان خبر داد.

در متن این اطلاعیه آمده «در پی اقدامات خرابکارانه به واسطه سرقت کابل در شبکه دیتای یکی از بزرگترین شهرک‌های صنعتی اصفهان و اختلال در روند توزیع برق، موضوع در دستور کار عوامل سازمان اطلاعات فرماندهی انتظامی استان اصفهان قرار گرفت.»

عنوان شده فرد سارق با اقدامات اطلاعاتی، شناسایی و در «مخفیگاه» خود دستگیر و به «ارتکاب بزه» اعتراف کرد و روانه زندان شد.

اصفهان یکی از استان‌هایی است که آمار سرقت سیم و کابل‌های برق در آن بالاست. در تیرماه سال جاری دست‌کم دو مورد سارقان کابل‌های برق در اصفهان بازداشت شدند. این دو سارق سابقه‌دار ۱۶ تیرماه در اصفهان بازداشت شده و به چندین فقره سرقت اعتراف کردند. همچنین ۱۹ تیرماه نیز دو نفر که به همین اتهام بازداشت شده بودند به ۱۰ فقره سرقت اعتراف کردند.

کمتر سابقه داشته که نهادهای امنیتی و اطلاعاتی سارق کابل‌های برق را «عامل خرابکاری» معرفی کنند.

خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تیتراژ اول مربوط به این خبر از «کشف خرابکاری بزرگ» خبر داده اما زیر همان تیتراژ بازداشت عامل «دستکاری در شبکه دیتا برق» خبر داده شده است.

حالا مشخص نیست فرد دستگیرشده واقعاً سارق بوده و اتهام «خرابکاری» به وی نسبت داده شده یا اینکه واقعاً هدف خرابکاری داشته اما به دلایل امنیتی، موضوع «سرقت» در خبر و اطلاعیه نیروی انتظامی عنوان شده است.

در ماه‌های اخیر نهادهای امنیتی و اطلاعاتی داخلی هم با هدف قدرت‌نمایی و هم برای ارباب مردم، بارها اعلام کرده‌اند که «تیم‌های خرابکار» را در گوشه و کنار ایران شناسایی و بازداشت کرده‌اند. حالا به نظر می‌رسد نظام ترجیح داده حتا سرقت را هم پای «خرابکاری» و تحرکات امنیتی بنویسد.

محمد اسلامی: حذف سه چهار بازرس آژانس عددی نیست! «اطلاعات درمی‌آوردند!»



کنفرانس مطبوعاتی گروسی و اسلامی / اسفند ۱۴۰۱

● رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی گفته «هیچ بازرسی اخراج نشده» بلکه اسامی سه چهار بازرس تبعه سه کشور اروپایی را که «مرتب رفتار تند سیاسی علیه جمهوری اسلامی دارند از لیست حذف کردیم».

● وی آژانس و بازرسان آن را متهم به «رفتار سیاسی و عملیات روانی» کرده و خطاب به غربی‌ها گفته «هر زمان تحریم‌ها لغو شود، همه مفاد برجام را اجرا می‌کنیم!»

● محمد اسلامی در جمع خبرنگاران توضیح داده اینکه بازرسان آژانس دوباره بیایند از داخل مکان‌های هسته‌ای «اطلاعات دربیابند» و فشار ایجاد کنند جریان‌سازی رفتار سیاسی است. گویا مقامات رژیم توقع دارند وقتی بازرسان اقدام به بازدید از یک سایت یا تأسیسات غنی‌سازی می‌کنند دیگر به سراغ آن نروند! این در حالیست که نظارت آژانس بین‌المللی بر فعالیت‌های صلح‌آمیز اتمی در همه کشورها بطور مداوم و مکرر است به ویژه اگر مانند جمهوری اسلامی مشکوک باشند!

در شرایطی که به گفته مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اخراج بازرسان آژانس از ایران نظارت بر برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی را مختل کرده، رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی می‌گوید، «حذف سه چهار بازرس از بین ۱۲۷ بازرس عددی نیست!»

محمد اسلامی روز چهارشنبه ۱۲ مهرماه در جمع خبرنگاران ادعا کرد، «هیچ بازرسی اخراج نشده» بلکه اسامی سه چهار بازرس تبعه سه کشور اروپایی که «مرتب رفتار تند سیاسی علیه جمهوری اسلامی دارند از لیست حذف کردیم».

وی در ادامه گفت، «اصلاً ۳ یا ۴ نفر از این افراد چندین سال است که به ایران نیامده‌اند... آژانس ۱۲۷ بازرس تأیید شده در ایران دارد و این چند نفر نسبت به این تعداد بازرس اصلاً عددی نیست.»

رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی آژانس بین‌المللی و بازرسان آن را متهم به «رفتار سیاسی و عملیات روانی» کرده و خطاب به غربی‌ها گفت، «هر زمان تحریم‌ها لغو شود، همه مفاد برجام را اجرا می‌کنیم».

محمد اسلامی در بخشی از اظهاراتش تأکید کرد اینکه بازرسان آژانس دوباره بیایند از داخل مکان‌های هسته‌ای «اطلاعات دربیابند» و فشار ایجاد کنند جریان‌سازی و رفتار سیاسی است.

به نظر می‌رسد مقامات جمهوری اسلامی از آژانس توقع دارند وقتی بازرسان اقدام به بازدید از یک سایت یا تأسیسات غنی‌سازی می‌کنند دیگر به سراغ آن نروند! این در حالیست که نظارت و بازرسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر فعالیت‌های صلح‌آمیز اتمی در همه کشورها بطور مداوم و مکرر است به ویژه اگر مانند جمهوری اسلامی مشکوک باشند وگرنه نظارت این نهاد بین‌المللی معنایی ندارد!

رافائل گروسی در نشست سالانه آژانس که اوایل مهرماه برگزار شد تأکید کرد با توجه به قوانین «ان‌پی‌تی» هنوز یکسری مسائل حل‌نشده و مبهم با ایران باقی مانده است. وی به جمع‌آوری دوربین‌های نظارتی از سایت‌ها و اخراج تعدادی از بازرسان آژانس از ایران اشاره کرد و گفت «دستیابی به درک دقیق از برنامه هسته‌ای ایران بدون دیدن‌های دوربین‌های نظارتی ضبط‌شده در دو سال و نیم

گذشته ممکن نخواهد بود.»

مدیرکل آژانس انرژی اتمی اعلام کرد که شخصاً در دیدار با محمد اسلامی به وی گفته «باید برای صلح‌آمیز بودن برنامه‌های اتمی «تضمین معتبر» ارائه دهید.»

علیرضا عباسی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در واکنش به اخراج بازرسان آژانس گفته بود «این اخراج یعنی با یک دولت همسو و واداده طرف نیستید و دیگر زمان بزن در رو تمام شده، پس مراقب باشید دست از پا خطا نکنید!» یکی از اختلافات اساسی آژانس بین‌المللی و جمهوری اسلامی عدم پاسخگویی مقامات تهران به علت وجود ذرات اورانیوم غنی‌شده ممنوعه در چهار سایت اعلام نشده «تورقوزآباد»، «میریان»، «لویزان» و «ورامین» است. طی دو سال گذشته دو مورد از این پرونده‌ها بسته شد اما در دو مورد دیگر از جمله در مرکز تورقوزآباد هنوز آژانس پاسخی دریافت نکرده است. همانجایی که گفته شد «قالیشویی» بوده اما موساد پس از سرقت آرشیو اتمی جمهوری اسلامی آن را لو داد. در ارتباط با همین موضوع، محمدجواد ظریف و عباس عراقچی می‌خندیدند و با انکار واقعیت می‌گفتند: «نتانیاهو را سر کار گذاشتند.»

با افزایش فشارهای بین‌المللی، مقامات سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی عقب‌نشینی کردند اما مدعی شدند وجود ذرات اورانیوم در سه مکان می‌تواند کار دشمن و «توطئه اسرائیل» با هدف خرابکاری باشد.

همچنین گروسی بارها به مقامات جمهوری اسلامی اعلام کرده که «صدور فتوا برای حرام بودن سلاح اتمی کافی نیست بلکه باید ثابت شود که به دنبال آن نیستند.»

آژانس بین‌المللی در آخرین گزارش خود اعلام کرد جمهوری اسلامی هیچ دلیل معتبر غیرنظامی برای افزایش سطح غنی‌سازی تا ۶۰ درصد ندارد. همچنین بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در ایران برای ساخت ۱۰ مهب اتم مواد کافی وجود دارد.

آرزوی فردوس کاویانی آزادی ایران و ملت ایران بود

نقش‌های خود را به خوبی و جذابیت ایفا می‌کرد. از دیگر کارهای درخشان کاویانی در حوزه تئاتر می‌توان به نمایشنامه «پلکان» نوشته اکبر رادی و کارگردانی هادی مرزبان در سال ۱۳۶۳ و همچنین آخرین بازی او در تئاتر «تانگو و تخم مرغ داغ» نوشته اکبر رادی و کارگردانی هادی مرزبان در سال ۱۳۹۳ اشاره کرد.

فردوس کاویانی فعالیت خود در سینما را در سال ۱۳۴۹ با فیلم «تجاوز» به کارگردانی حمید مصداقی شروع کرد و بعدها با کارگردانان بنامی چون بهرام بیضایی و داریوش مهرجویی همکاری داشت.

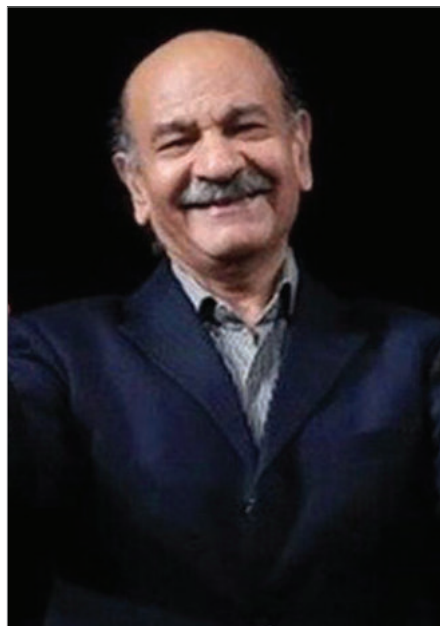
وی در «شهر قصه» به کارگردانی منوچهر انور و نویسندگی منوچهر انور و بیژن مفید محصول سال ۱۳۵۲ ایفاگر نقش میمون بود. این فیلم بر اساس نمایش شهر قصه مربوط به سال ۱۳۴۷ ساخته شد.

در تیرماه ۱۳۹۵ مهین کاویانی همسر فردوس کاویانی در مورد وضعیت همسرش با رد کردن شایعه ابتلای همسرش به بیماری آلزایمر گفته بود: «ایشان بنا به دلایلی فعلا کار نمی‌کنند و با حقوق بخور و نمیر بازنشستگی ایشان زندگی را می‌گذرانیم.»

در دی‌ماه ۱۳۹۹ نیز آرتین کاویانی فرزند آنها با تأیید ابتلای پدرش به بیماری پارکینسون گفته بود: «پدر من دارویی را تا به حال مصرف می‌کردند که قیمت هر بسته آن ۱۳۰ هزار تومان بود و الان به حدود یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان می‌رسد، البته اگر پیدا شود و این وضع در شرایط اقتصادی امروز برای بسیاری از خانواده‌ها طاقت‌فرساست.» او با تأکید بر اینکه سهامی با نام پدرش بدون اطلاع از رده خارج شده است گفته بود: «پدر من پیش از انقلاب، سهامی جزئی را از یک شرکت سرمایه‌گذاری خریداری کرده بودند که آن شرکت تا اواخر سال ۱۳۵۹ یا اوایل سال ۱۳۶۰ همچنان فعالیت می‌کرد و پاسخگو بود ولی پس از ادغام با چند شرکت و بانک و تأسیس بانک صنعت و معدن به یکباره ناپدید شد. ما تا چند ماه پیش یعنی تقریباً نزدیک به ۴۰ سال، نمی‌دانستیم ادغام صورت گرفته و بانک صنعت و معدن و بانک مرکزی باید پاسخگو باشند، در حالی که گویا در سال ۱۳۶۱ اطلاعیه‌ای داده شده بود که هر کس سهام خود را پس بگیرد ولی پدر من به دلیل ضعف در اطلاع‌رسانی متوجه نشدند. اما این نباید سبب شود که سهام با نام ایشان از رده خارج شود و از حق خود محروم شوند. علاوه بر این زمینی را هم که پدرم قبل از انقلاب خریداری کردند فعلا در چالش دادگاه‌ها قرار گرفته و تا به حال قادر نبودیم حقوق خویش را بگیریم که به نظر می‌رسد به دلیل کلمی بودن فروشندگی این اتفاق افتاده و به دلیل مشکلات مالی برای پدر و به نتیجه نرسیدن املاک خریداری شده توسط پدر و نرسیدن به سند، پدر قادر به فروش ملک نشدند تا بتواند آنچه در جوانی جمع‌آوری کرده برای ایام پیری خویش استفاده کند.»

آرمیتا کاویانی دختر فردوس کاویانی نیز در ۴ مهرماه در صفحه اینستاگرام خود به مناسبت زادروز تولد پدرش پستی با هشتگ «مهسا امینی» منتشر کرد.

وی در بخشی از این پست نوشته است: «امسال با سال‌های پیش متفاوت و منظر پیروزی ملت هستیم تا روز زادروزت جشن بگیریم، آرزوی خودت هم آزادی ایران و ملت ایران بود و هست و خواهد بود و همیشه هدف‌ت شادی و آرامش هموطنانت بود و هست و خواهد بود.»



(سنگلج) در سال ۱۳۴۸ اشاره کرد.

در پاییز ۱۳۴۹ نمایشنامه «تابستان» نوشته رومن واین‌گارتن نویسنده آلمانی به کارگردانی رضا کرم‌رضایی در خانه نمایش اداره برنامه‌های تئاتر بر روی صحنه رفت.

فردوس کاویانی نقش اصلی این نمایش را بر عهده داشت و مانند کارهای پیشین خود از انعطاف بدنی و توانایی در فن و بیان و صورتی برخوردار بود که به خوبی بازنه‌دهنده حالت یک بازیگر تواناست.

کاویانی سپس به کارگاه نمایش رفت و همکاری خود را با گروه تئاتر شهر و نیز با پیتر بروک کارگردان بریتانیایی تئاتر و همچنین کار با آربی آوانسیان را آغاز کرد.

در سال ۱۳۵۴ صدرالدین زاهد بازیگر و کارگردان پیشکسوت به همراه آربی آوانسیان، سوسن تسلیمی و فردوس کاویانی اعضای کارگاه نمایش، گروه تازه‌ای را تشکیل دادند و زیرزمین تئاتر شهر را به «تالار چهارسو» تبدیل کردند.

یکی از مهم‌ترین کارهای نمایشی فردوس کاویانی در آن زمان نمایش «انسان- حیوان- تقوا» نوشته لوییجی پیراندلو بود که در سال ۱۳۵۲ در تئاتر شهر بر روی صحنه رفت.

درواقع دوران شکوفایی تئاتر نوین ایران، از میانه سال‌های ۱۳۳۰ با ظهور نویسندگان و کارگردانان تحصیلکرده و آشنا با فنون کم‌دی‌نویسی آغاز و با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به پایان رسید.

نمایش «خلوت خفتگان» نوشته پیتر گیل و ترجمه آربی آوانسیان و صدرالدین زاهد و با کارگردانی آربی آوانسیان یکی از همین آثار درخشان است که در دی ۱۳۵۶ و بهار ۱۳۵۷ با درخشش فردوس کاویانی همراه با سوسن تسلیمی، صدرالدین زاهد، سودابه فضایی، لرتا هایرپیتیان، کنایون ایزدی، ناهید ارسباران و هلن افشان گل بر صحنه تئاتر شهر تئاتر چهارسو اجرا شد.

داریوش مؤدبیان در سال ۱۳۶۲ مجموعه تلویزیونی محله «بروبیا» را تهیه کرد که فردوس کاویانی نقش اصلی «پاسبان» را داشت. یک سال بعد «محله بهداشت» با همکاری فردوس کاویانی تهیه شد. فردوس کاویانی تمامی

● فردوس کاویانی، زاده ۴ مهر ۱۳۲۰ در کرمان بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون روز ۱۰ مهرماه در ۸۲ سالگی پس از سال‌ها تحمل بیماری پارکینسون در خانه خود در تهران درگذشت.

● پیکر این هنرمند زرتشتی روز سه‌شنبه ۱۱ مهر از خانه هنرمندان تشییع و در آرامگاه زرتشتیان تهران در منطقه قصر فیروزه به خاک سپرده شد.

فردوس کاویانی، زاده ۴ مهر ۱۳۲۰ در کرمان بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون روز ۱۰ مهرماه در ۸۲ سالگی پس از سال‌ها تحمل بیماری پارکینسون در خانه خود در تهران درگذشت.

او پس از گرفتن دیپلم در بورس‌های اعزام به خارج شرکت کرد و برای تحصیل در رشته شیمی به آلمان رفت اما به دلیل علاقه زیادش به بازیگری در ۲۰ سالگی تحصیل در آلمان را نیمه‌کاره رها کرد و به ایران رفت تا در رشته بازیگری و کارگردانی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران تحصیل کند. کاویانی تا دهه ۶۰ و ۷۰ خورشیدی ایفاگر نقش‌هایی ماندگار در سینما، تئاتر و تلویزیون بود تا اینکه در سال ۹۳ آخرین بازی خود را بر روی صحنه تالار «وحدت» (رودکی) در نمایش هادی مرزبان برد و برای همیشه از صحنه خداحافظی کرد.

او پس از مدت‌ها دوری از محافل هنری در اردیبهشت ۱۳۹۶ با چهره‌های لاغر و استخوانی و دست‌های لرزان در جشن بازیگران تئاتر حاضر شد و تنها یک جمله کوتاه گفت: «امروز خیلی خوشحالم». دو سال بعد مراسم دیگری در خانه سینما برگزار شد اما به دلیل بیماری تنها پیامی تصویری از او در آن مراسم منتشر شد.

پیکر این هنرمند زرتشتی روز سه‌شنبه ۱۱ مهر از خانه هنرمندان تشییع و در آرامگاه زرتشتیان تهران در منطقه قصر فیروزه به خاک سپرده شد.

پس از انتشار پست محمدرضا شهبازی، یکی از مجریان صداوسیما جمهوری اسلامی، درباره زرتشتی بودن فردوس کاویانی، برخی از بازیگران و همچنین نماینده زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی در مراسم خاکسپاری پیکر این بازیگر، از زرتشتی بودن او دفاع کردند.

پژمان باغزی بازیگر و رئیس انجمن بازیگران خانه سینما و اصغر همت بازیگر در مراسم خاکسپاری این بازیگر زرتشتی به احترام وی لباس سفید پوشیدند.

بسیاری از مردم، فردوس کاویانی را با نقش کمال در سریال «همسران» یا «پاسبان» در مجموعه تلویزیونی «بروبیا» بشناسند اما او پیش از آنکه او بازیگر سینما و تلویزیون باشد در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی در صحنه تئاتر حضور پررنگی داشت و از بازماندگان «کارگاه نمایش» بود.

داریوش مؤدبیان در کانال تلگرام شخصی خود در مورد نحوه آشنایی‌اش با فردوس کاویانی نوشته است: «در سال

۱۳۴۷ وقتی دانشجوی سال اول دانشکده هنرهای دراماتیک بودم با فردوسی کاویانی که آن زمان دانشجوی سال دوم این دانشکده بود آشنا شدم. بدن بسیار منعطف و خوبی داشت، خوب حرکت می‌کرد، بیان بسیار شیوا و روانی داشت و نشان می‌داد از استعداد و توانایی بالایی بهره دارد.»

فردوس کاویانی در سال ۱۳۴۹ به استخدام اداره برنامه‌های تئاتر درآمد. از مهم‌ترین آثار نمایشی این هنرمند می‌توان به نمایش «سلطان و مار» اثر بهرام بیضایی در تالار ۲۵ شهریور

کمبود ۱۲ هزار یا ۵۰ هزار معلم ورزش در مدارس!؟



۱۴۰۲ از کمبود ۳۰۰ هزار آموزگار در کشور خبر داده بود. سرپرست وزارت آموزش و پرورش نیز آمار مربوط به کمبود ۵۰ معلم را نگران کننده خوانده بود اما از لزوم استخدام ۵۰ هزار معلم پرورشی که تبلیغات ایدئولوژیک جمهوری اسلامی را در مدارس پیش می‌برند خبر داده بود.

معلمان پرورشی که بخش قابل توجهی از آنها دانش‌آموختگان حوزه علمیه هستند، پروپاگاندا ایدئولوژیک جمهوری اسلامی در مدارس را پیش برده و حتی در نقش «مخبر» و خرابچین‌های نهادهای امنیتی فعالیت می‌کنند. در حالی که برای بسیاری دروس مهم در برخی مدارس معلم وجود ندارد، سرپرست وزارت آموزش و پرورش فعالیت‌های پرورشی را از اولویت‌های اصلی این وزارتخانه خوانده است.

وزارت آموزش و پرورش در برنامه‌ای با عنوان «طرح امین» اقدام به استخدام آخوندهای تحصیلکرده در حوزه علمیه در آموزش و پرورش کرده است. بر اساس طرح «امین» که از حدود ۶ سال قبل آغاز شده روحانیون باید حدود ۳۰ ساعت در هفته در مدارس به تبلیغات مذهبی بپردازند.

مشکلات وزارتخانه آموزش و پرورش جمهوری اسلامی، این تشکیلات فریه ولی نحیف تمامی ندارد. امروز پنجشنبه ۱۳ مهرماه وبسایت «رکنا» نوشت: «نصف مهرماه سال ۱۴۰۲ گذشت، اما هنوز ۲۳ هزار کلاس درس در کشور معلم ندارد و بسیاری از دانش‌آموزان هنوز کتب درسی دریافت نکرده‌اند.» مادر یکی از دانش‌آموزان ساکن تهران گفته است: «پسرم کلاس هفتم هست. منطقه ۲ تهران به مدرسه می‌رود، حاشیه‌نشین یا ساکن شهرستان‌های محروم هم نیستیم. ۱۳ روز از سال تحصیلی گذشته نصف بیشتر بچه‌های مدرسه کتاب دارند، بقیه بی‌کتاب ماندند.»

وی تأکید کرده است: «معلم‌ها دارند درس‌ها را آموزش می‌دهند اما دانش‌آموزان کتب درسی ندارند.» این مادر با گلایه از وضعیت اینترنت نیز گفته است: «با این وضعیت نت حتی نمی‌شود چند صفحه از کتاب‌ها را pdf دانلود کرد. الان باید چه کنیم؟ به انبار کتاب در خیابان پاک هم رفتیم. نگفتند کتاب هست یا نه فقط گفتند دستور ارسال دوم نیامده است!»

معصومه ابتکار معاون وقت حسن روحانی رئیس دولت یازدهم و دوازدهم در امور زنان و خانواده نیز در آبان ۱۳۹۶ اعلام کرده بود که ۱۰ سال است دختران کلاس اول تا سوم دبستان معلم ورزش ندارند و هیچکس هم در کشور صدایش در نیامده است.

خبرگزاری ایرنا نیز در ۸ مهرماه امسال در گزارشی با اعلام اینکه در تامین سلامت جسمی دانش‌آموزان هم کارنامه قابل قبولی نداریم نوشته است: «مسائلی از قبیل تغذیه سالم، رسیدگی به مشکلات اسکلتی، ورزش و تحرک، پیشگیری از بیماری‌های واگیر و غیرواگیر و غربالگری دانش‌آموزان از نظر سلامت چشم، گوش و دندان وضعیت قابل دفاعی ندارد.»

در ادامه این گزارش به نتیجه یک فراتحلیل در سال ۱۳۹۵ اشاره شده که نشان داده هشت سال پیش، ۸ درصد دانش‌آموزان مقطع ابتدایی اضافه وزن دارند یا چاق هستند، این تحقیق نشان می‌داد میزان چاقی در میان پسران مقطع ابتدایی بیش از دختران است. آمارها نشان می‌دهد حدود ۲۴ درصد مردم ایران چاق هستند و حدود ۳۶ درصد اضافه وزن دارند، آماری که با روند افزایش وزن و کم‌تحرکی در کودکان و نوجوانان در دهه‌های آینده افزایش می‌یابد. چاقی و اضافه وزن عامل مهم بیماری‌های غیر واگیر مثل دیابت، کبد چرب، سرطان و بیماری‌های قلبی و عروقی هستند. پیشتر جدا از مشکل افزایش وزن دانش‌آموزان مسئولان آموزش و پرورش نسبت به خطر کوتاهی قد دانش‌آموزان نیز هشدار داده بودند. معاون مدیرکل دفتر معاونت تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش در بهمن ۱۳۹۷ اعلام کرده بود که دانش‌آموزان مدارس ایران با مشکل ناهنجاری قامتی مواجه هستند که بخشی از آن ژنتیک و بخشی دیگر مربوط به سبک زندگی چون استفاده بیش از اندازه از گوشی موبایل است. همچنین فقر، خشکسالی و بی‌سوادی در استان‌هایی چون استان سیستان و بلوچستان موجبات سوء تغذیه بیش از ۱۲ هزار کودک را فراهم آورده است.

بجز مشکل کمبود معلم ورزش، مسئولان آموزش و پرورش بارها بطور کلی از کمبود معلم برای هر رشته‌ای گلایه کرده‌اند. رئیس فراکسیون فرهنگیان مجلس شورای اسلامی در اردیبهشت

● معاون تربیت بدنی و سلامت وزیر آموزش و پرورش در حالی امروز از کمبود ۵۰ هزار معلم ورزش در تمامی مقاطع تحصیلی در مدارس کشور خبر داده است که روز گذشته مشاور مدیرکل تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش با اعلام اینکه در کشور «۳۳ هزار معلم تربیت بدنی داریم» به ایسنا گفته بود: «هم‌اکنون حدود ۱۲ هزار کمبود معلم تربیت بدنی در کشور داریم.»

● در آبان ماه ۱۴۰۰ خبرگزاری ایسنا با ارائه آمارهایی از مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اعلام کرده بود که هر ۵۶۰ دانش‌آموز ایرانی یک معلم ورزش دارد!

● مشکلات وزارتخانه آموزش و پرورش جمهوری اسلامی، این تشکیلات فریه ولی نحیف تمامی ندارد. امروز پنجشنبه ۱۳ مهرماه وبسایت «رکنا» نوشت: «نصف مهرماه سال ۱۴۰۲ گذشت، اما هنوز ۲۳ هزار کلاس درس در کشور معلم ندارد و بسیاری از دانش‌آموزان هنوز کتب درسی دریافت نکرده‌اند.» معاون تربیت بدنی و سلامت وزیر آموزش و پرورش از کمبود ۵۰ هزار معلم ورزش در تمامی مقاطع تحصیلی در مدارس کشور خبر داد.

صادق ستاری فرد امروز پنجشنبه ۱۳ مهرماه با بیان این مطلب به خبرگزاری ایسنا گفت: «در حال حاضر حدود ۳۶ تا ۳۷ هزار معلم متخصص ورزش در مدارس داریم. اما اگر بخواهیم فقط معلم متخصص تربیت بدنی را در نظر بگیریم با فرض اینکه ۳۰ نفر دانش‌آموز در یک کلاس باشند و هر معلم ۱۲ کلاس را پوشش دهد باید گفت نیاز ما به مربی تربیت بدنی بالغ بر ۵۰ هزار نفر در تمام مقاطع تحصیلی است.»

به گفته وی با این حال «بخشی از این کمبود را با آموزش آموزگاران ابتدایی پوشش می‌دهیم. باید این امر را نیز در نظر گرفت که در خصوص کمبود مربی تربیت بدنی در مناطق مختلف، پراکندگی متفاوت داریم.»

وی توضیح داد: «درواقع برای جبران این کمبود، آموزگاران تربیت بدنی را در پایه‌هایی که قادر نیستیم معلم ورزش آنها را تامین کنیم، آموزش می‌دهیم تا اینگونه بخشی از خلاء کمبود معلم را جبران کنیم.»

معاون تربیت بدنی و سلامت وزیر آموزش و پرورش در حالی امروز از کمبود ۵۰ هزار معلم ورزش در تمامی مقاطع تحصیلی در مدارس کشور خبر داده است که روز گذشته مشاور مدیرکل تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش با اعلام اینکه در کشور «۳۳ هزار معلم تربیت بدنی داریم» به ایسنا گفته بود: «هم‌اکنون حدود ۱۲ هزار کمبود معلم تربیت بدنی در کشور داریم.»

پیش از این نیز در آبان ماه سال گذشته سخنگوی وزارت آموزش و پرورش اعلام کرده بود که حدود ۷ میلیون دانش‌آموز بدون معلم ورزش هستند و عمده این هفت میلیون دانش‌آموز در دوره ابتدایی قرار دارند.

در آبان ماه ۱۴۰۰ خبرگزاری ایسنا با ارائه آمارهایی از مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اعلام کرده بود که هر ۵۶۰ دانش‌آموز ایرانی یک معلم ورزش دارد!

بر اساس اعلام این مرکز، شاخص نسبت تعداد دانش‌آموز به معلم ورزش در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ که معادل ۵۵۹.۷۵ نفر است، در وضعیت بسیار نامطلوبی قرار دارد و این میزان در مقایسه با نسبت کل دانش‌آموزان به معلم ۲۲/۰۵ نفر بیانگر وضعیت نامطلوب نیروی انسانی متخصص در حوزه ورزش مدارس است.

گفتگو با الهه امانی در مورد همایش «اقدام مشترک تشکل‌های مستقل زنان»



توجه کنید که در اینجا نه افراد بلکه تشکل‌ها جمع شده بودند. این شبکه حدود ۳ سال پیش شکل گرفت. از تشکل ICWIN که مخفف Iranian Circle for Intercultural Network (محلل ایرانی برای شبکه بین‌فرهنگی) گرفته در جنوب کالیفرنیا که خود مدیریت آن را بر عهده داشته و همکاری نزدیک با آن دارم تا سازمان‌های دیگر در آمریکا و اروپا در این مجموعه شرکت دارند. در ضمن، من در این مجموعه فقط یک تسهیل کننده و تشکل‌دهنده هستم و خودم رای نمی‌دهم و ICWIN نماینده خود را در همایش اخیر و گردهمایی‌های دیگر دارد.

به دنبال این تلاش اولیه ما تصمیم گرفتیم با یک نماینده از هر سازمان هر هفته دور هم جمع بشویم. حرف من با این ۲۴ تشکل آن بود که ما نه حزب نه گروه و نه سازمان سیاسی هستیم. گفتیم بیایم و در کنارهم با حفظ هویت سازمانی و گروهی بایستیم تا صدای رساتری برای زنان و دختران ایران باشیم. این مربوط به سه سال پیش است. با پیشنهاد من قرار شد در ۸ مارس و در ۲۵ نوامبر، که روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان است، با هم برنامه داشته باشیم. اولین برنامه ما در ۲۵ نوامبر برگزار شد زیرا بعد از قتل رومینا اشرفی این اولین تاریخ نزدیک به آن فاجعه بود. شیوهی کار ما آن بود که هر تشکل راجع به خشونت علیه زنان در هر بخشی از آن که فکر می‌کند مهم است و باید باید برجسته شود کار کند و یک ویدئو کلیپ درست کرده و بفرستد.

● همایش اخیر بر چه موضوعاتی متمرکز بود؟

ابتدای این حرکت مشترک و همکاری بین ۲۴ سازمان باید بگویم در فضایی بود که هنوز اعتماد متقابل زیادی در روابط بین آنها وجود نداشت و ایجاد اعتماد هم کار چندان ساده‌ای نبود. ولی به تدریج اعتماد متقابل بیشتر شد و علاوه بر ۸ مارس و ۲۵ نوامبر ما چندین بیانیه‌ی مشترک در مورد وقایع مختلف ایران از اعدام گرفته تا آزار و اذیت زنان و حجاب اجباری منتشر کرده‌ایم. یک جلسه در فضای مجازی در دوره‌ی پاندمی کرونا برگزار کردیم که در آنجا دوستان پیشنهاد کردند یک همایش حضوری هم برگزار کنیم. از آنجا که تعداد زیادی از این تشکل‌ها در کالیفرنیا هستند و چون لس‌آنجلس هم مرکز بزرگترین جامعه ایرانی خارج از کشور است و به‌خصوص اینکه ما با محافل

شدت گرفت که رومینا اشرفی توسط پدرش با داس کشته شد. این رویداد به شدت من و دیگر فعالین زنان را تکان داد و این سؤال را پیش کشید که چرا ما در قرن بیست و یکم هنوز شاهد چنین رویدادهای فجیعی هستیم. به خودم



الهه امانی

گفتم من که با نهادهای بین‌المللی و نهادهای ملی در آمریکا برای حقوق زنان و مسائل مربوطه‌ی دیگر بسیار وقت می‌گذرانم و دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی برگزار می‌کنم، بگذار بخت خودم را در جامعه‌ی ایرانی و جنبش زنان ایران نیز به آزمون بگذارم. با تلفن با مسئولین تشکل‌های زنان یعنی آنهایی می‌شناختم تماس گرفتم و یا دیگرانی که به دلیل مطالبی که از من خوانده بودند و یا از شرکت در همایش‌ها شناختی از من داشتند، با من تماس گرفتند. ما فعالین حقوق زنان به هر حال همدیگر را می‌شناخسیم زیرا در این عرصه تازه‌وارد نیستیم و بیش از ۴۰ سال است که در این حوزه فعالیت مداوم داشته‌ایم.

منی‌توانم بگویم که کار ساده‌ای بود بلکه وقت زیادی از من گرفت ولی در حدود ۲۴ تشکل زنان دور همدیگر جمع شدیم و من تمام آموخته‌هایم را در زمینه‌ی کار گروهی موفق و کار گروهی افقی و کار گروهی‌ای که قصد رسیدن به همکاری و تفاهم و توافق دارد به اشتراک گذاشتم.

● الهه امانی استاد دانشگاه ایالتی کالیفرنیا و کنشگر حقوق زنان: «حضور و فعالیت فشرده من در جامعه‌ی ایرانی از موقعی شدت گرفت که رومینا اشرفی توسط پدرش با داس کشته شد. این رویداد به شدت من و دیگر فعالین زنان را تکان داد و این سؤال را پیش کشید که چرا ما در قرن بیست و یکم هنوز شاهد چنین رویدادهای فجیعی هستیم. به خودم گفتیم. من که با نهادهای بین‌المللی و نهادهای ملی در آمریکا برای حقوق زنان و مسائل مربوطه‌ی دیگر بسیار وقت می‌گذرانم و دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی برگزار می‌کنم، بگذار بخت خودم را در جامعه‌ی ایرانی و جنبش زنان ایران نیز به آزمون بگذارم.»

● «یک ضرب‌المثل آفریقایی می‌گوید: «اگر می‌خواهی تند بروی، تنها برو. ولی اگر راه درازی در پیش داری باید با یک گروه حرکت کنی.» من این ضرب‌المثل را نمودی از آن می‌بینم که ما ایرانی‌ها برای رسیدن به دموکراسی، آزادی، عدالت اجتماعی و برابری جنسیتی راه درازی در پیش داریم. از این نظر همگرایی، همساز و همراهی و تمام «هم»‌های دیگری که در زبان فارسی داریم، باید مورد نظر ما باشد.»

اولین همایش حضوری «اقدام مشترک تشکل‌های مستقل زنان» بعد از پاندمی کرونا با شرکت نمایندگان سازمان‌های مختلف زنان ایرانی از کالیفرنیا و دیگر ایالت‌های آمریکا و چند نماینده از سازمان زنان ایرانی در اروپا در تاریخ ۱۶ و ۱۷ سپتامبر در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا برگزار شد. موضوع اصلی این همایش «بررسی جنبش انقلابی زن زندگی آزادی، دستاوردها و چالش‌ها» بود. در این همایش سه میزگرد برای بررسی ابعاد مختلف این موضوع برگزار شد.

در رابطه با این همایش گفتگویی داشتیم با الهه امانی استاد دانشگاه ایالتی کالیفرنیا و کنشگر حقوق زنان. الهه امانی علاوه بر مسئولیت‌های اداری در دانشگاه کالیفرنیا در بخش مطالعات زنان تدریس می‌کند. او چندی پیش دوره‌ی تخصصی در زمینه تنش‌زدایی نیز گذرانده و می‌گوید بسیار علاقمند است در این مورد، چه در جنبش زنان، چه در نهادهای مدنی و چه در اپوزیسیون ایرانی در کار فرهنگ‌سازی نقش بازی کند. خود وی عضو هیچ سازمان سیاسی نیست.

● خانم امانی، لطفاً در مورد همکاری و همگرایی بین ۲۴ سازمان تحت عنوان «اقدام مشترک تشکل‌های مستقل زنان» لطفاً توضیح دهید.

بگذارید از این شروع کنم که از حدود بیست سال پیش پرسشی ذهن مرا بسیار به خود مشغول کرده بود و آن اینکه دلیل پراکندگی موجود چه در جنبش سیاسی ایران و چه در سازمان‌های مدنی و حتی در جنبش زنان، چیست. برای همین هم من در دانشگاه «پرپر دابن» یک دوره‌ی مدیریتی تحت عنوان حل تنش‌ها و متحول کردن تنش‌ها را گذراندم تا به پرسش چرا ما ایرانیان نمی‌توانیم کار مثبت گروهی داشته باشیم، جواب دهم. به دنبال گذراندن این دوره، بیش از دو دهه با چند نهاد مانند Mediators Beyond Borders و نیز National Association of Community Borders که در مدیریت آنها حضور دارم همکاری داشتم. بعد از این مقدمه می‌پردازم به پرسش شما درباره همکاری بین ۲۴ سازمان زنان ایرانی در سطح جهانی. حضور و فعالیت فشرده من در جامعه‌ی ایرانی از موقعی

جشن مهرگان: دل از داوری‌ها برداختند، به آیین یکی جشن نو ساختند



در مهرماه به مدرسه می‌فرستیم تا از جهل و نادانی رهایی یابند.

به نظر می‌رسد جشن مهرگان نماد پیروزی خردورزی بر خردستیزی باشد. از دیگر نمادهای مهرگان پیروزی داد بر بیداد است. فردوسی در اثر ستارگ خود به هر دو این نکته‌ها اشاره کرده است:

به روز خجسته سر مهرماه
 به سر بر نهاد آن کیانی کلاه
 زمانه بی‌انده گشت از بدی
 گرفتند هر کس ره بخردی

نکته دیگر این داستان اشاره به مفهوم مدارا است. در جنبش آحاد مختلف ایرانیان با وجود ناهمگونی‌های ارزشی، در کنار هم شرکت دارند و با کنار گذاشتن اختلافات و «داوری» در استقرار یک ساختار جمعی-اجتماعی نوین شرکت می‌کنند:

دل از داوری‌ها برداختند
 به آیین یکی جشن نو ساختند

جشن مهرگان چند روز به طول می‌انجامد و در آیین‌های مختلف ایرانی هر کدام از ۱ مهر تا ۱۶ مهر آن را گرامی داشته و برخی ۷ یا ۱۰ یا ۱۶ این ماه را اوج جشن‌های مهرگان می‌دانند. در تاریخ میلادی روز ۲ اکتبر برابر با ۱۰ مهر به عنوان «مهرگان» ثبت شده است.

*دکتر رضا سعیدی فیروزآبادی پزشک متخصص پیوند اعضا و عضو کنونی هیئت هماهنگی پروژه ققنوس ایران است.

دکتر رضا سعیدی فیروزآبادی - جشن مهرگان از بزرگترین جشن‌های ایرانیان پس از نوروز است. قدمت مهرگان به دو هزار سال پیش از میلاد مسیح بازمی‌گردد. در مورد فلسفه مهرگان نظرات مختلفی بیان شده است از جمله ستایش مهر یا میترا، جشن برداشت محصول یا پیروزی جنبش کاوه و فریدون بر ضحاک.

در متون کهن ایرانی به تکرار از مهرگان یاد شده است. ابوریحان بیرونی در اینباره می‌گوید: «مهرگاه، شانزدهم روز است از مهرماه و نامش مهر، اندرین روز، افریدون ظفر یافت بر بیورسب جادو، انک معروف است به ضحاک، و به کوه دماوند بازداشت؛ و روزها که سپس مهرگان است همه جشنند، بر کردار آنچه از پس نوروز بود».

علاوه بر اوستا، قدمای ایرانزمین نظیر رودکی، فارابی، نظامی، حافظ، ناصرخسرو و سنایی از مهرگان سخن گفته‌اند. اما حکیم طوس این داستان تاریخی-اساطیری را با جزئیات بیشتر به این صورت بیان کرده است که: با افول فرّ ایزدی از جمشید، ضحاک بر ملک او غلبه یافت و هزار سال با ستم و جادوگرایی فرمانروایی کرد. کاوه و فریدون بر وی شوریدند و او را در کوه دماوند بر بند کردند. به شکرانه این روز ایرانیان البسه ارغوانی بر کرده و به جشن و پایکوبی می‌پردازند.

هرچند ریشه‌های تاریخی این رویداد بطور دقیق چندان مشخص نیست، ولی این داستان از لحاظ اساطیری ریشه عمیقی در فرهنگ ایرانی دارد. شاید بتوان گفت که این قیام اولین جنبش مدنی در تاریخ بشریت بوده است.

ضحاک نماد بیداد و جهل و تاریکی است. او روزانه از مغز جوانان تغذیه می‌کند که نشان از ترویج جهل و خرافات است. این نماد مبارزه با نادانی و خرافات در جنبش کاوه و فریدون است. شاید هم از این روست که ما فرزندانمان را

دانشگاهی اینجا ارتباط داریم، از جمله خودم در دانشگاه لانگ بیچ ۱۱ سال است تدریس می‌کنم و ۲۰ سال هم در دانشگاه فلورتن در اورنج کانتی در جنوب کالیفرنیا کار کرده‌ام، سالن دانشگاه لانگ بیچ را گرفتیم و همایش در تاریخ ۱۶ و ۱۷ سپتامبر در آنجا برگزار شد.

ما با توافق و همکاری به این نتیجه رسیدیم که به صداهای بیشتر و متفاوتی پژواک بدهیم که کمتر در رسانه‌های ایرانی بازتاب پیدا می‌کنند. بنابراین، تصمیم گرفتیم به جوانان فرصت بیشتری برای صحبت بدهیم. در عین حال، نمی‌خواستیم که یک همایش آکادمیک صرف و خشک و خالی برگزار کنیم و فقط سخنرانی داشته باشیم بلکه می‌خواستیم که فرصتی برای تأمل و تبادل نظر و فضا برای ایجاد و تقویت حس پیوند باهمستانی (اجتماعی) به وجود آید. برای همین هم فقط سه میزگرد درباره ابعاد مختلف موضوع اصلی این همایش یعنی «جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی، دستاوردها و چالش‌ها» داشتیم و در کنار آن همایشگاه‌ها نقاشی داشتیم که بسیار مورد استقبال جامعه آمریکایی هم قرار گرفت. اینها شامل همایشگاه چهل‌تکه‌ی زن، زندگی آزادی و نیز یک همایشگاه دربرگیرنده آثار نقاشی پنج نقاش زن ایرانی ساکن کالیفرنیا بود که از اقلیت‌های قومی ایران هم از جمله آشوری و ارمنی در میان آنها بودند. یعنی ما تنوع قومی را نیز در این همایشگاه داشتیم. برنامه‌های هنری شعر و رقص و آواز هم اجرا شد.

● آیا از تشکلهای زنان ایرانی در اروپا هم در این همایش شرکت‌کننده داشتید؟

-بله تعداد اندکی بودند چون تشکلهایی که در اروپا هستند زیاد نمی‌توانستند در همایش لس آنجلس شرکت کنند. ولی از ایالت‌های دیگر آمریکا شرکت‌کننده کم نبود که در کمیته برگزاری هم شرکت داشتند از جمله از تگزاس. کار گروهی بین ما هم با همدلی و همبستگی بسیار انجام شد. این با توجه به اینکه در اپوزیسیون ایرانی فضایی حاکم است که سنگ روی سنگ بند نمی‌شود موفقیت بزرگی بود. می‌دانید حتی جنبش زنان هم تنش‌های خودش را دارد. اینکه ما با همکاری و توافق مجموعاً ۲۴ سازمان توانستیم یک همایش برگزار کنیم برای من که نقش میانجی را دارم و برای تنش‌زدایی فعالیت می‌کنم خیلی دلگرم‌کننده است.

● همایش فقط به زبان فارسی بود یا به زبان انگلیسی هم مطالبی عنوان شد؟

-همایش فقط به زبان فارسی بود. برای ما تنوع صداهای و دادن فرصت به جوانان مهم بود. ما جوانانی داشتیم که سخنرانی‌های بی‌نظیری کردند، از جمله یک خانم بلوچ بنام الهه اجباری و خانم رضوانه محمدی از فعالین ال‌جی‌بی‌تی‌کیو که چند سالی است که در اروپا اقامت دارد. پژوهشگرانی هم شرکت داشتند مانند خانم شهلا طالبی که از پژوهشگران خوب ماست که در ایران هم در زندان بوده. خانم آیدا میرزایی دکترای اقتصاد به صورت مجازی در همایش شرکت کرد. به هر حال همایش ترکیبی بود از صداهای مختلف و عمدتاً جوان در مورد مسائل مختلف جامعه‌ی ایران. یکی از سخنرانی‌هایی که بسیار پسندیدم سخنرانی آیدا نیکو راجع به هم‌پوشانی بین جنبش زنان و زن، زندگی، آزادی با جنبش کارگران بود. به راستی سخنرانی پُرباری بود. یک ضرب‌المثل آفریقایی می‌گوید: «اگر می‌خواهی تُند بروی، تنها برو. ولی اگر راه درازی در پیش داری باید با یک گروه حرکت کنی.» من این ضرب‌المثل را نمودی از آن می‌بینم که ما ایرانی‌ها برای رسیدن به دموکراسی، آزادی، عدالت اجتماعی و برابری جنسیتی راه درازی در پیش داریم. از این نظر همکاری، همسازی و همراهی و تمام «هم»‌های دیگری که در زبان فارسی داریم، باید مورد نظر ما باشد.

لیلا رمضان، پیانیست موسیقی شوبرت و شعرهای مولانا



لیلا رمضان

● لیلا رمضان تا کنون قطعات بیش از سی و پنج آهنگساز ایرانی را تحت عنوان پروژه «صد سال موسیقی ایران برای پیانو» اجرا کرده که اکثر آنها اجرای نخست بوده است.

● «من نگاهی عرفانی به موسیقی دارم و موسیقی برای من یک نوع طریقت زندگی و خودشناسی است.»

لیلا رمضان سال‌های زیادی است که به دنبال یافتن و ایجاد ارتباط بین موسیقی ایران و موسیقی معاصر جهانی به عنوان پیانیست مشغول فعالیت است. او رستال‌های متعددی در فرانسه، سوئیس، ایتالیا، ایرلند، آمریکا و کانادا داشته است. لیلا رمضان به عنوان پیانیست و مدیر هنری گروه موسیقی معاصر «ماتکا» مستقر در سوییس پایه‌گذار چندین پروژه موسیقی بین‌فرهنگی میان ایران و دیگر کشورها بوده است. این پیانیست تا کنون قطعات بیش از سی و پنج آهنگساز ایرانی را تحت عنوان پروژه «صد سال موسیقی ایران برای پیانو» اجرا کرده که اکثر آنها اجرای نخست بوده است و کیهان لندن پیشتر درباره آن گزارش داده است. اولین سی‌دی این مجموعه تحت عنوان «آهنگسازان دهه ۱۹۵۰» در ژانویه سال گذشته با اجرای قطعاتی از محمدرضا درویشی، بهزاد رنجبران، نادر مشایخی، ایرج صهبایی، هرمز فرهت، فوزیه مجد و رضا والی وارد بازار شد. سی‌دی دیگر این مجموعه در بهار سال ۲۰۱۹ تحت عنوان مجموعه «شهرزاد» اثر علیرضا مشایخی وارد بازار شد.

حتماً نواختن این ساز را یاد بگیرم. اجرا می‌کردند. من از همان زمان بسیار دوست داشتم که

موسیقی در برابر و برای جمع اجرا کنم. بعد از مدتی هم بین ژیمناستیک و پیانو، پیانو را انتخاب کردم. در سال‌های آخر اقامتم در ایران به کلاس پیانو آقای رافائل مناساکانیان و مدت یک سالی هم به کلاس خانم دلبر حکیموا می‌رفتم. ایشان قبلاً در کنسرواتوار مسکو تدریس می‌کرد. بعد از گذراندن این کلاس‌ها تصمیم گرفتم برای ادامه‌ی تحصیلات در زمینه‌ی موسیقی و پیانو به خارج کشور بیایم. ابتدا می‌خواستم بروم آمریکا چون از دانشگاه فلوریدا پذیرش و بورس داشتم ولی موفق به گرفتن ویزا نشدم که مرا بسیار افسرده کرد. تا اینکه یکبار در سفارت سوئیس در تهران کنسرتی اجرا کردم. یکی از دیپلمات‌های سوئیسی که علاقه زیادی به موسیقی داشت و خودش هم پیانو می‌نواخت، برای من این کنسرت را برگزار کرده بود و چون دید که حالم خوب نیست به من کمک کرد که برای ادامه‌ی تحصیل به فرانسه مهاجرت کنم و این پروسه فقط یک ماه طول کشید.

کار به این صورت انجام شد که من ضبط اجرای یکی از کنسرت‌هایم را برای ژان میکو استاد سرشناس در مدرسه موسیقی «اکول نرمال» در پاریس فرستادم و او هم پس از شنیدن این اجرا مرا در کلاس‌اش قبول کرد و ویزا گرفتم و آمدم فرانسه. آن موقع فرانسوی صحبت نمی‌کردم که برایم بسیار سخت بود. به هر حال سال‌های سختی بود که باید هم مدرسه می‌رفتم و هم کار می‌کردم تا هزینه‌های تحصیل و زندگی‌ام را تامین کنم. البته شانس آوردم که اکول نرمال هم به من بورس داد. چند سالی که در پاریس بودم مدرک «اکول نرمال» و کنسرواتوار پاریس را گرفتم. استادم در کنسرواتوار پاریس به من پیشنهاد کرد که برای ادامه‌ی تحصیلاتم به سوئیس و به شهر لوزان بیایم. من هم به

برای همین هم فکر می‌کنم در هر پروژه‌ای که درگیر بوده‌ام، کیفیت صدا برایم نهایت اهمیت را داشته. وقتی برنامه‌ی شعر و موسیقی اجرا می‌کنیم محیط صوتی آن برایم بسیار مهم است.

برگردم به دوران کودکی. شانس که آوردم این بود که دوستی داشتیم که معلم معروف موسیقی، زنده‌یاد مصطفی کمال پورتراب را می‌شناخت. او ما را پیش آقای پورتراب برد و ایشان بعد از گرفتن چند امتحان ساده قبول کرد معلم موسیقی من شود. حال مشکل دیگر ما نداشتن پیانو بود که آنهم به وسیله‌ی آقای پورتراب حل شد. یکی از آشنایان که ایران را ترک می‌کرد، پیانویش را می‌فروخت و والدینم آن پیانو را که مارک «کاوایی» بود خریدند و من هنوز هم آن پیانو را در ایران دارم.

آقای پورتراب بطور جدی هم نوازندگی پیانو را به من درس می‌داد و هم تئوری موسیقی و هارمونی را. خیلی خوشحالم که آقای پورتراب معلم موسیقی من بوده زیرا او به راستی شخصیت هنری مرا شکل داد. او آدم بسیار خاص، جدی، با دیسیپلین بود و عاشق کار و تدریس موسیقی بود. او پیانیست نبود بلکه بیشتر موزیکولوگ و آهنگساز بود. ولی اینکه من یک پیانیست-کنسرتیست شدم، صادقانه بگویم، در وهله اول به دلیل آقای پورتراب است که الگوی من بود و در عین حال از من پشتیبانی زیادی می‌کرد و مرا همواره تشویق می‌کرد این حرفه را با جدیت دنبال کنم چون استعداد آن را در من می‌دید. از آنجا که آن موقع کنسرواتوار و رشته‌ی موسیقی در دانشگاه‌ها هنوز تعطیل بود، به صورت خصوصی تا ۱۷ سالگی که در ایران بودم با آقای پورتراب کار کردم. ایشان کنسرت‌هایی را هم در خانه‌شان برگزار می‌کرد که شاگردانش قطعات موسیقی

● خانم لیلا رمضان، می‌توانید بگویید شما در چه سنی مطمئن شدید که می‌خواهید در زمینه‌ی موسیقی فعالیت داشته باشید و از کی تحصیلاتتان را در این رشته شروع کردید و چه مدارجی را طی کردید؟

از اینجا باید شروع کنم که مادرم مرا از پنج سالگی به کلاس ژیمناستیک هنری گذاشت که به آن بسیار علاقمند شدم و با جدیت دنبالش کردم و مدال‌های متعدد هم دریافت کردم. ژیمناستیک هنری با همراهی موسیقی انجام می‌شود و معلم من در حین اجرا، موسیقی پیانو می‌گذاشت و من ژست‌ها را با شنیدن موسیقی پیانو انجام می‌دادم.

من در ایران بعد از جنگ ایران و عراق به دنیا آمدم. در آن زمان متأسفانه نه آلات موسیقی در فروشگاه‌ها فروخته می‌شد و نه در تلویزیون سازی می‌دیدید و نه موسیقی کلاسیک از تلویزیون یا رادیو پخش می‌شد. برای همین من ساز پیانو را ندیده بودم و نمی‌دانستم که این نغمه‌های دلنشینی که با آنها ژیمناستیک هنری می‌کردم از چه سازی بیرون می‌آمد. ولی به هر حال این موسیقی همیشه با من بود زیرا هفته‌ای سه روز به کلاس ژیمناستیک می‌رفتم. تا اینکه روزی ما به خانه دوستی که پیانو داشت دعوت شدیم. من آن موقع هفت سالم بود که برای اولین بار پیانو را دیدم و آنجا تازه فهمیدم که آن صداهایی که من در کلاس ژیمناستیک می‌شنیدم از این ساز بیرون می‌آید. به عبارت دیگر، من ابتدا با صدای ساز پیانو آشنا شدم و بعد با خود پیانو روبرو شدم و در همانجا هم شیفته این ساز شدم که هیچوقت این صحنه را فراموش نخواهم کرد. تمام شب را به پیانو چسبیده بودم و این تجربه برای من به راستی یک انقلاب بود. همانجا بود که به پدر و مادرم گفتم که باید

خودم قرار دادم. از آنطرف هم چون مادر من معلم ادبیات فارسی بود، همیشه شعر در فضای خانه ما حضور داشت و من از بچگی تعداد بسیاری از اشعار کهن ادبیات فارسی را از حفظ هستم.

در خانه ما دوره‌ی مشاعره برگزار می‌شد و من در همان هفت سالگی عاشق این بودم که در این جلسات حضور داشته باشم هرچند که زیاد هم نمی‌فهمیدم. ولی همین الفاظ و کلمات آهنگین را که می‌شنیدم برای من دنیایی بود که بی‌اختیار شروع کردم به حفظ کردن اشعار و از نه سالگی کلی شعر از بر بودم و در مشاعره‌ها شرکت می‌کردم. درس ادبیات من بسیار خوب بود و تفسیر شعر را دوست می‌داشتم. برای همین شعر همیشه از دوران کودکی با من بوده است. همانطور که می‌دانید بخش قابل توجهی از فعالیت‌های هنری من به اجرا و ضبط قطعات آهنگسازان ایرانی اختصاص دارد. در یکی از این پروژه‌ها تصمیم گرفتم قطعه‌ی «شهرزاد» اثر علیرضا مشایخی را اجرا کنم. برای این قطعه توسط آهنگساز متنی هم براساس داستان شهرزاد و شاهزاده شهریار نوشته شده که باید دکلمه بشود.

به این ترتیب بود که با خانم لیلی انور و کارهای او آشنا شدم و با همکاری ایشان این متن را به همراه موسیقی مشایخی اجرا کردیم بعد از این آشنایی ترجمه‌ی فرانسه آثار مولانا، فرودسی و منطق الطیر عطار، توسط خانم انور را خواندم که بسیار دقیق و در عین حال روان هستند. من روشی را که خانم انور شعر را همراه موسیقی دکلمه می‌کنند بسیار دوست دارم و باید بگویم که با شیوه سنتی دکلمه که در ایران رایج است بسیار متفاوت است. به یک معنا می‌توان گفت مدرن‌تر و خاص ایشان است و تلفیق زبان فرانسه و زبان فارسی که هر دو به من بسیار نزدیک هستند برام بطور خاصی جذاب و دلنشین است.

من نگاهی عرفانی به موسیقی دارم و موسیقی برای من یک نوع طریقت زندگی و خودشناسی است. در ضمن من شعرهای مولانا را مرتب می‌خوانم و همیشه این اشعار به نوعی مرا در مراحل مختلف زندگی همراهی کرده است. می‌دانید که مولانا در سرایش اشعارش بسیار به موسیقی نزدیک بود و این دو را مکمل و به نوعی جدا ناپذیر می‌دانسته است. در مورد موسیقی شوبرت باید بگویم که نوعی «حرکت همیشگی» و «جستجوی بی‌پایان» در کارهای او هست که مرا بطور عمیقی به ریتم اشعار مولانا وصل می‌کند.

شوبرت یک زندگی سرشار از فقر، غم، دلشکستگی و مشکلات بی‌پایان داشته ولی با وجود این موسیقیش بسیار روان، زلال، خالص و سخاوتمندانه است و در عین ظاهر ساده بودن، بسیار زیبا و عمیق است. شوبرت به دوره‌ی رمانتیک تعلق دارد ولی به شما یک رؤیا را پیشنهاد نمی‌کند. او رمانتیک است که زندگی را عمیقاً تجربه کرده و با تمام سختی‌ها و زجرهایش چشیده و این در موسیقیش بسیار آشکار و قابل لمس است. این همان چیزیست که در موسیقی شوبرت مرا به اشعار مولانا نزدیک می‌کند. مولانا هم می‌گوید که از طریق زندگی کردن است که انسان می‌تواند فراتر برود، اوج بگیرد و به تکامل برسد. باید بگویم که تلفیق موسیقی شوبرت با دکلمه‌ی اشعار مولانا برای من امری بسیار واضح و طبیعی بود. لیلی انور هم طرح مرا پسندید و ما برای عملی ساختن این پروژه بطور مستمر مدتی کار کردیم. نوع دکلمه‌ی شعر لیلی انور با تفسیری که من از موسیقی شوبرت دارم نزدیک و هماهنگ است و شنونده برنامه‌های ما در حقیقت یک صدای واحد می‌شنود و به نوعی یگانگی کامل شعر و موسیقی را تجربه می‌کند.

موسیقی اجرا می‌کنم. دیگر اینکه چون من در ایران بزرگ شده‌ام و نصف زندگی‌ام را در ایران و نصف دیگرش را در اروپا گذرانده‌ام، تعلق به دو فرهنگ دارم و همیشه پروژه‌هایی که انجام می‌دهم هم به فرهنگ ایران مربوط است و هم به موسیقی کلاسیک و فرهنگ غرب.

سوتیس آدمم و دو فوق لیسانس در رشته نوازندگی پیانو Collaborative Interpretation و رشته همراهی Piano گرفتیم. بعد از پایان تحصیلاتم در همان کنسرواتوار لوزان استخدام شدم.



لیلا رمضان و لیلی انور

● شما در زمینه موسیقی کلاسیک چه دوره و چه مکتبی را ترجیح می‌دهید و در کنسرت‌هایتان اجرا می‌کنید؟
-همسر من آهنگساز است و من مدت طولانی موسیقی معاصر (مدرن) اجرا می‌کردم. دیگر آنکه آن موقع که با آقای پورتراب کار می‌کردم چون ایشان بیشتر آهنگساز بود از همان کودکی آثار جدید ایشان را اجرا می‌کردم. و همین تجربه‌ها باعث شد که برایم بسیار طبیعی باشد که با یک آهنگساز کار کنم. آقای پورتراب از من می‌خواست که آثار جدیدش را اجرا کنم و بعد از آن بعضی مواقع تغییرات کوچکی در آن می‌داد. دیگر آنکه زمانی که ده سالم بود ایشان مرا می‌برد به کلاس‌های آقای علیرضا مشایخی که آهنگساز آوانگاردی است. البته باید بگویم که از آن موسیقی در آن سن و سال خیلی هم سر در نمی‌آوردم ولی در کل در آن فضا قرار می‌گرفتم و با آن موسیقی آشنا می‌شدم. بعلاوه وقتی درسم در لوزان تمام شد با همسر و چند موزیسین دیگر یک گروه موسیقی معاصر تاسیس کردیم با سازهایی مانند ویولون، هارپ، پرکاشن و کلارینت و در مجموع ۱۰ سازه. ما در این گروه بسیاری از کارهای مدرن آهنگسازان قرن بیستم و بیست و یکم را اجرا می‌کردیم و خودمان هم به آهنگسازان جوان سفارش کار می‌دادیم و اجرای نخست آنها را انجام می‌دادیم. در نتیجه من در موسیقی معاصر تخصص پیدا کردم زیرا این موسیقی تکنیک‌های خاص خودش را دارد. ولی نمی‌توانم بگویم که موسیقی معاصر موسیقی مورد علاقه‌ی شدید من است. من موسیقی معاصر را دوست دارم زیرا در آن خیلی خلاقیت هست. ولی قطعات باخ، بتهوون، شوبرت، دیوسی و آهنگسازانی که رپرتوار اصلی پیانو را تشکیل می‌دهند جزو کوله‌بار فرهنگی تحصیلات موسیقی من بوده‌اند و همچنان در کنسرت‌هایم از قطعات این نواخ

فراگیری موسیقی در ایران برای من خارج از سیستم نهادینه و رایج در غرب بوده و به همین دلیل هم خودانگیزگی و غریزی بودن در نوازندگی من حضور قوی دارد. هرچند من غصه می‌خوردم که در ایران کنسرواتوار نرفته‌ام و بطور آکادمیک از دوران جوانی این ساز را نیاموخته‌ام ولی بعدها دیدم که همین نوع فراگیری به من جرئت و جسارت در ماجراجویی و اجرای آثار مدرن و پروژه‌های هنری بسیار خاص را داده است. این باعث شده که بعد خلاق بودن در فعالیت‌های هنری من تقویت بشود. من همواره در وجود خودم جستجو می‌کنم که آن چیزی را بیابم که مرا به اجرای منحصر به فرد و خاصی در برابر جمع برمی‌انگیزد.

● ایده‌ی جدید برگزاری برنامه با خانم لیلی انور چگونه شکل گرفت؟ شما چطور توانستید که شعر فارسی و یا ترجمه فرانسه و انگلیسی آنرا با موسیقی کلاسیک غربی درهم بیامیزید از جمله موسیقی شوبرت را با شعرهای مولانا؟

-در کنسرواتوار اجرای آثار پیانویی شوبرت جزو برنامه‌ی درسی من بود و من در امتحاناتم تعدادی از این قطعات را اجرا کرده‌ام ولی هیچوقت به خودم جرأت نداده بودم موسیقی شوبرت را در رپرتوار کنسرت‌ها و رسیتال‌هایم بگذارم. موسیقی شوبرت با اینکه او بسیار جوان فوت کرد برایم به حدی عمیق بود و پختگی نوازندگی احتیاج داشت که این جرأت را نداشتم. تا اینکه در سال‌های اخیر اتفاقات ناگواری در زندگی من افتاد و دوستان عزیزی را از دست دادم و می‌دانید که رنج و غم و غصه مقداری آدم را پخته‌تر می‌کند. بعد از این اتفاقات نزدیکی بیشتری با موسیقی شوبرت حس کردم. شروع کردم به کار کردن روی موسیقی شوبرت و یکسری از قطعات شوبرت را در رپرتوار

هشدار نماینده خامنه‌ای در سپاه به بسیجی‌ها و طلاب: وقت بُریدن و خسته شدن نیست، می‌خواهند انقلاب را از بین ببرند



گشت‌های محله محور بسیج

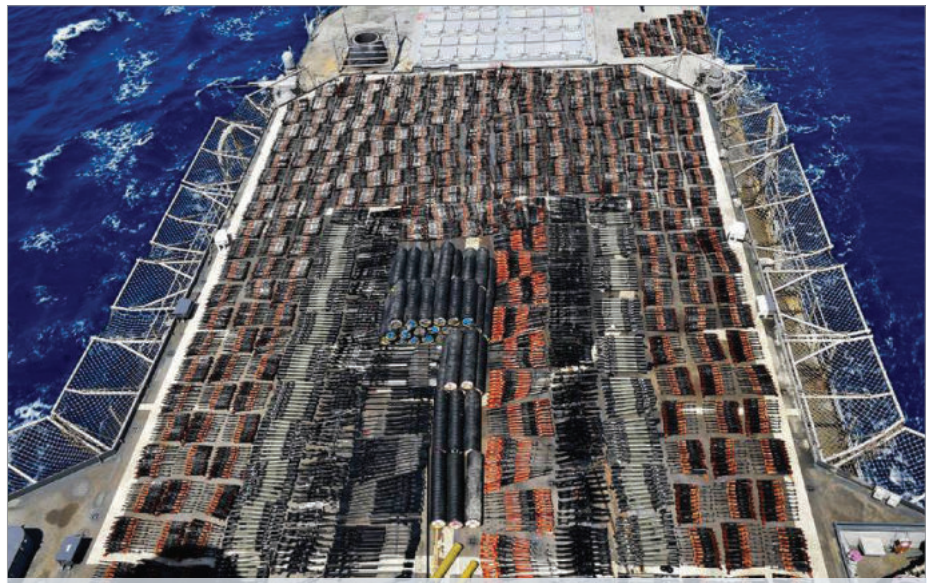
● عبدالله حاجی صادقی نماینده علی خامنه‌ای در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جلسه با بسیجی‌ها و آخوندهای خرم‌آباد از آنها خواسته «نگذارید امید کم‌رنگ شود... دومین محور جهاد تبیین، جهاد خسته نشدن است، الان زمان خسته شدن، بریدن، استراحت و راحتی نیست بلکه زمان جنگ است، حوزه‌های علمیه امروز حساس‌ترین وظیفه و جهاد را دارند».

● حکومت از ریزش در بدنه میانی نیروهای مسلح بسیار نگران است. به ویژه آنکه مشکلات اقتصادی نیز آنها را سرخورده کرده است. به همین دلیل تمرکز سازمان عقیدتی-سیاسی نیروهای مسلح در ارتش، سپاه و بسیج و همچنین نیروی انتظامی بر افزایش «ولایت‌مداری» میان پرسنل نظامی است.

● محمد عبادی‌زاده نماینده خامنه‌ای در هرمزگان نیز در دیدار با فرماندهان نظامی مستقر در این استان به آنها توصیه کرد «همچه‌ها و فضا سازی دشمنان در فعالیت‌های نظامی خلی ایجاد نکنند».

در سالگرد خیزش ملی، نماینده علی خامنه‌ای در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در یک سخنرانی در جمع بسیجیان و طلبه‌های لرستان که در مصلا «الغدیر» خرم‌آباد برگزار شد، به آنها در مورد خطرات «خسته شدن» هشدار داد ←

آمریکا مهمات و تسلیحات مصادره شده از سپاه پاسداران را به ارتش اوکراین تحویل داد



مهمات و سلاح‌های توقیف شده از مبداء ایران بر روی عرضه یک ناو آمریکایی

طبق حکم وزارت دادگستری آمریکا این محموله به عنوان بخشی از غرامت علیه سپاه پاسداران به نفع آمریکا مصادره شده است.

محموله‌های توقیف شده در مراکز سنتکام در خاورمیانه نگهداری می‌شوند. دولت بایدن ماه‌ها در حال بررسی نحوه ارسال قانونی سلاح‌های توقیف شده، برای اوکراینی‌ها بود. جاناتان لرد کارشناس ارشد و مدیر برنامه امنیت خاورمیانه در مرکز مطالعات امنیت آمریکای جدید گفته «اوکراین به تجهیزات مختلف برای ادامه جنگ نیاز دارد، اگرچه این راه‌حلی برای تمام نیازهای نظامی اوکراین نیست، اما حمایت حیاتی را ارائه خواهد کرد».

محموله‌هایی که معمولاً از ایران برای حوثی‌ها ارسال می‌شود با لنج‌های بی‌نام و نشان حمل می‌شوند. این روش به سپاه پاسداران این اجازه را می‌دهد که در صورت توقیف محموله‌ها ارسال سلاح برای حوثی‌ها را انکار کند. با اینهمه بر اساس گزارش سنتکام این محموله‌ها از بنادری در جنوب ایران بارگیری شده‌اند.

در کنگره آمریکا مخالفت‌هایی با افزایش حمایت‌های نظامی از اوکراین آغاز شده است. وزارت دفاع آمریکا روز سه‌شنبه اعلام کرد که ایالات متحده می‌تواند با کمک‌هایی که قبلاً در کنگره به تصویب رسیده فقط برای مدت زمان اندک می‌تواند به تأمین نیازهای نظامی اوکراین ادامه دهد، اما برای آنکه این کار در بلندمدت صورت گیرد نیاز به موافقت نمایندگان کنگره خواهد بود.

جو بایدن رئیس‌جمهوری آمریکا از کنگره خواسته است بودجه کمک‌های جدید به اوکراین را جداگانه تصویب کند. اما در بین جمهوریخواهان برای تصویب این کمک‌ها اختلاف زیاد است. از سوی دیگر وضعیت در مجلس نمایندگان آمریکا آشفته است و با رأی نمایندگان طرفداران دونالد ترامپ، کوین مک‌کارتی رئیس مجلس که خود از جمهوریخواهان بود برکنار شد.

● بر اساس بیانیه فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا در خاورمیانه (سنتکام) ایالات متحده «حدود یک میلیون و یکصد هزار گلوله ۶۲/۷ میلی‌متری» را در اختیار نیروهای مسلح اوکراین قرار داده است.

● جاناتان لرد کارشناس ارشد و مدیر برنامه امنیت خاورمیانه در مرکز مطالعات امنیت آمریکای جدید گفته «اوکراین به تجهیزات مختلف برای ادامه جنگ نیاز دارد، اگرچه این راه‌حلی برای تمام نیازهای نظامی اوکراین نیست، اما حمایت حیاتی را ارائه خواهد کرد».

آمریکا روز چهارشنبه ۴ اکتبر (۱۲ مهرماه) اعلام کرد تسلیحات و مهماتی را که از جمهوری اسلامی مصادره شده در اختیار اوکراین قرار داده است.

این جنگ‌افزار و مهمات بخشی از همان محموله‌هایی هستند که از ایران با لنج‌های کوچک و متوسط برای پشتیبانی از حوثی‌های یمن از طریق دریا ارسال شده بود اما توسط نیروهای ائتلاف در دریای عمان یا خلیج عدن توقیف شده بود.

بر اساس بیانیه فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا در خاورمیانه (سنتکام) ایالات متحده روز دوشنبه ۱۰ مهرماه «حدود یک میلیون و یکصد هزار گلوله ۶۲/۷ میلی‌متری» را در اختیار نیروهای مسلح اوکراین قرار داده است.

این مهمات دسامبر ۲۰۲۲ برخلاف قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل، توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای حوثی‌های یمن ارسال شده بود که توقیف شد.

مهماتی که در اختیار ارتش اوکراین قرار داده «کالیبر کوچک» هستند. مقامات آمریکایی گفته‌اند این محموله‌ها می‌تواند به کاهش برخی از کمبودهای ارتش اوکراین در حالیکه منتظر پول و تجهیزات بیشتر از سوی ایالات متحده و متحدانش است کمک کند هرچند که اوکراینی‌ها از دولت‌های غربی درخواست جنگ‌افزارهای سنگین و استراتژیک دارند.

و گفت الان وقت استراحت نیست و دشمن بنا دارد انقلاب را از بین ببرد.

عبدالله حاجی صادقی که با مأموریت ترویج «جهاد تبیین» بین طرفداران نظام از شهری به شهر دیگر می‌رود روز دوشنبه دهم مهرماه در جلسه‌ای با حامیان نظام در خرم‌آباد گفت «ما به دنبال شهادت می‌دویم» و «بشارت به اینکه تنها راه کنار زدن هر اندوه و نگرانی روحیه شهادت‌طلبی است».

وی با نقل مرثیه‌ای از وقایع عاشورا و مظلومیت حسین و نقش زینب در ترویج راه کربلا پُلی به وضعیت جمهوری اسلامی زد و گفت: «جمع‌بندی دشمن این است که یا باید انقلاب اسلامی بمیرد یا مرگ ما حتماً است، دشمنان می‌دانند انقلاب اسلامی بنا دارد ریشه ظلم را بردارد و رژیم اشغالگر را نابود کند و می‌کند و به لطف الهی به دنیا وعده می‌دهیم و ما با الهام از همین شهدا همانطور که خیلی از سنگرها را فتح کردیم این رژیم را نیز نابود می‌کنیم».

حاجی صادقی با اشاره به اعتراضات علیه نظام در ادامه جلسه هشدار داد «خطر ارتجاع خطر بزرگی است، جنگ اقتصادی است و کارشکنی‌هایی در داخل می‌شود و دشمن در کمین است ولی ما سنگرهای دیگر دنیا را یکی پس از دیگری فتح می‌کنیم، امروز روزی است که همه زینب‌وار بگوییم ما خسته نشدیم و ما آمدیم عالم را آماده ظهور کنیم».

در بخش دیگری از این سخنرانی حاجی صادقی گفت «وثیقه نهضت ظهور، انقلاب اسلامی است». وی از بسیجی‌ها و طلاب خواست «نگذارید امید کم‌رنگ شود... دومین محور جهاد تبیین، جهاد خسته نشدن است، الان زمان خسته شدن، بریدن، استراحت و راحتی نیست بلکه زمان جنگ است، حوزه‌های علمیه امروز حساس‌ترین وظیفه و جهاد را دارند» نماینده علی‌خامنه‌ای در سپاه در ادامه افزود که یکی از برنامه‌های دیگر دشمن از بین بردن هویت و ایمان و موتور حرکت انقلاب است و می‌خواهند «انحراف عملی و علمی و اعتقادی به وجود بیاورند».

وی هشدار داد: «می‌خواهند مردم را نسبت به مسئولان بی‌اعتماد کنند، می‌خواهند مردم را از نقش‌آفرینی در صحنه‌های مختلف باز دارند».

حرف‌های حاجی صادقی برای امید دادن به بسیجی‌ها یادآور حرف‌های حسین اشتری فرمانده سابق نیروی انتظامی در جمع مأموران سرکوبگر در مهرماه سال ۱۴۰۱ است. پس از یک هفته ادامه تظاهرات سراسری با وجود سرکوب‌ها نیروهای امنیتی به شدت خسته بودند و اشتری برای روحیه دادن به آنها با چند محافظ، در گوشه‌ای از تهران به چند نفر از آنها می‌گفت «ما این لباس را برای پاسداری از نظام پوشیدیم. یک ذره شک نکنید! اگر قاسم سلیمانی بود می‌گفت خوب کاری کردید!».

حکومت از ریزش در بدنه میانی نیروهای مسلح بسیار نگران است. به ویژه آنکه مشکلات اقتصادی نیز آنها را سرخورده کرده است. به همین دلیل تمرکز سازمان عقیدتی-سیاسی نیروهای مسلح در ارتش، سپاه و بسیج و همچنین نیروی انتظامی بر افزایش «ولایت‌مداری» میان پرسنل نظامی است. آنها مدام به هر مناسبتی از مسیرهای مختلف به نیروهای پایور و کارکنان در مورد ضرورت حفظ انقلاب بر محور باورهای مهدوی و آخرزمانی تذکر می‌دهند.

در یکی از این موارد محمد عبادی‌زاده نماینده خامنه‌ای در هرمزگان نیز در دیدار با فرماندهان نظامی مستقر در این استان به آنها توصیه کرد «هجمه‌ها و فضا سازی دشمنان در فعالیت‌های نظامی خللی ایجاد نکند».

وی در این جلسه گفت باید متناسب با برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های دشمن نقشه راه بلندمدت نیروهای نظامی را ترسیم کرد تا بتوان در آینده موفقیت را به ارمغان آورد.

حسین امیرعبداللهیان در واکنش به لغو مسابقه سپاهان و الاتحاد: بین ما و عربستان توافق شد بازی تکرار شود!



گفته شده بود که باید مجسمه سلیمانی را بردارند اما نیروهای امنیتی با این تصمیم مخالفت کردند.

محمدرضا ساکت مدیرعامل سپاهان درباره لغو دیدار سپاهان و الاتحاد گفته بود «اقدام اصلاحی در این شرایط، در حضور ۵۰ هزار نفر امکان‌ناشد». منظور وی از اقدام اصلاحی دور کردن مجسمه سلیمانی از محوطه زمین مسابقه بود. مقامات جمهوری اسلامی در این ماجرا ادعا کردند سلیمانی «قهرمان ملی» است. آنها با این توهم تلاش کردند تا قرار دادن مجسمه فرمانده سپاه قدس در کنار زمین فوتبال را توجیه کنند.

پس از لغو این مسابقه تماشاگران در استادیوم از روی سکوها به سمت مجسمه سلیمانی قوطی و آشغال پرتاب کردند و شعار «بی‌شرف! بی‌شرف!» سر دادند.

دوستداران فوتبال که بعد از لغو مسابقه تیم سپاهان و الاتحاد به خاطر مجسمه قاسم سلیمانی، بسیار خشمگین بودند بیرون استادیوم «نقش جهان» شعار دادند: «ایران که شاه ندارد، حساب کتاب ندارد».

اینهمه درحالیست که مقامات جمهوری اسلامی در مقابل تحقیرهای عربستانی‌ها در مورد قاسم سلیمانی بی‌اراده و دست بسته‌اند.

در جریان سفر فیصل بن فرحان وزیر خارجه سعودی به تهران (خرداد ۱۴۰۲) نیز وی در کنفرانس مطبوعاتی با امیرعبداللهیان حاضر نشد در تالار وزارت خارجه زیر قاب عکس سلیمانی کنفرانس را برگزار کند و تالار را ترک کرد.

به نظر می‌رسد اقدامات مقامات پادشاهی عربستان برای تحقیر جمهوری اسلامی باعث تغییر لحن مقامات جمهوری اسلامی شده است. آنها سرخوش از اینکه با میانجیگری چینی‌ها روابط با ریاض را بهبود بخشیدند و سفارتخانه‌های دو کشور بازگشایی شده و حالا می‌توانند در توافق عربستان و اسرائیل نیز اخلال کنند، به خیال خودشان به «دیپلماسی عزتمندانه» می‌بالیند اما چنانکه به نظر می‌رسد وضعیت ناپایدارتر از آنست که این تخیلات به واقعیت بپیوندند.

روزنامه «جوان» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۲ مهر در گزارشی نوشت «اگر امیرعبداللهیان محل کنفرانس خبری با وزیرخارجه سعودی را تغییر می‌داد، الان آنها خواستار حذف سردیس حاج قاسم می‌شدند».

● حسین امیرعبداللهیان به خبرنگاران گفت، «همان دوشنبه شب (۱۰ مهرماه بعد از لغو مسابقه) من و وزیر خارجه عربستان سعودی در تماس و ارتباط مستقیم با هم بودیم. روابط تهران و ریاض در مسیر درست خود پیش می‌رود و ما نباید اجازه دهیم ورزش تبدیل به یک اهرم سیاسی در دست هر طرفی شود».

● محمدرضا ساکت مدیرعامل سپاهان درباره لغو دیدار سپاهان و الاتحاد گفته بود «اقدام اصلاحی در این شرایط، در حضور ۵۰ هزار نفر امکان‌ناشد». منظور وی از اقدام اصلاحی دور کردن مجسمه سلیمانی از محوطه زمین مسابقه بود.

● روزنامه «جوان» وابسته به سپاه پاسداران ۱۲ مهر در گزارشی نوشت «اگر امیرعبداللهیان محل کنفرانس خبری با وزیرخارجه سعودی را تغییر می‌داد، الان آنها خواستار حذف سردیس حاج قاسم می‌شدند».

به دنبال لغو مسابقه تیم‌های سپاهان و الاتحاد به دلیل قرار داشتن مجسمه قاسم سلیمانی در کنار زمین مسابقه در استادیوم «نقش جهان»، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ادعا کرد، «بین ما و عربستان سعودی این توافق وجود دارد که این بازی در زمان مورد توافق بعدی تکرار شود».

حسین امیرعبداللهیان چهارشنبه ۱۲ مهرماه در پایان جلسه هیأت دولت به خبرنگاران گفت، «همان دوشنبه شب (۱۰ مهرماه بعد از لغو مسابقه) من و وزیر خارجه عربستان سعودی در تماس و ارتباط مستقیم با هم بودیم. روابط تهران و ریاض در مسیر درست خود پیش می‌رود و ما نباید اجازه دهیم ورزش تبدیل به یک اهرم سیاسی در دست هر طرفی شود».

مسابقه تیم‌های سپاهان و الاتحاد از هفته دوم رقابت‌های لیگ قهرمانان فوتبال آسیا، قرار بود دوشنبه در اصفهان برگزار شود اما مسئولان تیم عربستانی به دلیل قرار داشتن مجسمه سلیمانی کنار زمین مسابقه به میدان نرفته و به سرعت استادیوم را ترک کردند و به فرودگاه رفتند.

فدراسیون فوتبال عربستان رسماً اعلام کرد که تصمیم لغو مسابقه را «کنفدراسیون فوتبال آسیا» (AFC) با کمک گزارش‌های نمایندگان خود در استادیوم گرفته است. مدیران باشگاه الاتحاد اعلام کردند که به مدیران سپاهان



عکس هفته | آرمیتا گراوند ۱۶ ساله

دختر ۱۶ ساله‌ای که از روز یکشنبه ۹ مهرماه ۱۴۰۲ از مترو تهران بیهوش به بیمارستان «فجر» منتقل شد و تا این تاریخ در کما بسر می‌برد. بیمارستان توسط نیروهای امنیتی قُرق شده و افکار عمومی به آنچه مقامات و رسانه‌های جمهوری اسلامی می‌گویند باور ندارد.